
Type of article (research article, review article, promotional article)

Explaining the strategies for achieving Islamic urban planning patterns in the design of urban public spaces (Case study of Aligudarz city)

Mohammad Behzadpour*: Assistant Professor, Department of Architectural Engineering, Hashtgerd Branch, Islamic Azad University, Hashtgerd, Iran
Details

Mehdi Khakzand: Associate Professor, Department of Architecture and Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran

Seyed Mohammad Reza Mousavi: PhD Student in Architectural Engineering, Tafresh Mathematics Branch, Islamic Azad University, Tafresh, Iran

Article Info

Received: 26/1/2025

Accepted: 4/3/2025

PP: 1-16

Keywords:

Islamic urban planning, urban pattern, public space, urban space

Abstract

In this study, the aim is to explain the strategies for achieving Islamic urban planning patterns in the design of urban public spaces. The method of this research is descriptive-analytical and quantitative. The target population includes 290 residents of public spaces in Aligudarz city, calculated using the Cochran formula as the sample size, and the samples were selected using the simple random method. SPSS software and mean, correlation, and multivariate linear regression tests were used to analyze the data. Considering the importance of public spaces in creating social and cultural identity, it seems necessary to examine the principles and characteristics of Islamic urban planning. This study, while examining the history and theoretical foundations of Islamic urban planning, analyzes successful patterns in Islamic countries and their impact on the design of public spaces. In this regard, key factors such as social interactions, respect for the human scale, and attention to the environment are examined as fundamental principles in the design of Islamic public spaces. Also, solutions are presented for integrating these principles into the modern urban design process. The results, according to other researchers and scholars, show that by utilizing the principles of Islamic urban planning, more efficient, sustainable, and culturally rich public spaces can be created that help improve the quality of life of citizens. In recent years, attention to Islamic urban planning patterns and their impact on the design of urban public spaces has increased. This review article examines the strategies for achieving these patterns. By considering the fundamental principles of Islamic urban planning, such as harmony with the environment, attention to social and cultural needs, and emphasis on human interactions, it is possible to achieve the design of efficient and meaningful public spaces.

Citation: Behzadpour, M, Khakzand, M, Mousavi, SM. (2025). Explaining the strategies for achieving Islamic urban planning patterns in the design of urban public spaces (Case study of Aligudarz city). *Journal of Architecture and Humanistic Environments*, 1 (1), 1-16.



نوع مقاله (علمی-پژوهشی، علمی-مروری، علمی-ترویجی)

تبیین راهکارهای دستیابی به الگوهای شهرسازی اسلامی در طراحی فضاهای عمومی شهری (مورد مطالعه شهرستان الیگودرز)

محمد بهزادپور*: استادیار، گروه مهندسی معماری، واحد هشتگرد، دانشگاه آزاد اسلامی، هشتگرد، ایران

مهدی خاک زند: دانشیار گروه معماری و شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران

سیدمحمد رضا موسوی: دانشجوی دکتری مهندسی معماری، واحد حسابی تفرش، دانشگاه آزاد اسلامی، تفرش، ایران

چکیده

اطلاعات مقاله

در این پژوهش هدف تبیین راهکارهای دستیابی به الگوهای شهرسازی اسلامی در طراحی فضاهای عمومی شهری است. روش این تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی و روش کمی می باشد، جامعه مورد هدف شامل ۲۹۰ نفر از باشندگان فضاهای عمومی شهرستان الیگودرز با استفاده از فرمول کوکران به عنوان حجم نمونه محاسبه شده و نمونه ها با استفاده از روش تصادفی ساده، انتخاب گردید، برای تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS و آزمون های میانگین، همبستگی و رگرسیون چندمتغیره. خطی استفاده شد. با توجه به اهمیت فضاهای عمومی در ایجاد هویت اجتماعی و فرهنگی، بررسی اصول و ویژگی های شهرسازی اسلامی ضروری به نظر می رسد. این تحقیق ضمن بررسی تاریخچه و مبانی نظری شهرسازی اسلامی، به تحلیل الگوهای موفق در کشورهای اسلامی و تأثیر آن ها بر طراحی فضاهای عمومی می پردازد. در این راستا، عوامل کلیدی نظیر تعاملات اجتماعی، احترام به مقیاس انسانی، و توجه به محیط زیست به عنوان اصول بنیادین در طراحی فضاهای عمومی اسلامی مورد بررسی قرار می گیرند. همچنین، راهکارهایی برای ادغام این اصول در فرآیند طراحی شهری مدرن ارائه می شود. نتایج طبق نظرات سایر پژوهشگران و محققان نشان می دهد که با بهره گیری از اصول شهرسازی اسلامی، می توان فضاهای عمومی کارآمدتر، پایدارتر و با هویت فرهنگی غنی تری ایجاد کرد که به ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان کمک می کند. در سال های اخیر، توجه به الگوهای شهرسازی اسلامی و تأثیر آن بر طراحی فضاهای عمومی شهری افزایش یافته است. این مقاله مروری به بررسی راهکارهای دستیابی به این الگوها می پردازد. با توجه به اصول بنیادین شهرسازی اسلامی، نظیر هماهنگی با محیط، توجه به نیازهای اجتماعی و فرهنگی، و تأکید بر تعاملات انسانی، می توان به طراحی فضاهای عمومی کارآمد و معنادار دست یافت.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۴

شماره صفحات: ۱-۱۶

واژگان کلیدی:

شهرسازی اسلامی، الگوی شهری، فضای عمومی، فضای شهری

استناد: بهزادپور، محمد، خاک زند، مهدی و موسوی، سیدمحمد رضا (۱۴۰۳). تبیین راهکارهای دستیابی به الگوهای شهرسازی اسلامی در

طراحی فضاهای عمومی شهری (مورد مطالعه شهرستان الیگودرز). فصلنامه معماری و محیط‌های انسان محور، ۱ (۱)، ۱-۱۶.

مقدمه

شهرسازی اسلامی به عنوان یک رویکرد جامع و متعادل در طراحی فضاهای شهری، همواره به دنبال ایجاد تعادل میان نیازهای انسانی و اصول زیست‌محیطی بوده است (Bahrani, 2020). این رویکرد نه تنها به جنبه‌های فیزیکی و ظاهری فضاهای عمومی توجه می‌کند، بلکه به ابعاد اجتماعی، فرهنگی و معنوی نیز اهمیت می‌دهد. در دنیای امروز، با افزایش جمعیت و تغییرات سریع اجتماعی، نیاز به طراحی فضاهای عمومی که پاسخگوی نیازهای جامعه باشد، بیش از پیش احساس می‌شود. فضاهای عمومی، به عنوان نقاطی برای تعاملات اجتماعی و فرهنگی، نقش کلیدی در شکل‌دهی به هویت شهری و تقویت پیوندهای اجتماعی دارند (Seymour, 2019). در این راستا، الگوهای شهرسازی اسلامی می‌توانند به عنوان یک منبع الهام‌بخش برای طراحی این فضاها مورد استفاده قرار گیرند. اصولی مانند احترام به محیط زیست، تأکید بر تعاملات انسانی و ایجاد فضاهای معنوی، می‌توانند به بهبود کیفیت زندگی شهری و ارتقای احساس تعلق اجتماعی کمک کنند (Elshater, 2022). لذا باشندگان فضاهای عمومی شهرستان الیگودرز در چند محله و خیابان به عنوان محل مورد مطالعه جهت داده‌های آماری مورد تحلیل قرار می‌گیرند.

با توجه به چالش‌های موجود در طراحی فضاهای عمومی، از جمله عدم توجه به نیازهای واقعی جامعه و فقدان هویت فرهنگی، پژوهش در زمینه راهکارهای دستیابی به الگوهای شهرسازی اسلامی اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند (Mohammad & Zain, 2023). این مقاله به بررسی این راهکارها می‌پردازد و تلاش دارد تا با ارائه نمونه‌های عملی و تحلیل چالش‌ها، به توسعه فضاهای عمومی پایدار و معنادار در شهرهای اسلامی کمک کند.

اهداف پژوهش

هدف کلی، انجام پژوهش با هدف تبیین راهکارهای دستیابی به الگوهای شهرسازی اسلامی در طراحی فضاهای عمومی شهری مورد بحث است.

پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش در زمینه الگوهای شهرسازی اسلامی و طراحی فضاهای عمومی نشان می‌دهد که این حوزه دارای مبانی نظری و عملی قوی است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که طراحی فضاهای عمومی بر اساس اصول اسلامی می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی شهری و ارتقای احساس تعلق اجتماعی کمک کند. با این حال، نیاز به پژوهش‌های بیشتر در این زمینه احساس می‌شود تا بتوان به شناسایی و تحلیل الگوهای موفق و چالش‌های موجود در طراحی فضاهای عمومی پرداخت.

پژوهش‌های داخلی

تحقیقات داخلی نشان می‌دهند که طراحی فضاهای عمومی بر اساس اصول شهرسازی اسلامی می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی شهری کمک کند. به عنوان مثال، پژوهش‌های انجام شده توسط حسینی (۱۴۰۰) نشان می‌دهد که فضاهای عمومی طراحی شده بر اساس اصول اسلامی، احساس تعلق و هویت اجتماعی را در شهروندان تقویت می‌کند.

حسینی (۱۴۰۰) در پژوهش خود به بررسی تأثیر طراحی فضاهای عمومی بر اساس اصول شهرسازی اسلامی پرداخته است. او به تحلیل نمونه‌های موفق در شهرهای ایرانی و تأثیر آن‌ها بر تعاملات اجتماعی و هویت فرهنگی پرداخته و نتیجه‌گیری کرده است که طراحی مناسب فضاهای عمومی می‌تواند به تقویت پیوندهای اجتماعی و فرهنگی کمک کند.

یوسفی و همکاران (۱۴۰۱)، در پژوهش خود به بررسی چالش‌ها و فرصت‌های موجود در طراحی فضاهای عمومی بر اساس اصول اسلامی می‌پردازد. یوسفی و همکاران به تحلیل نمونه‌های ناموفق و چالش‌های موجود در این زمینه پرداخته و پیشنهادهایی برای بهبود کیفیت فضاهای عمومی ارائه داده‌اند.

جدول دیدگاه صاحب نظران شهرسازی اسلامی (نگارندگان، ۱۴۰۳)

صاحب نظر	نظر یا دیدگاه	توضیحات
حسن فتحی	شهرسازی اسلامی بر پایه‌ی انسجام اجتماعی و دینی بنا شده است.	تاکید بر اهمیت مسجد به عنوان مرکز شهر و تاثیر آن بر طراحی اجتماعی و فرهنگی شهر.
کریم پورحسین	شهرسازی اسلامی یک ساختار پیچیده با توجه به اقلیم، فرهنگ و تاریخ است.	طراحی شهری باید با شرایط اقلیمی و نیازهای اجتماعی هماهنگ باشد و از هویت فرهنگی و تاریخی هر منطقه پیروی کند.
ابوالحسن معصومی	توجه به تعادل میان شهر و طبیعت از ویژگی‌های اصلی شهرسازی اسلامی است.	در شهرسازی اسلامی، رابطه انسان با طبیعت و محیط زیست باید حفظ شود و منابع طبیعی به‌طور بهینه استفاده شوند.
محمد کرم‌اللهی	طراحی شهری باید موجب ایجاد فضاهایی برای تعامل اجتماعی و معنوی باشد.	ایجاد فضاهای عمومی نظیر میداين و کوچه‌های باریک برای تسهیل ارتباطات اجتماعی و حفظ حریم خصوصی.
پرویز هادی	توجه به سادگی و توازن در طراحی فضاهای شهری مهم است.	طراحی فضاهای شهری باید ساده، متعادل و متناسب با نیازهای انسانی و اجتماعی باشد، بدون تزئینات غیرضروری.

پژوهش‌های خارجی

در این مقاله، رشید (۲۰۱۸) به بررسی اصول شهرسازی اسلامی و تأثیر آن بر طراحی فضاهای عمومی در کشورهای اسلامی پرداخته است. او به تحلیل نمونه‌های موفق و چالش‌های موجود در این حوزه می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد که توجه به اصول اسلامی در طراحی فضاهای عمومی می‌تواند به تقویت هویت فرهنگی و اجتماعی کمک کند.

در مقاله خان (۲۰۲۰)، در پژوهش خود به بررسی رابطه بین فضاهای عمومی و هویت فرهنگی در شهرهای اسلامی پرداخته است. او به تحلیل تأثیر طراحی فضاهای عمومی بر تقویت هویت اجتماعی و فرهنگی پرداخته و نتیجه‌گیری کرده است که فضاهای عمومی باید به گونه‌ای طراحی شوند که احساس تعلق و هویت اجتماعی را در شهروندان تقویت کنند.

روش پژوهش و ابزار جمع آوری اطلاعات

شناخت روش تحقیق در راستای پاسخ به سئوالات اصلی همراه با آزمون فرضیه‌های پژوهش حاضر ضروری است. منظور از روش تحقیق، جستجوی راهبردهای لازم و همراه با آن شناسایی ابزار و روش بکارگیری آن ابزار در هر راهبرد است که این مرحله با توجه به بررسی پژوهش‌های پیشین در این حیطه انجام می‌گیرد. در این تحقیق لازم شد که دنیای ذهنی کنشگران مورد بررسی و اکتشاف قرار بگیرد. پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کاربردی است و به روش توصیفی-تحلیلی با استفاده از شاخص‌های حضور شهروندان فضاهای عمومی شهرستان الیگودرز انجام شده است. روش گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و پرسشنامه و مقالات موجود در این زمینه و مطالعه‌ی کتب و مجلات و پایان‌نامه‌ها و مشاوره با افراد صاحب نظر استفاده شده است. روش انجام پژوهش با توجه به ماهیت موضوع، اهداف، شیوه گردآوری اطلاعات و اساساً ساختار و سازمان تحقیق، توصیفی-تحلیلی است.

مفاهیم نظری پژوهش

شهرسازی اسلامی به عنوان یک رویکرد جامع و متعادل در طراحی فضاهای شهری، بر اصول و ارزش‌های اسلامی تأکید دارد. این رویکرد به دنبال ایجاد فضایی است که نه تنها نیازهای مادی انسان‌ها را برآورده کند بلکه به ابعاد معنوی و اجتماعی نیز توجه داشته باشد. در این راستا، فضاهای عمومی به عنوان

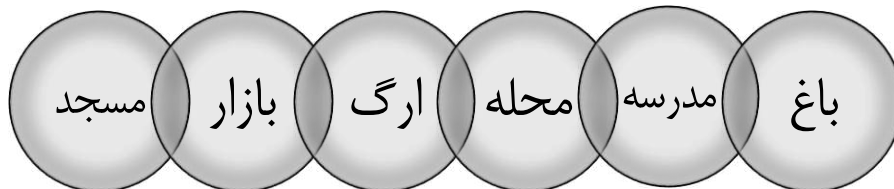
نقاطی برای تعاملات اجتماعی و فرهنگی، نقش کلیدی در شکل‌دهی به هویت شهری و تقویت پیوندهای اجتماعی ایفا می‌کنند. در این بخش، به بررسی مفاهیم نظری و ادبیات پژوهش در این زمینه خواهیم پرداخت.

جدول ۲ اصول شهرسازی اسلامی براساس واقع‌گرایی اسلامی (نگارندگان، ۱۴۰۳)

ردیف	ابعاد شهرسازی اسلامی	اصول شهرسازی بر اساس واقع‌گرایی اسلامی
۱	مبانی معرفتی	شهر واقعیتی است واحد و مستقل از معرفت انسان به آن؛ احکام ثابت معیار اعتباربخشی به سایر قوانین شهری، تصدیق و حکم درباره هر امری از شهر اسلامی در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، کالبدی
۲	اقتصادی	خدامحوری در امور اقتصادی - قصد قرب الهی - پرداخت وجوه شرعی؛ رعایت حلال و حرام؛ پرهیز از اسراف و تبذیر و تضييع؛ عدالت؛ نوع دوستی؛ احسان؛ ارث؛ قوانین مالکیت در اسلام؛ تقوی؛ ممنوعیت قانونی ذخیره‌کردن پول و تحریم بهره و رباخواری تعاون و همکاری
۳	مدیریت شهری	تفکر در نظم و پیچیدگی آفرینش الهی و کشف قواعد آن؛ اعتدال؛ پرهیز از افراط و تفریط و رعایت حد وسط؛ احترام به حقوق سایر مخلوقات و نسل‌های آتی؛ نگرش خداوندی به طبیعت، حفاظت از طبیعت، پرهیز از اسراف و اتلاف و تضييع منابع طبیعی
۴	منظر شهری	کرامت انسانی؛ حفاظت جان و مال به‌عنوان امانت الهی؛ احترام؛ آرامش و طمأنینه؛ تناسب و هماهنگی؛ پرهیز از اسراف؛ احترام و تواضع؛ اعتدال؛ پرهیز از تجمل‌گرایی. پرهیز از مثال‌گری در شهر و فضاهای شهری؛ مرکزیت مکان‌های عبادی
۵	اجتماعی و فرهنگی	انجام تکالیف دینی؛ سنجش تمامی امورات اجتماعی و فرهنگی با احکام الهی؛ انسان موجودی مدنی بالطبع؛ حفظ وحدت امت اسلامی؛ مصلحت مسلمین
۶	زیست محیطی	هر نظمی در خلقت زیست‌محیطی ناظمی دارد؛ تفکر در نظم و پیچیدگی آفرینش الهی و کشف قواعد آن؛ اعتدال؛ پرهیز از افراط و تفریط و رعایت حد وسط؛ احترام به حقوق سایر مخلوقات و نسل‌های آتی؛ نگرش خداوندی به طبیعت، حفاظت از طبیعت

شهرسازی اسلامی

شهرسازی اسلامی به معنای طراحی و سازماندهی فضاهای شهری بر اساس اصول و ارزش‌های اسلامی است. این مفهوم شامل توجه به جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی می‌شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که شهرسازی اسلامی باید بر اساس الگوهای سنتی و محلی هر منطقه شکل بگیرد تا هویت فرهنگی و اجتماعی آن حفظ شود (Rashid, 2018). این رویکرد می‌تواند به ایجاد فضاهایی منجر شود که همزمان با نیازهای مدرن جامعه هماهنگ هستند و از ارزش‌های سنتی نیز پاسداری می‌کنند.



نمودار ۱ عناصر تشکیل‌دهنده شهرهای پس از اسلام

فضاهای عمومی

فضاهای عمومی به مکان‌هایی اطلاق می‌شود که در آن‌ها تعاملات اجتماعی و فرهنگی اتفاق می‌افتد. این فضاها شامل پارک‌ها، میدان‌ها، بازارها و دیگر نقاط تجمع عمومی هستند. طراحی این فضاها باید به گونه‌ای باشد که امکان تعاملات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را فراهم کند (Khan, 2020). همچنین، فضاهای عمومی باید به نیازهای مختلف جامعه پاسخ دهند و شامل امکاناتی برای افراد با توانایی‌های مختلف باشند.

هویت فرهنگی

هویت فرهنگی به مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و ارزش‌ها اطلاق می‌شود که یک جامعه را متمایز می‌کند. در طراحی فضاهای عمومی، حفظ و تقویت هویت فرهنگی جامعه بسیار مهم است. این هویت می‌تواند از طریق طراحی معماری، انتخاب مصالح، و ایجاد فضاهای معنوی و اجتماعی به نمایش گذاشته شود (Seymour, 2019). به عنوان مثال، استفاده از نمادهای فرهنگی و تاریخی در طراحی فضاهای عمومی می‌تواند به تقویت حس تعلق و هویت اجتماعی کمک کند.

اصول طراحی

الگوهای شهرسازی اسلامی بر اساس اصول خاصی طراحی می‌شوند که شامل موارد زیر است: توجه به هویت فرهنگی: طراحی فضاهای عمومی باید با هویت فرهنگی و تاریخی منطقه هماهنگ باشد. این هماهنگی می‌تواند شامل استفاده از مصالح محلی، الگوهای معماری سنتی و نمادهای فرهنگی باشد (مهدی‌زاده، ۱۳۹۹:۶). تعاملات اجتماعی: فضاهای عمومی باید فضایی برای تعاملات اجتماعی فراهم کنند. این فضاها باید به گونه‌ای طراحی شوند که افراد از اقشار مختلف جامعه بتوانند در آن‌ها حضور داشته باشند و با یکدیگر تعامل کنند (حسینی، ۱۴۰۰:۳). پایداری و احترام به محیط زیست: طراحی فضاهای عمومی باید به گونه‌ای باشد که از منابع طبیعی به طور پایدار استفاده کند و تأثیرات منفی بر محیط زیست را کاهش دهد (یوسفی و همکاران، ۱۴۰۱:۶).

طراحی فضاهای عمومی

طراحی فضاهای عمومی به عنوان یکی از جنبه‌های کلیدی شهرسازی، نقش مهمی در کیفیت زندگی شهری و تعاملات اجتماعی ایفا می‌کند. فضاهای عمومی شامل پارک‌ها، میدان‌ها، خیابان‌ها و سایر نقاطی هستند که امکان استفاده عمومی را فراهم می‌آورند. این فضاها نه تنها به عنوان مکان‌هایی برای تفریح و استراحت عمل می‌کنند، بلکه به عنوان بسترهایی برای تعاملات اجتماعی و فرهنگی نیز اهمیت دارند.

جدول ۳ معیارهای فضاهای عمومی شهری (نگارندگان ۱۴۰۳)

سال	نظریه پرداز	معیارها
۱۹۸۹	ساور ورت	ساختار، خوانایی، فرم، حس مکان، هویت، دید و منظر، مقیاس انسانی (پیاده)
۱۹۹۷	پانمر و کارمونا	کاربری زمین، جریان حرکت پیاده، الگوهای رفماری، جریان حرکت سواره، نفوذپذیری، ادراک همگانی، ارزیابی‌های کیفی، تداعی میانی، خوانایی، منظرعینی، فرم مصنوع
۱۹۸۵	یان بنملی	نفوذپذیری، تنوع، انعطاف پذیری، نفوذپذیری، تنوع (فرم)، خوانایی، انعطاف پذیری، سازگاری بصری، غنا، امکان شخصی سازی، کارایی از نظر مصرف انرژی.
۱۹۸۳	ویولچ	قرائت پذیری محیط، آزادی انتخاب، فرم های شهری متباین، امکان زندگی اجتماعی، به گوش رسیدن آوای گذشته، توجه به پیوندهای بومی منطقه ای.
۱۹۸۵	کوبین لینچ	سازگاری، دسترسی، کنترل و نظارت، کارایی، عدالت، سرزندگی اجتماعی، معنی، سرزندگی (بیولوژیک).
۱۹۶۱	جین جیکوبز	نظم فعالیت ها بر نظم بصری، کاربری مختلط، نفوذپذیری، امکان نظارت و مراقبت، تنوع و غنای فعالیت ها، توجه به خیابان، امکان اختلاط اجتماعی، غنای فعالیت ها، انعطاف پذیری

اهمیت طراحی فضاهای عمومی

طراحی مناسب فضاهای عمومی می‌تواند تأثیرات مثبت زیادی بر روی جامعه داشته باشد. این فضاها می‌توانند به تقویت هویت محلی، افزایش امنیت اجتماعی و بهبود سلامت روانی شهروندان کمک کنند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که فضاهای عمومی با کیفیت، احساس تعلق به جامعه را در افراد تقویت می‌کنند و به ایجاد روابط اجتماعی سالم کمک می‌نمایند (حسینی، ۱۴۰۰: ۸).

اصول طراحی فضاهای عمومی

۱- دسترسی و قابلیت استفاده

یکی از اصول کلیدی در طراحی فضاهای عمومی، دسترسی پذیری است. فضاها باید به گونه‌ای طراحی شوند که تمامی اقشار جامعه، از جمله افراد با نیازهای خاص، بتوانند به راحتی از آن‌ها استفاده کنند. این شامل ایجاد مسیرهای پیاده‌روی، دوچرخه‌سواری و حمل‌ونقل عمومی مناسب است (مهدی‌زاده، ۱۳۹۹: ۷).

۲- تنوع و انعطاف‌پذیری

فضاهای عمومی باید تنوعی از فعالیت‌ها و امکانات را ارائه دهند تا نیازهای مختلف کاربران را برآورده کنند. این تنوع می‌تواند شامل فضاهای سبز، مناطق بازی، مکان‌های تجمع و رویدادهای فرهنگی باشد. همچنین، فضاها باید قابلیت انعطاف‌پذیری داشته باشند تا بتوانند در طول زمان به نیازهای متغیر جامعه پاسخ دهند (یوسفی و همکاران، ۱۴۰۱: ۶).

۳- ارتباط با طبیعت

ادغام عناصر طبیعی در طراحی فضاهای عمومی می‌تواند به بهبود کیفیت فضا کمک کند. فضاهای سبز، درختان و آب‌نماها می‌توانند به افزایش زیبایی و آرامش در فضاهای عمومی کمک کنند و تأثیرات مثبت بر سلامت روانی شهروندان داشته باشند (Rashid, 2018).

راهکارهای بهبود طراحی فضاهای عمومی

۱- ارتقاء مشارکت اجتماعی

یکی از پیشنهادات مهم برای بهبود طراحی فضاهای عمومی، ارتقاء مشارکت اجتماعی در فرآیند طراحی و برنامه‌ریزی است. این مشارکت می‌تواند شامل نظرسنجی از ساکنان محلی، برگزاری کارگاه‌های آموزشی و ایجاد گروه‌های مشاوره‌ای باشد. با توجه به نیازها و خواسته‌های واقعی جامعه، می‌توان فضاهایی طراحی کرد که واقعاً پاسخگوی نیازهای کاربران باشند و احساس تعلق به فضا را در افراد تقویت کنند.

۲- توجه به تنوع فرهنگی

با توجه به تنوع فرهنگی در جوامع مختلف، پیشنهاد می‌شود که در طراحی فضاهای عمومی به نیازها و ارزش‌های فرهنگی مختلف توجه شود. طراحی فضاهایی که قابلیت انعطاف‌پذیری برای برگزاری رویدادهای مختلف فرهنگی و اجتماعی را دارند، می‌تواند به ارتقاء تعاملات اجتماعی و تقویت هویت محلی کمک کند. این امر می‌تواند شامل ایجاد فضاهایی برای نمایش هنرهای محلی، برگزاری جشنواره‌ها و فعالیت‌های اجتماعی باشد.

۳- استفاده از فناوری‌های نوین

استفاده از فناوری‌های نوین در طراحی و مدیریت فضاهای عمومی، می‌تواند به بهبود کیفیت و کارایی این فضاها کمک کند. به‌کارگیری سیستم‌های هوشمند برای نظارت بر استفاده از فضاها، ارائه اطلاعات به کاربران و بهینه‌سازی منابع می‌تواند تجربه کاربری را بهبود بخشد. همچنین، ایجاد اپلیکیشن‌های موبایل برای راهنمایی کاربران در استفاده از فضاهای عمومی و اطلاع‌رسانی درباره رویدادها و فعالیت‌ها می‌تواند مفید باشد.

۴- تأکید بر پایداری زیست‌محیطی

در نهایت، طراحی فضاهای عمومی باید با تأکید بر پایداری زیست‌محیطی انجام شود. استفاده از مصالح محلی، طراحی فضاهای سبز و ایجاد سیستم‌های آب‌نما و جمع‌آوری آب باران می‌تواند به کاهش اثرات منفی بر محیط زیست کمک کند. همچنین، ایجاد فضاهایی که به حفظ تنوع زیستی و افزایش کیفیت هوا کمک کنند، می‌تواند به بهبود سلامت عمومی و رفاه شهروندان منجر شود. این پیشنهادات می‌توانند به عنوان راهکارهایی عملی برای بهبود طراحی فضاهای عمومی در شهرهای ایرانی و دیگر جوامع مورد استفاده قرار گیرند. با توجه به اهمیت این فضاها در ارتقاء کیفیت زندگی شهری، توجه به این نکات می‌تواند به ایجاد فضاهای عمومی کارآمد و پایدار منجر شود.

نمونه‌های موفق طراحی فضاهای عمومی بر اساس الگوهای اسلامی

در کشورهای اسلامی، نمونه‌های موفق از طراحی فضاهای عمومی بر اساس الگوهای اسلامی وجود دارد. به عنوان مثال، میدان‌های تاریخی در شهرهای ایرانی مانند اصفهان و شیراز، نمونه‌هایی از فضاهای عمومی هستند که با تأکید بر تعاملات اجتماعی و هویت فرهنگی طراحی شده‌اند (خانی، ۱۴۰۰: ۵). این فضاها به عنوان نقاط تجمع اجتماعی و فرهنگی عمل می‌کنند و به تقویت پیوندهای اجتماعی کمک می‌کنند.

اصول شهرسازی اسلامی

برخی از اصول کلیدی شهرسازی اسلامی شامل موارد زیر است:
 هماهنگی با محیط: طراحی فضاها باید با ویژگی‌های طبیعی و فرهنگی منطقه هماهنگ باشد. این هماهنگی می‌تواند به حفظ منابع طبیعی و کاهش تأثیرات منفی زیست‌محیطی کمک کند (Bahrani, 2020).
 تعاملات اجتماعی: فضاهای عمومی باید فرصتی برای تعاملات اجتماعی فراهم کنند. این تعاملات می‌توانند به تقویت روابط اجتماعی و ایجاد حس جامعه‌پذیری کمک کنند (Elshater, 2022).
 پایداری: استفاده از منابع طبیعی به طور پایدار و احترام به محیط زیست از اصول اساسی است. در این راستا، طراحی فضاهای عمومی باید به گونه‌ای باشد که از منابع طبیعی بهینه استفاده کند و تأثیرات منفی بر محیط زیست را کاهش دهد. (Mohammad Zain, 2023).

راهکارهای دستیابی به الگوهای شهرسازی اسلامی

تحلیل و پژوهش در زمینه تاریخ و فرهنگ محلی

برای طراحی فضاهای عمومی مطابق با الگوهای شهرسازی اسلامی، لازم است که تاریخ و فرهنگ محلی به دقت مورد بررسی قرار گیرد. این تحلیل‌ها می‌توانند به شناسایی ویژگی‌های خاص هر منطقه کمک کنند و طراحی را با اصول و ارزش‌های فرهنگی محلی همسو نمایند. به عنوان مثال، پژوهش‌های انجام شده توسط سهراب نیک‌فر (1398) در زمینه تأثیر فرهنگ محلی بر طراحی شهری، نشان می‌دهد که شناخت عمیق از بستر فرهنگی می‌تواند به طراحی مؤثرتر فضاهای عمومی منجر شود.

استفاده از مصالح و فنون سنتی

استفاده از مصالح محلی و فنون سنتی در طراحی فضاهای عمومی به حفظ هویت فرهنگی و کاهش هزینه‌های ساخت و نگهداری کمک می‌کند. حسین حیدری (1400) در مقاله‌ای به بررسی تأثیر استفاده از معماری بومی بر هویت شهری پرداخته و تأکید می‌کند که استفاده از مصالح سنتی می‌تواند به ایجاد فضایی منسجم و هماهنگ با محیط زیست کمک کند.

ایجاد فضاهای چندمنظوره

طراحی فضاهای عمومی باید به گونه‌ای باشد که قابلیت استفاده چندمنظوره را داشته باشد. این فضاها می‌توانند به عنوان مکان‌هایی برای برگزاری رویدادهای اجتماعی، فرهنگی و مذهبی عمل کنند.

توجه به اصول طراحی پایدار

به کارگیری اصول طراحی پایدار در فضاهای عمومی می‌تواند به حفظ محیط زیست و ارتقاء کیفیت زندگی شهری کمک کند. استفاده از منابع انرژی تجدیدپذیر و طراحی فضاهای سبز از جمله راهکارهای مؤثر در این زمینه هستند.

مشارکت جامعه در فرآیند طراحی

تشویق به مشارکت فعال ساکنان محلی در فرآیند طراحی فضاهای عمومی می‌تواند به بهبود کیفیت طراحی و افزایش احساس تعلق به فضا کمک کند. زهرا حسینی در پژوهشی نشان می‌دهد که برگزاری جلسات مشاوره و کارگاه‌های آموزشی می‌تواند به جمع‌آوری نظرات و ایده‌های مردم کمک کند و در نهایت منجر به طراحی فضایی متناسب با نیازهای واقعی جامعه گردد.

توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل عمومی

ایجاد و توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل عمومی مناسب، می‌تواند به افزایش دسترسی به فضاهای عمومی کمک کند. طراحی مسیرهای پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری امن و راحت، به همراه ایستگاه‌های حمل‌ونقل عمومی، می‌تواند موجب افزایش استفاده از این فضاها و ارتقاء کیفیت زندگی شهری گردد. فرزین شریفی در تحقیق خود به بررسی تأثیر حمل‌ونقل عمومی بر دسترسی به فضاهای عمومی پرداخته است.

چالش‌ها و فرصت‌ها

تحقیقات نشان می‌دهند که چالش‌هایی مانند عدم توجه به نیازهای واقعی جامعه و فقدان هویت فرهنگی در طراحی فضاهای عمومی وجود دارد (Khan & Ali, 2021). به عنوان مثال، بسیاری از فضاهای عمومی در شهرهای مدرن به دلیل عدم توجه به نیازهای محلی و فرهنگی، نتوانسته‌اند به عنوان نقاط تجمع اجتماعی عمل کنند. اما با بهره‌گیری از الگوهای شهرسازی اسلامی، می‌توان به فرصت‌های جدیدی برای طراحی فضاهای عمومی پایدار و

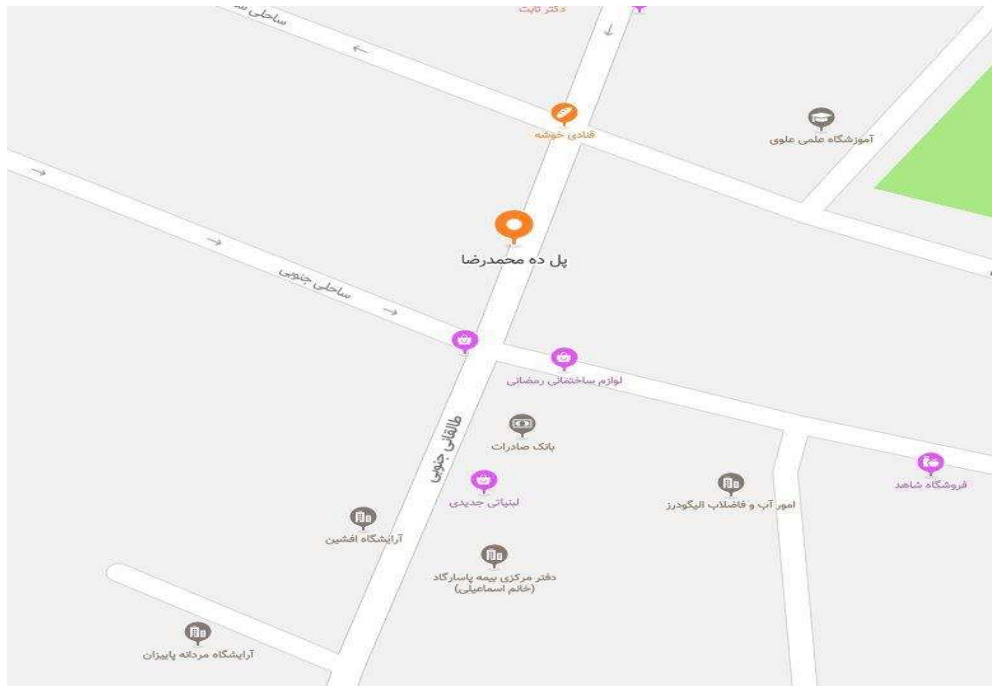
معنادار دست یافت. این الگوها می‌توانند به ایجاد فضاهایی کمک کنند که نه تنها زیبا و کارآمد باشند بلکه به تقویت روابط اجتماعی و هویت فرهنگی نیز کمک کنند. طراحی فضاهای عمومی با چالش‌های متعددی روبرو است. یکی از این چالش‌ها، کمبود منابع مالی و سرمایه‌گذاری مناسب برای توسعه و نگهداری این فضاها است. همچنین، عدم توجه به نیازهای واقعی جامعه و فقدان مشاوره با ساکنان محلی می‌تواند به طراحی ناکارآمد منجر شود. با این حال، فرصت‌هایی نیز وجود دارد. استفاده از فناوری‌های نوین و رویکردهای مشارکتی می‌تواند به بهبود کیفیت طراحی فضاهای عمومی کمک کند (Khan, 2020).



نمودار ۲ دیاگرام الگوهای شهرسازی اسلامی در فضاهای شهری (نگارندگان، ۱۴۰۳)

محدوده مورد مطالعه

الیگودرز مرکز شهرستان الیگودرز و در شرق استان لرستان و با جمعیت ۹۰,۷۹۹ در سال ۱۳۹۵ بعد از خرم‌آباد، بروجرد و دورود و کوهدشت پنجمین شهر پرجمعیت لرستان است. شهر الیگودرز در دامنه کوهستانی و با آب و هوایی سرد در زمستان و مطلوب و معتدل در بهار و تابستان شرق استان لرستان است؛ همچنین، از شهرهای مرتفع و مناطق سردسیر ایران است. دیرینگی آن به بیش از ۷۰۰ سال می‌رسد. شهر الیگودرز دومین شهر فرمانداری ویژه استان لرستان است. این شهر به دلیل موقعیت جغرافیایی یکی از شاه‌راه‌های جاده ای استان لرستان است. الیگودرز بخاطر داشتن مراکز درمانی، مراکز آموزش عالی و امکانات شهری مناسب در استان لرستان از اهمیت زیادی برخوردار است الیگودرز در گذشته از چهار محله ورزندان، مجیان، ده تیرانی و ده محمدرضا تشکیل شده بود هرچند که توسعه اخیر شهر این مرز بندی را نامحسوس کرده است. این شهر از سال ۱۳۵۹ دارای نماینده در مجلس شورای ملی می‌باشد. محدوده مورد مطالعه در این پژوهش شامل پیاده رو های میدان امام ره، محله ده محمدرضا در محله ساحلی الیگودرز و در خیابان ساحلی جنوبی، خیابان طالقانی جنوبی واقع شده است را بررسی می‌کند.



تصویر ۱ محدوده مورد مطالعه پژوهش

تحلیل یافته ها

با توجه به موضوع پژوهش و تحلیل پرسشنامه باشندگان از جمله یافته های توصیفی مورد بررسی در تحقیق حاضر میتوان به سن، جنس، وضعیت اشتغال، سطح تحصیلات و محل زندگی جامعه نمونه اشاره نمود که در جداول شماره ۱ نشان داده شده است.

جدول ۴ یافته های توصیفی پرسش شوندگان، منبع: یافته های پژوهش (۱۴۰۳)

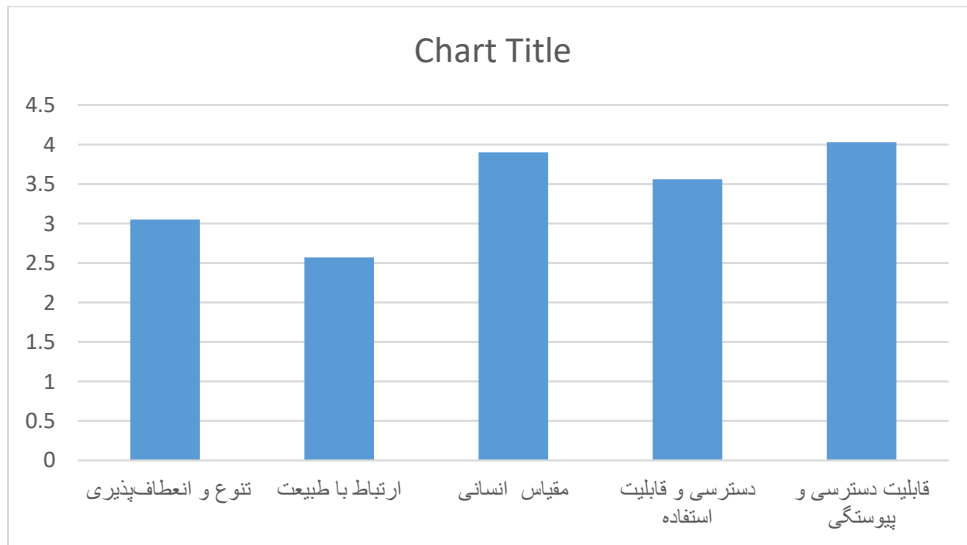
	سن
	۲۰-۱۵
	۴۰-۲۱
	۶۰-۴۱
	> ۶۰
جنس	
	مرد
	زن
شغل	
	دولتی
	آزاد
	بیکار
	دانشجو

تحصیلات	
دیپلم	٪۲۰
کاردانی	٪۱۸,۵
کارشناسی	٪۴۴,۵
کارشناسی ارشد	٪۷
دکتری	٪۱۰
محل زندگی	
محل ده محمد رضا	٪۳۱
محل دیگر	٪۶۹

میانگین شاخص های بررسی شده در این پژوهش در جدول شماره ۲ آورده شده است و در این میان شاخص قابلیت دسترسی و پیوستگی با میانگین ۴,۰۳ از ۵ با بیشترین میزان و شاخص ارتباط با طبیعت با مقدار ۲,۵۷ از ۵ کمترین میزان را داشته اند.

جدول ۵ میانگین شاخص ها، منبع: یافته‌های پژوهش

میانگین	شاخصها
۳,۵۶	دسترسى و قابلیت استفاده
۳,۰۵	تنوع و انعطاف‌پذیری
۲,۵۷	ارتباط با طبیعت
۳,۹۰	مقیاس انسانی
۳,۳۱	ایجاد فضاهای چندمنظوره
۴,۰۳	قابلیت دسترسی و پیوستگی
۳,۹۲	نظم و هماهنگی



نمودار ۳ میانگین شاخص‌ها

ساختار پرسشنامه

جهت تحلیل داده‌های پژوهش ۲۹۰ نفر جامعه آماری پژوهش را شامل شده اند، و پرسشنامه‌ای طراحی شده شامل سوالات کمی و کیفی. به شرح متغیرهای:

سن: متغیر کمی، مقیاس اندازه‌گیری: پیوسته

جنسیت: متغیر کیفی (دسته‌ای)، مقیاس اندازه‌گیری: اسمی

تحصیلات: متغیر کیفی (دسته‌ای)، مقیاس اندازه‌گیری: اسمی

آگاهی از اصول شهرسازی اسلامی: متغیر کیفی (دسته‌ای)، مقیاس اندازه‌گیری: اسمی

رضایت از فضاهای عمومی: متغیر کمی، مقیاس اندازه‌گیری: پیوسته

تأثیرات طراحی بر کیفیت زندگی: متغیر کمی، مقیاس اندازه‌گیری: پیوسته

استفاده از اصول اسلامی در فضاهای عمومی: متغیر کیفی (دسته‌ای)، مقیاس اندازه‌گیری: اسمی

میانگین رضایت از فضاهای عمومی شهری در پاسخ‌دهندگان ۳,۵ از ۵ است. با توجه به تحلیل داده های SPSS طبق موضوع "الگوهای شهرسازی

اسلامی در طراحی فضاهای عمومی شهری" و داده‌های مربوط به ۲۹۰ نفر، موارد ذیل استخراج گردید.

میانگین رضایت از فضاهای عمومی و میانگین تأثیرات طراحی بر کیفیت زندگی در فضاهای عمومی شهرستان الیگودرز طبق داده های حاصل از پرسشنامه ها به شرح ذیل است.

میانگین رضایت از فضاهای عمومی:

میانگین: ۴,۱

انحراف معیار: ۰,۸

میانگین تأثیرات طراحی بر کیفیت زندگی:

میانگین: ۳,۹

انحراف معیار: ۰,۷

آزمون کای-دو

با توجه به آزمون کای-دو در مورد اینکه آیا جنسیت تأثیرگذار بر آگاهی از اصول شهرسازی اسلامی است.

۴,۷۵	ارزش
۱	درجات آزادی
0.03	اهمیت

چون مقدار p کمتر از ۰,۰۵ است، می‌توان نتیجه گرفت که بین جنسیت و آگاهی از اصول شهرسازی اسلامی ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

تحلیل همبستگی پیرسون

جهت بررسی ارتباط بین رضایت از فضاهای عمومی و تأثیرات طراحی بر کیفیت زندگی، از همبستگی پیرسون استفاده شد.

۰,۶۵	ضریب همبستگی بین رضایت از فضاهای عمومی و تأثیر طراحی بر کیفیت زندگی
۰,۰۰۱	مقدار معنی‌داری

همبستگی مثبت و معنادار ۰,۶۵ نشان می‌دهد که بین رضایت از فضاهای عمومی و تأثیرات طراحی بر کیفیت زندگی ارتباط مثبت و قوی وجود دارد.

آزمون t-مستقل یا ANOVA

با توجه به تحلیل نتایج و بحث رضایت افراد در گروه‌های مختلف تحصیلی (مثلاً لیسانس، فوق لیسانس، دکتری)، آزمون ANOVA به شرح ذیل می‌باشد.

منبع تغییرات (Source)	مجموع مربعات (SS)	درجه آزادی (df)	میانگین مربعات (MS)	آماره F	مقدار معنی‌داری (Sig.)
بین گروه‌ها (Between Groups)	15.6	2	7.8	5.2	0.01
درون گروه‌ها (Within Groups)	40.3	287	0.14	-	-
کل (Total)	55.9	289	-	-	-

از آنجا که مقدار (0.01) p کمتر از ۰,۰۵ است، می‌توان نتیجه گرفت که رضایت افراد از فضاهای عمومی در گروه‌های مختلف تحصیلی تفاوت معناداری دارد.

نتیجه گیری

تحلیل مفاهیم نظری و ادبیات پژوهش در زمینه شهرسازی اسلامی و طراحی فضاهای عمومی نشان می‌دهد که این رویکرد می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی شهری و ارتقای احساس تعلق اجتماعی کمک کند. با توجه به چالش‌های موجود، نیاز به پژوهش‌های بیشتر در این زمینه احساس می‌شود. این پژوهش‌ها می‌توانند به شناسایی و تحلیل الگوهای موفق در طراحی فضاهای عمومی بر اساس اصول اسلامی کمک کنند و راهکارهای عملی برای بهبود کیفیت فضاهای عمومی ارائه دهند.

در این مقاله به بررسی الگوهای شهرسازی اسلامی و تأثیر آن‌ها بر طراحی فضاهای عمومی پرداخته شد. نتایج نشان می‌دهند که اصول شهرسازی اسلامی نه تنها به نیازهای مادی شهروندان توجه دارند، بلکه ابعاد معنوی و اجتماعی را نیز در نظر می‌گیرند. طراحی فضاهای عمومی بر اساس این اصول می‌تواند به تقویت هویت فرهنگی و اجتماعی شهروندان کمک کند و فضاهایی را فراهم آورد که تعاملات اجتماعی و فرهنگی را تسهیل می‌کنند. به طور خاص، فضاهای عمومی باید به گونه‌ای طراحی شوند که امکان برقراری ارتباطات اجتماعی را فراهم آورند و احساس تعلق به جامعه را در افراد تقویت کنند. طراحی فضاهای عمومی به عنوان یک عنصر کلیدی در شهرسازی، باید با توجه به نیازهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه انجام شود. با توجه به اهمیت این فضاها در ارتقای کیفیت زندگی شهری، توجه به اصول طراحی مناسب و در نظر گرفتن چالش‌ها و فرصت‌ها، می‌تواند به ایجاد فضاهای عمومی مؤثر و پایدار منجر شود.

در بررسی‌های صورت گرفته، و تحلیل نتایج پرسشنامه‌ها در فضاهای عمومی شهرستان مورد مطالعه مشخص شد که طراحی فضاهای عمومی در شهرهای اسلامی باید با توجه به هویت فرهنگی و تاریخی منطقه انجام شود. استفاده از مصالح محلی، الگوهای معماری سنتی و نمادهای فرهنگی می‌تواند به ایجاد فضایی منسجم و هماهنگ با هویت منطقه کمک کند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که فضاهای عمومی موفق، فضاهایی هستند که به نیازهای اجتماعی و فرهنگی شهروندان پاسخ می‌دهند و در عین حال به تقویت پیوندهای اجتماعی کمک می‌کنند. این فضاها باید قابلیت انعطاف‌پذیری داشته باشند تا بتوانند در طول زمان به نیازهای متغیر جامعه پاسخ دهند.

چالش‌های موجود در طراحی فضاهای عمومی نیز باید مورد توجه قرار گیرند. بسیاری از فضاهای عمومی در شهرهای ایرانی به دلیل عدم توجه به اصول طراحی اسلامی و نیازهای اجتماعی، با مشکلاتی مانند کمبود امکانات، عدم امنیت و عدم جذابیت مواجه هستند. این چالش‌ها می‌تواند مانع از استفاده بهینه از فضاهای عمومی شوند و به کاهش کیفیت زندگی شهری منجر شوند. بنابراین، نیاز به پژوهش‌های بیشتر و ایجاد راهکارهای عملی برای بهبود کیفیت فضاهای عمومی احساس می‌شود.

در نهایت، می‌توان گفت که طراحی فضاهای عمومی بر اساس اصول شهرسازی اسلامی می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی شهری و ارتقای احساس تعلق اجتماعی کمک کند. با توجه به اهمیت فضاهای عمومی در شکل‌دهی به هویت شهری و تقویت پیوندهای اجتماعی، توجه به اصول اسلامی در طراحی این فضاها ضروری است. این رویکرد می‌تواند به ایجاد فضایی پایدار و متناسب با نیازهای فرهنگی و اجتماعی شهروندان منجر شود و در نهایت به توسعه پایدار شهری کمک کند.

پیشنهادات

پس از تحلیل نتایج حاصل از پرسشنامه‌ها در این مقاله پیشنهادات برای دستیابی به الگوهای شهرسازی اسلامی در طراحی فضاهای عمومی شهری به شرح زیر می‌باشد.

۱- تحلیل و پژوهش در زمینه تاریخ و فرهنگ محلی

برای دستیابی به الگوهای شهرسازی اسلامی، ضروری است که پژوهش‌های عمیقی در زمینه تاریخ، فرهنگ و هویت محلی انجام شود. این تحلیل‌ها می‌توانند به شناسایی ویژگی‌های خاص هر منطقه کمک کنند و طراحی فضاهای عمومی را با اصول و ارزش‌های فرهنگی محلی همسو نمایند.

۲- استفاده از مصالح و فنون سنتی

پیشنهاد می‌شود در طراحی فضاهای عمومی، از مصالح محلی و فنون سنتی استفاده شود. این اقدام نه تنها به حفظ هویت فرهنگی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به کاهش هزینه‌های ساخت و نگهداری نیز منجر شود. استفاده از معماری بومی و تکنیک‌های سنتی می‌تواند به ایجاد فضایی منسجم و هماهنگ با محیط زیست کمک کند.

۳- ایجاد فضاهای چندمنظوره

طراحی فضاهای عمومی باید به گونه‌ای باشد که قابلیت استفاده چندمنظوره را داشته باشد. این فضاها می‌توانند به عنوان مکان‌هایی برای برگزاری رویدادهای اجتماعی، فرهنگی و مذهبی عمل کنند. ایجاد فضاهایی که امکان تجمعات اجتماعی، فعالیت‌های هنری و مراسم مذهبی را فراهم آورند، می‌تواند به تقویت هویت اسلامی و اجتماعی جامعه کمک کند.

۴- توجه به اصول طراحی پایدار

به کارگیری اصول طراحی پایدار در فضاهای عمومی می‌تواند به حفظ محیط زیست و ارتقاء کیفیت زندگی شهری کمک کند. استفاده از منابع انرژی تجدیدپذیر، طراحی فضاهای سبز و تأمین آب مورد نیاز از طریق سیستم‌های جمع‌آوری آب باران، از جمله راهکارهای مؤثر در این زمینه هستند.

۵- مشارکت جامعه در فرآیند طراحی

تشویق به مشارکت فعال ساکنان محلی در فرآیند طراحی فضاهای عمومی می‌تواند به بهبود کیفیت طراحی و افزایش احساس تعلق به فضا کمک کند. برگزاری جلسات مشاوره و کارگاه‌های آموزشی می‌تواند به جمع‌آوری نظرات و ایده‌های مردم کمک کند و در نهایت منجر به طراحی فضایی متناسب با نیازهای واقعی جامعه گردد.

۶- توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل عمومی

ایجاد و توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل عمومی مناسب، می‌تواند به افزایش دسترسی به فضاهای عمومی کمک کند. طراحی مسیرهای پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری امن و راحت، به همراه ایستگاه‌های حمل‌ونقل عمومی، می‌تواند موجب افزایش استفاده از این فضاها و ارتقاء کیفیت زندگی شهری گردد. این پیشنهادات می‌توانند به عنوان راهکارهایی عملی برای دستیابی به الگوهای شهرسازی اسلامی در طراحی فضاهای عمومی شهری مورد استفاده قرار گیرند و به ارتقاء کیفیت زندگی شهری و تقویت هویت فرهنگی کمک کنند.

فهرست منابع

- ۱- ابراهیمی، حسین، بذرافشان، مرتضی، بحرانی فرد، محمود، احسانیان، محمد (۱۴۰۰) اندیشه‌های شهرسازی با تأکید بر رویکردهای اسلامی. کنفرانس ملی معماری، عمران، شهرسازی و افق‌های هنر اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب، تبریز.
- ۲- بلالی اسکویی، آریتا، کی‌نژاد، محمدعلی، زکی پور، نجمه (۱۳۹۹) تبیین مؤلفه‌ها و شاخص‌های شهر امن با رویکرد اسلامی. پژوهش‌های معماری اسلامی، ۱۸(۱)، ۱۲۵-۱۵۲.
- ۳- نظری قنبری، سارا، مرادی، سعید (۱۳۹۵) اندیشه‌های اسلام و شهرسازی معماری و شهرسازی ایران - اسلامی، توسعه پایدار، شهرسازی نوین / اولین کنفرانس ملی رویکردهای معماری و شهرسازی پیش رو، کرمانشاه.
- ۴- پورجعفری، محمدرضا، یگانه، منصور، فراهانی، مریم (۱۳۹۵) رویکردی تحلیلی بر تأثیر اندیشه‌ها در معماری و شهرسازی تحلیل تطبیقی اندیشه‌های فلسفی و حکمی. معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۱۷، ۱۷۳-۱۸۳.
- ۵- سعید نیا، مهندس احمد (۱۳۹۴) شهرسازی اندیشه‌های خام شهرسازی. هنرهای زیبا.
- ۶- بیات، بهرام (۱۳۹۳) رویکرد اسلامی به شهر؛ ویژگی‌های شهر اسلامی. فصلنامه علمی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، ۱۵(۲)، ۷۵-۹۴.
- ۷- اوستروفسکی، واتسلاف (۱۳۸۱) شهرسازی معاصر از نخستین سرچشمه‌ها تا منشور آتن (لادن اعتضادی، مترجم). (نشر دانشگاهی).
- ۸- شوی، فرانسواز (۱۳۸۵) شهرسازی تخیلات و واقعیات (سید محسن حبیبی، مترجم). (دانشگاه تهران).
- ۹- مانیگاگو لامپونینی، ویتوریو (۱۳۹۱) معماری و شهرسازی در قرن بیستم. (لادن اعتضادی، مترجم). (دانشگاه شهید بهشتی).
- ۱۰- فکوهی، ناصر (۱۳۹۳) انسان‌شناسی شهری. مجله.
- ۱۱- خانی، محمد (۱۴۰۰) بررسی تأثیر فضاهای عمومی بر هویت اجتماعی در شهرهای اسلامی. فصلنامه شهرسازی اسلامی، ۲۲(۴)، ۴۵-۶۰.
- ۱۲- حسینی، سعید (۱۴۰۰) طراحی فضاهای عمومی بر اساس اصول شهرسازی اسلامی. مجله معماری و شهرسازی، ۳۴(۱)، ۱۲-۲۸.
- ۱۳- مهدی‌زاده، علی (۱۳۹۹) الگوهای شهرسازی اسلامی و تأثیر آن‌ها بر طراحی فضاهای عمومی. پژوهش‌های جغرافیایی، ۴۵(۳)، ۱۰۲-۱۱۸.
- ۱۴- یوسفی، رضا، & همکاران (۱۴۰۱) چالش‌ها و فرصت‌های طراحی فضاهای عمومی در شهرهای ایرانی. مجله برنامه‌ریزی شهری، ۲۶(۲)، ۸۸-۱۰۴.
- ۱۵- نیک‌فر، سید (۱۳۹۸) تأثیر فرهنگ محلی بر طراحی شهری. نشریه شهرسازی اسلامی، ۷(۳)، ۷۵-۹۰.
- ۱۶- حیدری، حمید (۱۴۰۰) تأثیر استفاده از معماری بومی بر هویت شهری. فصلنامه معماری و شهرسازی، ۱۹(۲)، ۶۰-۷۷.
- ۱۷- گنجی، علی امان‌الله (۱۳۹۹) ایجاد فضاهای چندمنظوره و تأثیر آن بر هویت اسلامی. مجله مطالعات شهری، ۱۸(۲)، ۳۵-۵۰.
- ۱۸- رنجبر، محمد (۱۴۰۱) طراحی پایدار و کیفیت زندگی شهری. نشریه محیط زیست و توسعه پایدار، ۳(۱)، ۵۸-۷۳.
- ۱۹- حسینی، زهرا (۱۴۰۲) مشارکت جامعه در طراحی فضاهای عمومی. مجله علوم اجتماعی، ۹(۴)، ۴۵-۶۲.
- ۲۰- شریفی، فرشاد (۱۴۰۳) تأثیر حمل‌ونقل عمومی بر دسترسی به فضاهای عمومی. نشریه حمل‌ونقل و ترافیک، ۱۱۲(۱)، ۲۵-۴۰.
- 21-Bahrani, A. (2020). Islamic Urbanism: A Comprehensive Approach. Journal of Islamic Architecture.
- 22- Elshater, A. (2022). The Role of Public Spaces in Islamic Cities. Urban Studies.
- 23- Khan, S., & Ali, R. (2021). Sustainable Urban Design: Lessons from Islamic Principles. International Journal of Urban Planning.
- 24- Mohammad, A., & Zain, M. (2023). Cultural Identity in Urban Design: Islamic Perspectives. Journal of Cultural Heritage Management.
- 25-Seymour, E. (2019). Public Spaces and Social Interaction in Urban Environments. Journal of Sociology and
- 26-Bahrani, A. (2020). Islamic Urbanism: A Comprehensive Approach. Journal of Islamic Architecture.
- 27-Elshater, A. (2022). The Role of Public Spaces in Islamic Cities. Urban Studies.
- 28-Khan, S., & Ali, R. (2021). Sustainable Urban Design: Lessons from Islamic Principles. International Journal of Urban Planning.
- 29-Rashid, A. (2018). Principles of Islamic Urbanism. Journal of Islamic Studies.

Type of article (research article, review article, promotional article)

Evaluation of female students' dormitory spaces with emphasis on Calmness and privacy components

Mohsen Kameli*: Assistant Professor, Department of Architecture, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran , Kameli@iau.ac.ir

Article Info

Received: 20/1/2025

Accepted: 4/3/2025

PP: 17-30

Keywords:

Calmness, privacy, student dormitory, security

Abstarct

Many studies that have been conducted in the field of social behavior have evaluated the privacy factor along with culture, religion and environment. In the girls' dormitory, giving importance to privacy is an environment where the principle of privacy as a principle governing all aspects of life is beautifully presented in Iranian architecture, and the interaction of the Iranian element with the currents of Islamic culture, art and thought. It has given a new look to Iranian art. The purpose of this article is to review student dormitories with an emphasis on Calmness and privacy. The research method in this article is descriptive-analytical based on survey and the technique used in it is questionnaire. Also, the statistical population of the research is the students living in Tafarsh city, whose sample number is a sample of 300 people, which was selected purposefully. Based on the obtained results, the variable of Calmness and privacy can not only be useful for the security of the girls' dormitory, but it can also affect the students' relationships with the outside of the dormitory and their Calmness inside the dormitory. According to the observance of the privacy components in the design of the dormitory, it is possible to create maximum spaces that are far from the reach of people and create cozy and open spaces that are not covered, which will establish the permanence of female students in that environment, and they can make the environment as perfect as their own home. have security. The relationship between Calmness and privacy is reciprocal, and as long as the pillars of privacy are respected, the girls of the dormitory will be considered Calmnessable.

Citation: Kameli, M. (2025). Evaluation of female students' dormitory spaces with emphasis on Calmness and privacy components. *human-centered architecture and environments*, 1 (1), 17-30.



نوع مقاله (علمی-پژوهشی، علمی-مروری، علمی-ترویجی)

ارزیابی فضاهای خوابگاهی دانشجویان دختر با رویکرد ارتقای سطح آرامش و محرمیت (نمونه موردی: سکونتگاه دانشجویی دانشگاه شهر محلات)

محسن کاملی*: استادیار گروه معماری، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران (نویسنده مسئول)، Kameli@iau.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۴ شماره صفحات: ۱۷-۳۰	از عوامل مهم در خوابگاه دختران، اهمیت دادن به موضوع محرمیت می باشد، محرمیت در اقامتگاه دخترانه برای دانشجویان دختر بسیار حائز اهمیت است، زیرا وجود حریم به احساس آرامش آنها کمک میکند و بدین طریق دانشجویان میتوانند زمان خود را بدون هرگونه اضطراب و دلهره گذرانده و به بلوغ و صلح روانی دستیابند. مدنظر قرار دادن محرمیت به عنوان یک عامل مهم در جهت ارتقای آرامش برای استفاده کنندگان از فضا حائز اهمیت است، و به همین سبب هدف از مقاله حاضر نیز بررسی خوابگاه های دانشجویی به جهت بررسی میزان آرامش و محرمیت می باشد. روش تحقیق در این مقاله توصیفی- تحلیلی برپایه پیمایش بوده و ابزار مورد استفاده در آن، پرسشنامه می باشد. جامعه آماری تحقیق دانشجویان شهر محلات و تعداد نمونه مورد مطالعه آن ۳۰۰ نفر می باشد که به صورت هدفمند انتخاب شده است. براساس نتایج به دست آمده با توجه به نیاز دانشجویان به سلامت روانی، می توان شرایط مد نظر را با توجه به شاخصه ها در طراحی یک خوابگاه دخترانه با رویکرد ارتقا محرمیت و آرامش فراهم آورد. به عبارتی دیگر سلامت روانی می تواند با برقراری آرامش به دست آید. با توجه اینکه آرامش در گرو امنیت بر قرار می شود، می توان گفت میان ابعاد آرامش و امنیت رابطه ای وجود دارد، به عبارتی میتوان گفت با افزایش امنیت به آرامش مطلوب خواهیم رسید.

واژگان کلیدی:
آرامش، محرمیت، خوابگاه دانشجویی، امنیت

استناد: کاملی، محسن (۱۴۰۳). ارزیابی فضاهای خوابگاهی دانشجویان دختر با رویکرد ارتقای سطح آرامش و محرمیت (نمونه موردی: سکونتگاه دانشجویی دانشگاه شهر محلات). فصلنامه معماری و محیط‌های انسان محور، ۱ (۱)، ۱۷-۳۰.

مقدمه

خوابگاه دانشجویی مکانی است که به عنوان یک قرارگاه فیزیکی در کشورهای گوناگون ساختمان های مسکونی و محدوده - ای از فضای دانشگاه محسوب میشود که برای سکونت آرامش و تامین بهداشت روانی دانشجویان به همراه بهره مندی از سایر امکانات فرهنگی، رفاهی فوق برنامه تربیت بدنی مشاوره و راهنمایی، کتابخانه، تغذیه و بهداشت و درمان در حد مقررات در نظر گرفته شده است (زارعی لاکسار، ۱۳۹۶). از عوامل مهم در خوابگاه دختران، اهمیت دادن به موضوع محرمت می باشد، محرمت در اقامتگاه دخترانه برای دانشجویان دختر بسیار حائز اهمیت است، زیرا وجود حریم به احساس آرامش آنها کمک میکند و بدین طریق دانشجویان میتوانند زمان خود را بدون هرگونه استرس و اضطراب گذرانده و به بلوغ و صلح روانی دستیابند. برطبق نظریات مازلو، پدر معنوی انسانیت در روان پزشکی، نیاز به امنیت و محرمت یکی از زیرساخت های بنیادین برای رشد و بقای شخصیت انسانی است که اگر بدان به درستی پاسخ داده نشود، تصویر گیری شخصیت انسانی مختل میشود دانشگاه و دانشجویان در راس توسعه اجتماعی، علمی و فرهنگی کشور قرار دارند؛ در این میان اقامتگاه های دانشجویی به عنوان خانه دوم آنها از اهمیتی ویژه در تقویت سرزندگی روانی و ایجاد و نگهداری از راحتی ذهنی و فیزیکی، پیشرفت فکری و بازتابگر پیشرفت های شخصیت های فردی است و موجب ارتقای کیفیت آموزشی دانشجویان میشود. به همین سبب، به منظور تسهیل و پرورش کیفیت زندگی اقامتگاه های دانشجویی، ضروری است تا قوانین و مقررات شفاف و موثری براساس حقوق جمعی و فردی و به منظور تقویت روح جمعی و عزت نفس برقرار شود تا برای دانشجویان حس آرامش و محرمت را به همراه آورد و اقامت آنها را در خوابگاه ها منظم سازد (میرزایار، ۱۳۹۸). از دیگر عواملی که می بایست در طراحی خوابگاه دختران مد نظر گرفت عواملی همچون آرامش، ازدحام، خلوت و حضور در خانه می باشد که دانشجویان بتوانند با توجه به شرایط های موجود خود در خانه احساس کند. در محیط های امروزی به خصوص محیط هایی که برای دانشجویان تعریف میشود از جمله خوابگاه دانشجویی دختران به مسائل محرمت و آرامش برای دانشجویان دختر کمتر توجه شده است. بیشتر جنبه ی کاربری و عملکردی برای دانشجویان دارد اما چگونه دانشجویان در همچنین محیطی که دارای امکانات رفاهی با توجه به رعایت ارکان محرمت نباشد می توانند آرامش مورد نظر را به دست آورند. دانشگاه و دانشجو از محورهای توسعه علمی، فرهنگی و اجتماعی کشور محسوب می شوند و خوابگاه دانشجویی به عنوان خانه دوم دانشجو اهمیت ویژه ای در ارتقاء نشاط معنوی، حفظ آرامش روحی و جسمی، اعتلای شخصیت و افزایش کیفیت تحصیلی دانشجویان دارد (جاهد، ۱۳۹۶). با توجه به حساس بودن دوران دانشجویی و اولین تجربه دوری از خانواده و نقش بسزایی که این قشر از جامعه در پیشرفت کشور دارند، توجه به نیازها، علایق، باورها، آموزش، آرامش و حتی اینکه آنها اوقات فراغت خود را چگونه سپری میکنند از اهمیت زیادی برخوردار است. قسمت قابل توجهی از زمان طلایی دانشجویی در مکانی به نام خوابگاه اتفاق می افتد و این مکان در حکم خانه موقت دانشجو، مهارت زیست با هم نوع را به وی می آموزد؛ مکانی که محیط آموزش و تربیت وی است و او با حضور در جمع، تعامی و معاشرت اجتماعی می آموزد و با خلوت، به خویشتن خود بازگشته و هویت فردی خود را پیدا میکند. تحقیقات نشان داده است که عدم حصول خلوت مطلوب افراد در محیط زندگی، باعث برهم خوردن آرامش روانی میگردد و تلاشی که انسان برای وفق دادن خود با این شرایط انجام میدهد تنش هایی عصبی در او ایجاد میکند که در درازمدت اثرات مخرب روحی و جسمی بر او خواهد گذاشت (جباری، ۱۳۹۹). در واقع خوابگاه دانشجویی، محلی است که حداقل نیمی از زندگی دوران تحصیل دانشجویان در آن میگذرد و به همین سبب یکی از کانون های جامعه پذیری دانشجویان محسوب میشود. لذا جستجو و دریافت راهکارهایی با تأکید بر امنیت، آرامش و رفاه در طراحی فضاهای خوابگاه دانشجویی که مبتنی بر بررسی های دقیق باشد، ضرورت مییابد. حفظ حریم خصوصی یک ارتباط دو طرفه است که می تواند شامل ارتباط فرد با فرد، فرد با گروه، خانواده و سایر هسته های اجتماعی و یا ارتباط دو هسته متفاوت باشد. بررسی ها نشان می دهد که چگونه طراحی، محرمت، آرامش و امنیت می تواند برای خلق فضاهایی تعالی بخش به کار گرفته شوند.

به طور کلی اهداف ذیل به جهت انجام این تحقیق مدنظر می باشد:

الف) دستیابی به سطح ارتقاء میزان امنیت دانشجویان دختر با ارکان محرمت که ناشی از تأثیرات محیط خوابگاه می باشد.

ب) ارتقاء سطح آرامش دانشجویان با توجه میزان محرمت افراد در فضاهای خوابگاه دانشجویی می باشد.

ج) تأمین آرامش دانشجویان در خوابگاه دستیابی به ارتقاء سطح آرامش روحی و روانی و کسب تأثیرات مثبت بصری از دید دانشجویان در محیط خوابگاه دختران می باشد.

با توجه به اهداف مدنظر فوق سوالات ذیل مطرح می گردد:

الف) امنیت خوابگاه دختران با استفاده از شاخص های آن به چه میزان است؟

ب) چیدمان های فضایی مورد استفاده در فضای خوابگاه ها با تأکید بر مولفه های آرامش چگونه می تواند در نظر گرفته شود؟

ج) حفظ محرمت خوابگاه دختران با استفاده از شاخص های آن به چه میزان است؟

پیشینه‌ی تحقیق

مقالات متعددی در زمینه خوابگاه و حریمیت می باشد ولی هر کدام به طور جداگانه مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله: مود سوکی و چلودوری (۲۰۱۵) در مقاله خود تحت عنوان "ارزیابی نگرش و رضایت از زندگی دانشجویان در خوابگاه های مؤسسه آموزش عالی شهر لبوان مالزی" به بررسی موقعیت، امکانات و کیفیت خوابگاه از طریق نگرش، رضایت دانشجویان پرداخته است. بنابراین نتایج این پژوهش نشان می دهد که نگرش و رضایت دانشجویان ساکن خوابگاه بیشتر متأثر از کیفیت خوابگاه ها و امکانات و تسهیلات آن است. علاوه براین، نگرش دانشجویان بر رضایت آنها از زندگی در خوابگاه های دانشجویی تأثیر می گذارد.

نظر پور و ملکی (۱۳۹۸) در مقاله خود تحت عنوان "ارزیابی مؤلفه های مؤثر بر میزان رضایت دانشجویان دختر از سکونت در خوابگاه های دانشگاهی" به بررسی و ارزیابی معیارهایی برای ارتقای کیفیت فضای کالبدی خوابگاه های دانشجویی پرداخته شده است و نتایج پژوهش حاکی از آن دارد که رضایت سکونتی دانشجویان دارای پنج عامل کالبد فضاهای داخلی و عملکردها، مدیریت و بهداشت خدمات، زیبایی شناسی و نورگیری طبیعی، امنیت و ارتباطات اجتماعی و ارتباط با طبیعت است. بر اساس این یافته ها میتوان نتیجه گرفت که ارزیابی معیارهای مؤثر بر میزان رضایت در فضاهای خوابگاهی میتواند در تصمیم طراحان برای ارتقای کیفی فضاهای سکونتی دانشجویان راهگشا باشد.

جاهد (۱۳۹۶) در مقاله خود تحت عنوان تبیین عوامل کالبدی تأثیرگذار بر افزایش سرزندگی در مسکن دانشجویی به بررسی و ارزیابی بر مبنای مطالعات روانشناسی محیط، عوامل محیط کالبدی میتواند با تأثیرگذاری بر الگوهای رفتاری، ابزار مناسب را جهت سرزندگی در فضای خوابگاه دانشجویی را فراهم آورد و نتایج تحقیق حاکی از آن دارد که طراحان میتوانند با پیش بینی، طراحی و رعایت اصول حریمیت، فضای شخصی، طراحی مبتنی بر امنیت و آرامش فرد و همچنین دخیل نمودن سایر ملاحظات کالبدی خاص زمینه ارتقاء کیفیت خوابگاه های دانشجویی و ایجاد سرزندگی در آنها را فراهم نمایند.

ذاکری، تقی زاده و دالوند (۱۳۹۴) در مقاله خود تحت عنوان تاثیرات کیفیت محیطی خوابگاه های دخترانه بر سلامت روان کاربران به بررسی و ارزیابی عوامل مؤثر در طراحی خوابگاه با تاکید بر نقش مهم دانشجویان و تاثیر شناخت این کاربران در طراحی خوابگاه پرداخته شده است و نتایج تحقیق حاکی از آن دارد که به طور کلی چیزی که به مطلوب تر شدن طرح و فضا از دید کاربران کمک خواهد کرد تلاش جهت نزدیک تر شدن فضا به کیفیت محیطی یک خانه است. چرا که هر فردی با حس حضور در خانه به آرامش میرسد.

افتخاری، عظمتی و ملکی (۱۳۹۴) در مقاله خود تحت عنوان مؤلفه های مؤثر بر ارتقای حریمیت در فضاهای آموزشی در این پژوهش تلاش شده است به بررسی و درک صحیح و آگاهانه از عوامل تأثیرگذار بر موضوع حریم و با تکیه بر تأمین نیازهای فضاهای آموزشی، آرامش و آرامش در محیط آموزشی برای دختران پرداخته شده است و نتایج تحقیق نشان می دهد که در میان مؤلفه های روانی، مؤلفه های امنیت و حس تعلق و در میان مؤلفه های کالبدی، مؤلفه های سلسله مراتب، مرز، رابطه درون و بیرون و درون گرایی به عنوان مهمترین مؤلفه های کالبدی مؤثر بر ارتقای حریمیت فضای آموزشی شناسایی و راهکارهای طراحی ارائه گردیده است.

ادبیات و مبانی نظری

خوابگاه دانشجویی

کنش های اجتماعی در جامعه ی دختران متفاوت از کنش های اجتماعی جنس دیگر است. این تفاوت ناشی از ویژگی های فیزیولوژیکی، شخصیتی، روان شناختی و اجتماعی است (Mohsenzade & Arefi, 2011). در مجموعه های دختران رابطه های بیش از حد دختران باهم و عواقب سوء آن پرخاشگری های پی درپی، افسردگی ها و یا حتی مواردی از خودکشی ها را شاهد هستیم که موانع بزرگی بر سر راه پیشرفت علمی و اجتماعی دانشجویان هستند. آسیب های موجود در مجموعه های خوابگاهی نشان از آن دارد که طراحی های موجود تاکنون در برآورده کردن انتظارات عاجز بوده و راه به جایی نبرده است (Sepahvand, 2016). آشنایی با مهارت و تجارب دیگران، پیشرفت تحصیلی، گسترش روابط اجتماعی و افزایش دوستی ها، توسعه روحیه همکاری و نظم پذیری، رقابتی شدن فعالیت ها، الزام به تعامل و رفتار همراه با مدارا، برخورد عینی با واقعیت های زندگی، تجربه زندگی منظم تر، افزایش سازگاری، تقویت صبر و تحمل، احساس استقلال بیشتر، یادگیری صرفه جویی، استقلال مالی و بلوغ اقتصادی، آشنایی با اقوام، مذاهب، فرهنگ و آداب و رسوم دیگر شهرها، را میتوان از مزایای استفاده از خوابگاه دانشجویی نام برد (رخشنده رو و همکاران، ۱۴۰۱).

طراحی برای ایجاد آرامش در خوابگاه

خوابگاه های دانشجویی برای بسیاری از دانشجویان جایگزین محیط خانواده است. اگر شرایط مناسبی برای خوابگاه ها در نظر گرفته شود این محیط های بسته و مراکز جمعی، محیط های مطلوبی برای بهبود فرایند یادگیری محسوب می شوند. از طرفی اگر این مکان ها دارای شرایط نامناسب باشند خود به عنوان عاملی برای ایجاد اختلال در سلامت جسمانی، روانی و وضعیت تحصیلی دانشجویان عمل خواهند کرد. بنابراین

خوابگاه های دانشجویی نقش مهمی در سلامت روانی دانشجویان دارد (جوهری و همکاران، ۱۳۹۳). در صورتی که سکونتگاه های دانشجویی، مطابق با استانداردها و رفتارهای دانشجویان طراحی نشوند نمیتوانند پاسخگوی نیازهای آنها باشد و به ناچار دانشجویان مجبور خواهند شد با سازوکارهایی که به کار می گیرند، درصدد حفظ قلمرو و ایجاد خلوت مطلوب خود برآیند. این تلاش اگر بیش از میزان دلخواه برای شخصی سازی و تعریف قلمرو طبق نیازهای زیبایی شناختی باشد، مستلزم صرف انرژی زیادی است که بر کیفیت زندگی و روحیه افراد در کوتاه مدت یا دراز مدت تأثیر نامطلوبی خواهد گذاشت) (Motazedian, & Motalebi, 2014). سلامت روانی، اغلب به مفهوم ساده فقدان بیماری روانی به کار میرود، در حالی که این مفهوم بسیار گسترده تر است. کاپلان و سادوک در تعریف سلامت روان آورده اند: "حالتی از آرامش و برخورداری از این احساس که فرد میتواند با جامعه کنار بیاید و موقعیت های شخصی و ویژگی های اجتماعی برای او رضایت بخش باشد". از دیدگاه کمپل نیز سلامت روانی عبارت است از وضعیت عملکرد روانی موفقیت آمیز که به فعالیت های سازنده، ارتباط رضایت بخش و توانایی فرد برای سازگاری با تغییرات و مقابله با حوادث می انجامد (فردوسی و همکاران، ۱۳۹۲). بنا بر تعریف سازمان جهانی بهداشت سلامت روانی را فقط اختلال روانی نمیداند بلکه آن را حالتی از رفاه و آرامش میداند که بر اساس آن هر شخص خود را توانا و با استعداد میداند و میتواند با استرس های زندگی کنار آید، و به طور مفید و موفقیت آمیزی کار کند و در اجتماع مشارکت داشته باشد (وظیفه شناس و همکاران، ۱۳۹۵).

بررسی عوامل موثر در ایجاد آرامش در خوابگاه

خوانایی

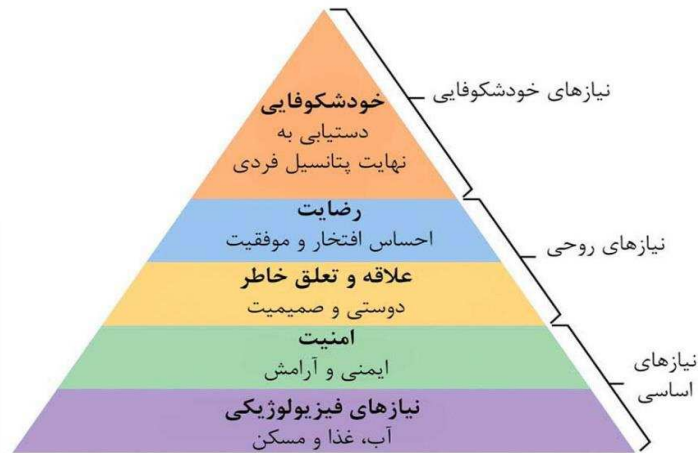
خوانایی به معنای قرائت سهل محیط، از عوامل تأثیرگذار بر درک افراد از محیط می باشد؛ زیرا جنبه های اجتماعی و روانی جهت یابی عوامل مهمی در احساس امنیت فردی هستند. بعضی از جنبه های مهم معماری که به راه یابی آسان در یک ساختمان بزرگ کمک می کنند عبارتند از: آشنا بودن استفاده کننده با ساختمان، جای گیری و خوانایی نشانه ها، قابل درک بودن پلان ساختمان و قابلیت به خاطر سپردن آن، تفاوت عرصه بندی ساختمان چه از نظر رنگ و چه از لحاظ فرم و شکل، تعداد درها و اینکه در پیدا کردن پله ها تا چه حدی با مشکل رو به رو می شویم (وهاب زاده، ۱۳۹۸).

اصل سلسله مراتب

ایجاد سلسله مراتب در فضای ورودی، علاوه بر ایجاد حریمت، میتوان به تعریف درستی از فضاهای خصوصی و نیمه خصوصی دست یافت و از اختلال در کاربری و هویت دیگر فضاها جلوگیری به عمل آورد. یافته های تحقیق حاکی از آن است که بازشناسی فضاهای ورودی میتواند منجر به ارائه الگویی برای دستیابی به حریمت شود، که اصلی جدا نشدنی از هویت در معماری و فرهنگ ایرانی است (غفوریان و همکاران، ۱۳۹۶).

امنیت

خوابگاه های دانشجویی را میتوان به مثابه جوامعی برای یادگیری تلقی کرد که در آن با تبدیل خوابگاه به محیطی ایمن و حمایتی به افزایش گفتمان ها و فعالیت های فوق برنامه تقویت مهارت زندگی و سازگاری و تعامل بیشتر با محیط اجتماعی رشد فردی و شغلی و مشارکت در اداره امور جامعه میتوان دست یافت (جعفری و همکاران، ۱۳۹۸). امنیت یکی از مهمترین ویژگی های هر محیط، در برگیرنده مفاهیمی چون امنیت در برابر بلایا و سوانح طبیعی و غیر طبیعی، امنیت در برابر تجاوزات سایر آحاد جامعه و امنیت در برابر اثرات ناشی از فعالیت های انسانی و... می باشد. این مفهوم برای دانشجویی که جز زندگی در محیط امن خانواده را تجربه نکرده است و در مکانی غریب و به دور از حمایت خانواده، اهمیت بیشتری پیدا می کند. در محیط جدید او دانشگاه را تنها پشتوانه خود می یابد و به نوعی به آن احساس تعلق می کند که ایمن امر را می توان ناشی از نظارت و مدیریت همه جانبه دانشگاه بر روی خوابگاه دانست. علاوه بر مزایای فوق، عواملی نظیر شیرینی گذران زندگی با همسالان و اختصاصی بودن ساختمان و تعلق آن به یک گروه از دانشجویان و گاهی نیز احساس رضایت از دور شدن از خانواده همه مواردی هستند که خوابگاه را برای دانشجویان جذاب تر می سازد (قائمی، ۱۴۰۰).



تصویر ۱ هرم مازلو

به طور کلی امنیت را می توان یک حق بنیادین و پیش نیازی برای ایقا و ارتقای رفاه و سلامت مردم دانست بر اساس تئوری نیازها در "هرم مازلو" در ۱۹۶۸، امنیت یکی از نیازهای ضروری و پایه ای برای تعالی انسان تلقی می شود، درست شبیه نیازهای فیزیولوژیک انسان که برای تداوم حیات ضرورت دارد و در مجموع ارتقای این مولفه بر سلامت و سعادت انسان ها و در نتیجه جامعه تاثیر می گذارد (امید شیعی، ۱۳۹۸).

مواد و روش تحقیق

پژوهش از حیث هدف کاربردی و روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و از نوع آمیخته (کمی و کیفی) است. جامعه آماری تحقیق تمامی دانشجویان خوابگاهی ساکن در شهر محلات می باشد و به منظور بدست آوردن نمونه از جمعیت آماری مورد نظر از روش هدفمند استفاده شده است. برای تعیین حجم نمونه از تکنیک کوکران استفاده شده است. به واسطه این امر تعداد ۳۰۰ پرسش نامه در میان دانشجویان خوابگاهی توزیع گردیده است. به جهت جمع آوری اطلاعات از منابع اسنادی و کتابخانه در کنار تحقیقات میدانی بهره برده شده است. به طوری که مولفه های آرامش و محرمیت از منابع کتابخانه ای و هم چنین به جهت سنجش میزان آرامش و محرمیت در فضاهای خوابگاهی در بین جامعه نمونه، از مطالعات میدانی (فن پرسشنامه) استفاده گردیده است. در بخش تبیین داده ها ابتدا به بررسی نرمال بودن داده ها پرداخته شده و سپس از آزمون t تک نمونه ای و آزمون t دو نمونه مستقل متغیرهای تحقیق مورد آزمون قرار گرفته است. نرم افزار مورد استفاده برای این تحلیل نیز SPSS ۲۰ می باشد.

ارزیابی و بررسی خوابگاه از دیدگاه روانشناسی محیطی

بررسی شاخصه های روانشناسی محیط در طراحی خوابگاه های دانشجویی نشان داده اند که مقطع تحصیلی، جنسیت و محل سکونت در طراحی خوابگاه بر شاخصه های روانشناسی از جمله احساس آرامش از دحام برخورداری از خلوت شخصی فرصت و قلمروپایی، حس حضور در خانه غیره تاثیر گذارند (Ali abadi, Behzad behbahani, & Pournaderi, 2011). روانشناسی محیط را می توان به عنوان یک شاخه علمی میان رشته ای فرض کرد. با توجه به رابطه متقابل بین دو عنصر (محیط/رفتار)، به بررسی روابط متقابل محیط فیزیکی و رفتارهای انسان. گرفته شده است (Soltanzadeh, Anbari, 2015). روانشناسی محیطی به مطالعه رابطه متقابل بین رفتار و تجربه و محیط ساخته شده و طبیعی گفته می شود (Mert, 2019). محیط مفهومی است پیچیده، و ترکیبی از ابعاد متنوع فیزیکی و زیستی، جغرافیایی و تاریخی، مکانی و فضایی، معماری و شهرسازی، اجتماعی و فرهنگی و ... رفتار و تجارب انسان را نمی توان بدون توجه به شرایط محیطی و به طور مستقل و جداگانه مورد بررسی قرار داد. (ندیمی و همکاران، ۱۳۹۲). ادراک انسان از محیط از محوری ترین مقولات در روان شناسی محیطی است. ادراک محیطی فرآیندی است که از طریق آن انسان داده های لازم را بر اساس نیازش از محیط پیرامون خود بر میگزیند. لذا ادراک فرآیندی هدفمند است و به فرهنگ، نگرش و ارزش حاکم بر تفکر ادراک کننده بستگی دارد. از این رو فرآیند ادراک همواره با شناخت انسان از محیط همراه است. در حقیقت ادراک محیطی از تعامل ادراک حسی و شناخت که در ذهن انسان تجربه شده اند حادث می شوند. در این فرآیند نقش محیط به عنوان عاملی اساسی در رشد توسعه و در نهایت در یادگیری مورد توجه قرار می گیرد (نصرت الله زاده و همکاران، ۱۳۹۵). انسان بسته به ارزش فرهنگی خود، به برخی فضاها، محرکها و رویدادها معنی می بخشد و متناسب با آنها رفتار میکند. شناخت، توصیف و تبیین رفتار انسان به درک رابطه محیط و رفتار کمک میکند و درک

نقش محیط ساخته شده در زندگی مردم نیازمند فهم و درک ماهیت انسان است. "محیط و رفتار" آن قدر در هم تنیده شده اند که به سختی میتوان آنها را از هم تفکیک کرد، رفتار را نمیتوان مستقل از رابطه درونی آن با محیط درک کرد، رفتار را باید در بستر محیطی تعریف نمود (اردستانی، سهیلی ۱۴۰۱).

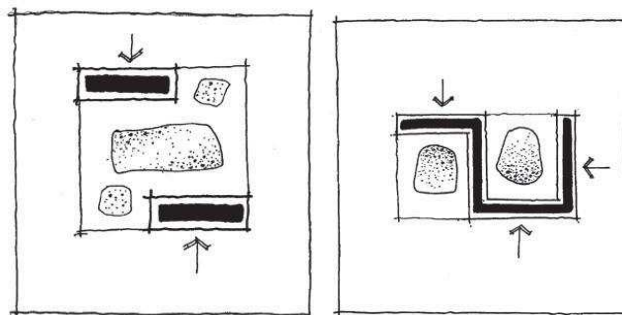
بررسی عوامل موثر در ایجاد حریمیت در خوابگاه

یکی از مهم ترین محاسن فرهنگ ایرانی احترام به حریم است. حتی در معماری ایرانی به دلیل احترام به حریم، فضاهای ورودی کاملاً محفوظ طراحی می شود و در واقع پیشاپیش رفتار انسان ها را کنترل می کند (گودرزی و همکاران، ۱۳۹۸). حریمیت یکی از معیارهای اصلی طراحی و ساخت شهرهای اسلامی بوده است. تأکید اسلام بر حریمیت باعث شده که این مشخصه بر تمامی ابعاد اجتماعی و فرهنگی که معماری یکی از نمودهای آن است اثر بگذارد. در حقیقت معماری ساختمانها برای پاسخ به نیازهای فرهنگی و محیطی افراد، طراحی شده است (Aznab 2023). طراحی خوابگاه دخترانه با ویژگی حریمیت در دو بخش طراحی حجم کلی ساختمان و طراحی اجزاء و عناصر فضا مشتمل بر طراحی ورودی، کنج های محرم، دیوار و پنجره ارائه گردیده است. از آنجایی که هدف این الگو ها یا دیاگرام ها تنها ایجاد جرقه هایی در ذهن طراحان می باشد، همواره تلاش بر این بوده تا از نزدیک شدن به صورت های عینی کالبدی پرهیز گردیده و تنها با ارائه اصول و طبقه بندی گونه های مختلف، مواجهه با این موضوع در هر بخش، برای طراحان این امکان را فراهم آورد که بتوانند با بهره گیری از این راه ها به حل مساله بپردازند. لازم به تذکر است که این الگوها به هیچ وجه نمی تواند مستقیماً مورد استفاده قرار گیرد و تنها پس از تحلیل مسائل مختلفی نظیر اقلیم، سایت و ویژگی های محیطی، انواع اشرف، مسائل عملکردی و ... می تواند توسط طراح انتخاب گردیده و مورد استفاده واقع شود. نمونه های مجردی که در پایان هر بخش آمده است قصد دارد تا نشان دهد که چگونه هر یک از این دیاگرام ها می تواند به یک طراحی بی انجامد در واقع این نمونه ها با هدف نشان دادن قابلیت گونه های مختلف طراحی از یک دیاگرام طراحی گردیده اند، نه در جهت تعیین پاسخ نهایی طراحی.

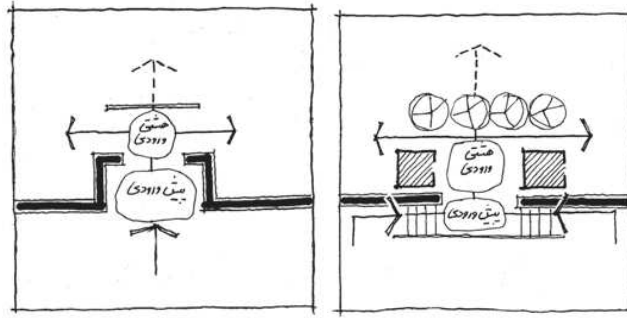
طراحی برای ایجاد حریمیت زندگی گروهی در خوابگاه

دو معیار اساسی برای طراحی خوابگاهها وجود فضاهای مناسب و متعادل در کنار توجه به توجیه اقتصادی در بنا است. پی بردن به معنا و مفهوم اقامت در اقامتگاه مستلزم شناخت ماهیت آن است، در حالی که پرداختن به این جنبه، صرفاً برطرف کننده نیاز فیزیکی ساکنین است. به طور کلی خوابگاه های دانشجویی از بعد کالبدی، در برگیرنده سه معیار اصلی است، عبارتند از:

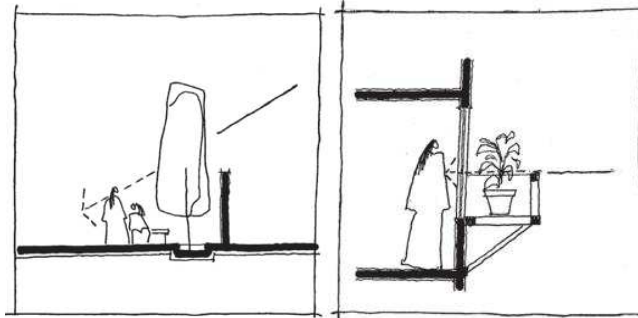
- ۱- وجود گروه های فضایی کوچک در کنار تامین نیازهای خود باعث تامین نیازهای سایرین نیز میشوند.
 - ۲- سرانه های بهداشتی و سلامتی در این خوابگاه ها همچون سرانه های فضاهای سرویس بهداشتی مشخص و معین است.
 - ۳- وجود آشپزخانه به عنوان یکی از امکانات اصلی در فضای مسکونی ضروری است (کسمایی، ۱۳۹۱).
- طراحی مقدماتی ساختمان خوابگاه و ایده حجم کلی آن میتواند اثر بسیار گستردهای بر ایجاد حس حریمیت در خوابگاه بگذارد. در ابتدای مراحل طراحی، محوطه و سایت محل قرارگیری خوابگاه باید به دقت ارزیابی و مطالعه شود و معیارهای مورد توجه در روند طراحی باید اتخاذ شوند. در حین مطالعه بر روی محوطه نیز، باید توجه شود که نه تنها شرایط کنونی مکان (محوطه) یکی از معیارهای شناخت است، بلکه پلانهای جزئیاتدار و جامع نیز در کنار شرایط پیشبینیشده برای منطقه باید باشند، زیرا آنجا که خوابگاه قرار میگیرد باید از پیش مشاهده شود. با توجه به اصول معین شده، باید به میزان فاصله، نحوه جهت گیری و ایجاد دسترسی و ارتفاع دسترسی / جهت گیری بنا به عنوان یک عامل تاثیرگذار توجه شود، زیرا هر کدام از این اجزا میتوانند بر انتخاب بهینه طرحواره ذهنی بنای خوابگاه و اقامتگاه آن تاثیر گذارند. عوامل موثر بر ایجاد حریمیت در کالبد و طراحی مقدماتی ساختمان خوابگاه ها شامل توجه به فضای سبز (تصویر ۱)، ورودی ها (تصویر ۲) کاشت درختان و پوشش گیاهی (تصویر ۳) و محل قرارگیری بازشوها براساس نحوه قرارگیری پلکان (تصویر ۴) میشوند. (میرزایار، ۱۳۹۸).



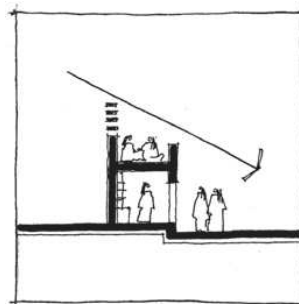
تصویر ۲ فضای سبز با توجه به شکل گیری حجم ساختمان



تصویر ۳ ایجاد ورودی با توجه به محرمیت پنجره



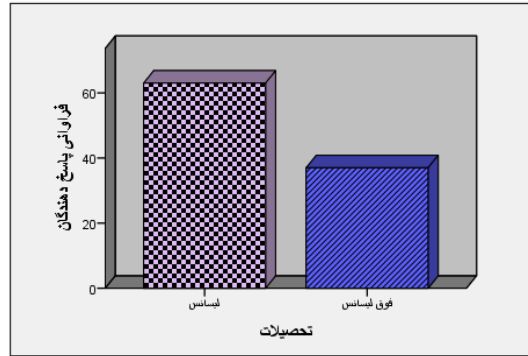
تصویر ۴ قرارگیری درخت در کنار دیوار در جهت رعایت محرمیت



تصویر ۵ محل قرارگیری بازشوها براساس نحوه قرارگیری پلکان

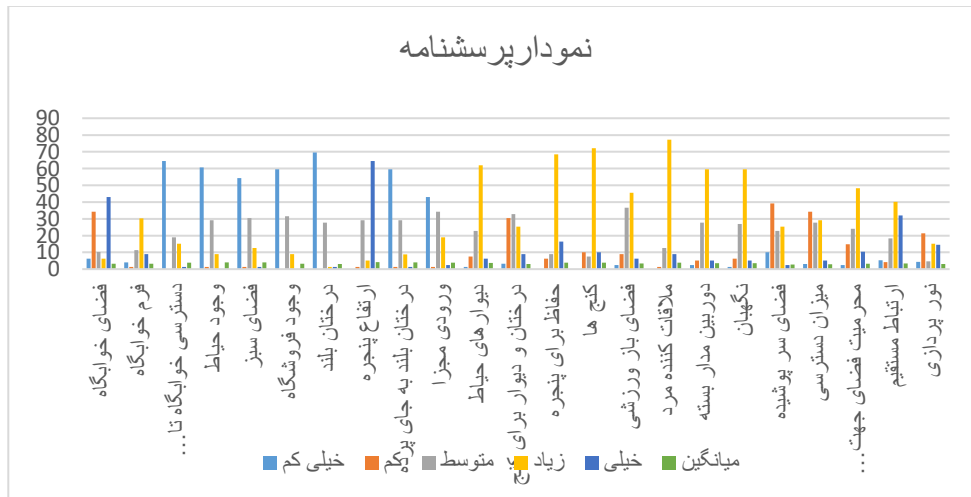
بحث و یافته‌های تحقیق

رتبه بندی جامعه آماری و ویژگی های آن در رده های سنی و توزیع فراوانی میزان تحصیلات به صورت زیر است. براساس تصویر (۵) ۶۳ درصد از پاسخ دهندگان دارای تحصیلات لیسانس و ۳۷ درصد دارای تحصیلات فوق لیسانس می باشند، همچنین میانگین سن پاسخ دهندگان ۲۳/۴۶ و انحراف معیار آن ۳/۷۹۴ می باشد.



نمودار ۱ نمودار فراوانی میزان تحصیلات پاسخ دهندگان (منبع: یافته های پژوهش)

براساس تصویر (۶) از نظر ۶۴/۵ درصد از پاسخ دهندگان ارتفاع پنجره را در خوابگاه بسیار زیاد برای حفظ حریمیت موثر دانسته اند. همچنین ۶۰/۷ درصد بر این باور می باشند که وجود حیاط بسیار کم می تواند خدشه ای به حریمیت خوابگاه وارد نماید. ۶۸/۴ نیز معتقد هستند که حفظ برای پنجره ها تاثیر بسیار زیادی جهت حفظ امنیت دانشجویان دارد. و ۴/۴۴ از پاسخ دهندگان نیز وجود نورپردازی را جهت حفظ امنیت بسیار کم می دانند.



نمودار ۲ نمودار گزینه های انتخابی، منبع: نگارنده

رتبه بندی جامعه آماری و ویژگی های آن در رده های امنیت، حریمیت و درصد گزینه های انتخابی به صورت کلی و سپس به صورت نمودار زیر است:

براساس جدول (۱) میانگین مولفه امنیت ۳/۰۰۳۶ و انحراف معیار آن ۰/۳۶۲ بوده، هم چنین میانگین مولفه حریمیت ۲/۹۶۲ و انحراف معیار آن ۰/۳۷۲ می باشد.

جدول ۱ میانگین و انحراف معیار متغیرهای تحقیق، منبع: نگارنده

انحراف معیار	میانگین	
۰/۳۶۲	۳/۰۰۳۶	امنیت
۰/۳۷۲	۲/۹۶۲	حریمیت

براساس جدول (۲) جهت پاسخ به سوال اول پژوهش چیدمان فضای خوابگاه با تاکید بر حفظ آرامش می‌بایست به صورت زیر باشد: فرم خوابگاه وجود داشتن آن تفاوتی ایجاد نمی‌کند، فضای سبز می‌تواند وجود نداشته باشد ولی درجهت حفظ آرامش می‌تواند موثر باشد، فروشگاه می‌تواند وجود داشته باشد، حفاظ برای پنجره‌ها لازم است، فضای باز ورزشی برای خوابگاه دختران پیشنهاد نمی‌شود، مکانی جهت ملاقات کننده مرد باید ایجاد نمود، وجود دوربین مدار بسته لازم می‌باشد، محرمیت فضایی باید در جهت آرامش حفظ شود و وجود نورپردازی نیز ضرورت زیادی ندارد.

براساس جدول (۲) از نظر ۶۴/۵ درصد از پاسخ دهندگان ارتفاع پنجره را در خوابگاه بسیار زیاد برای حفظ محرمیت موثر دانسته‌اند. همچنین ۶۰/۷ درصد بر این باور می‌باشند که وجود حیاط بسیار کم می‌تواند خدشه‌ای به محرمیت خوابگاه وارد نماید. ۳/۹۴ نیز معتقد هستند که حفاظ برای پنجره‌ها تاثیر بسیار زیادی جهت حفظ امنیت دانشجویان دارد. و ۴/۴۴ از پاسخ دهندگان نیز وجود نورپردازی را جهت حفظ امنیت بسیار کم می‌دانند.

جدول ۲ درصد گزینه انتخابی، منبع: نگارنده

میانگین رتبه‌ای	درصد گزینه انتخابی					سؤالات	شماره سؤالات
	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم		
۳/۱۶	۴۳	۶/۳	۱۰/۲	۳۴/۲	۶/۳	فضای خوابگاه	۱
۳/۲۲	۸/۹	۳۰/۳	۱۱/۴	۱/۳	۴۸/۱	فرم خوابگاه	۲
۳/۸۴	۱/۳	۱۵/۲	۱۹	-	۶۴/۵	دسترسی خوابگاه تا ورودی اصلی	۳
۴/۱۰	-	۸/۹	۲۹/۱	۱/۳	۶۰/۷	وجود حیاط	۴
۴	۱/۳	۱۲/۷	۳۰/۴	۱/۳	۵۴/۳	فضای سبز	۵
۳/۱۸	-	۸/۹	۳۱/۶	-	۵۹/۵	وجود فروشگاه	۶
۳/۱۳	۱/۳	۱/۳	۲۷/۸	-	۶۹/۶	درختان بلند	۷
۴/۱۷	۶۴/۵	۵/۱	۲۹/۱	۱/۳	-	ارتفاع پنجره	۸
۴/۰۶	۱/۳	۸/۸	۲۹/۱	۱/۳	۵۹/۵	درختان بلند بجای پرده	۹
۳/۸۷	۲/۵	۱۹	۳۴/۲	۱/۳	۴۳	ورودی مجزا	۱۰
۳/۶۴	۶/۳	۶۲	۲۲/۸	۷/۶	۱/۳	دیوارهای حیاط	۱۱
۳/۰۷	۸/۹	۲۵/۳	۳۲/۹	۳۰/۴	۲/۵	درختان و دیوار برای فضای کنج	۱۲
۳/۹۴	۱۶/۵	۶۸/۴	۸/۹	۶/۳	-	حفاظ برای پنجره‌ها.	۱۳
۳/۸۲	۱۰/۱	۷۲/۲	۷/۶	۱۰/۱	-	کنج‌ها	۱۴
۳/۴۴	۶/۳	۴۵/۶	۳۶/۷	۸/۹	۲/۵	فضای باز ورزشی	۱۵
۳/۹۳	۸/۹	۷۷/۲	۱۲/۷	۱/۳	-	ملاقات کننده مرد	۱۶
۳/۶۷	۷/۶	۶۲	۲۱/۵	۷/۶	۱/۳	دوربین مدار بسته در جهت محرمیت	۱۷
۳/۶۵	۱۱/۴	۵۳/۲	۲۷/۸	۵/۱	۲/۵	دوربین مدار بسته در جهت امنیت	۱۸
۳/۶۰	۵/۱	۵۹/۵	۲۷/۸	۶/۳	۱/۳	نگهبان .	۱۹
۲/۷۰	۲/۵	۲۵/۳	۲۲/۸	۳۹/۲	۱۰/۱	فضای سر پوشیده.	۲۰
۲/۹۷	۵/۱	۲۹/۱	۲۷/۸	۳۴/۲	۳/۸	میزان دسترسی	۲۱
۳/۳	۱۰/۴	۴۸/۲	۲۴/۱	۱۴/۹	۲/۴	محرمیت فضای جهت امنیت	۲۲
۳/۴	۳۲/۱	۴۰/۱	۱۸/۳	۴/۲	۵/۳	ارتباط مستقیم	۲۳
۳/۰۳	۱۴/۵	۱۵/۱	۴/۶	۲۱/۴	۴۴/۴	نور پردازی	۲۴

بر اساس جدول (۳) با توجه به سطح معنی‌داری داده شده در جدول زیر که برابر با ۰/۰۱ می‌باشد و مقایسه‌ی آن با میزان خطای مجاز ۰/۰۵ می‌باشد، با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان نتیجه گرفت میزان امنیت خوابگاه بر اساس شاخص‌های ذکر شده بیشتر از حد متوسط می‌باشد چون اختلاف میانگین مثبت می‌باشد.

جدول ۳ آزمون t تک نمونه‌ای امنیت، منبع: نگارنده

متغیر مورد بررسی	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	انحراف استاندارد از میانگین
امنیت	۳۰۰	۳/۰۰۳۶	۰/۳۶۲	۰/۰۳۶۲
	مقدار آماره t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	اختلاف از میانگین
	۰/۱	۹۹	۰/۰۱	۰/۰۸۲

بر اساس جدول (۴) با توجه به سطح معنی‌داری داده شده در جدول (۴) که برابر با ۰/۰۳۱ می‌باشد و مقایسه‌ی آن با میزان خطای مجاز ۰/۰۵ می‌باشد، با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان نتیجه گرفت میزان محریمیت خوابگاه بر اساس شاخص‌های ذکر شده بیشتر از حد متوسط می‌باشد چون مقدار اختلاف میانگین مثبت می‌باشد.

جدول ۴ آزمون t تک نمونه‌ای محریمیت، منبع: نگارنده

متغیر مورد بررسی	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	انحراف استاندارد از میانگین
محریمیت	۳۰۰	۲/۹۶۲	۰/۳۷۲	۰/۰۳۷۳
	مقدار آماره t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	اختلاف از میانگین
	۱/۰۱	۹۹	۰/۰۳۱	۰/۰۳۷۶

نتیجه‌گیری

با توجه به نیاز دانشجویان به سلامت روانی، می‌توان شرایط آرامش‌مد نظر را با توجه به شاخصه‌های طراحی یک خوابگاه دخترانه با رویکرد محرمیت فراهم آورد. به عبارتی دیگر سلامت روانی می‌تواند با برقراری آرامش به دست آید. با توجه اینکه آرامش که در گرو امنیت برقرار می‌شود، می‌توان گفت میان ابعاد آرامش و امنیت رابطه‌ای دارد، یعنی به عبارتی با افزایش امنیت به آرامش مطلوب خواهیم رسید. هم‌چنین در توزیع فراوانی نمره میانگین پاسخگویان بر مولفه‌های آرامش از جمله دسترسی‌ها و وجود درختان بلند بیشترین درصد را دارا می‌باشد. وجود عبارتی هم‌چون امنیت که در گرو محرمیت برقرار می‌شود، با ابعاد آرامش و امنیت ارتباط داشته و با افزایش محرمیت می‌توان به امنیت مطلوب رسید. هم‌چنین در توزیع فراوانی نمره میانگین پاسخگویان بر مولفه‌های محرمیت که شامل کنج‌های محرم، پنجره، حجم ساختمان و ورودی می‌باشد، از تمامی مولفه‌های محرمیت کنج‌ها بیشترین تاثیر را بر سطح امنیت و آرامش دارد. با توجه به مولفه‌های آرامش ذکر شده و رعایت آن‌ها شاخصه‌های دیگر از جمله وجود ارتباطات فضایی و فضاهای باز ورزشی در خوابگاه و وجود درختان در ورودی یا فضاهایی که قرار است از دید مستقیم افراد پوشیده شود می‌تواند به امنیت بیشتر خوابگاه‌ها کمک نماید. حفظ محرمیت خوابگاه دختران با رعایت شاخصه‌های آن یک دید کلی نسبت به امنیت و آرامش برای طراحی به ما می‌دهند که با رعایت آن‌ها می‌توان به سازگاری مطلوب دانشجو به محیط رسید. برای کسب محرمیت در خوابگاه می‌بایست مولفه‌های آرامش را همراه با ترفندهای مورد تایید طراح به اجرا گذاشت به عنوان مثال مولفه آرامش دسترسی‌ها که می‌توان آن را با توجه به ارتباط‌های غیرمستقیم مثل راهروها پوشش داد و به محرمیت فضایی رسید.

پیشنهادات

با توجه به نتیجه بدست آمده در این مقاله راهکارهای ذیل به جهت بهبود وضعیت خوابگاه دختران با توجه به شاخصه‌های محرمیت و آرامش پیشنهاد می‌گردد:

- ۱- در صورت دور بودن عامل اشراف بر حیاط خوابگاه، کاشت درختان به راحتی می‌تواند محرمیت را برای خوابگاه به ارمغان آورد در حالی که برای عوامل مشرفی که به خوابگاه نزدیک می‌باشند این شیوه نمی‌تواند به سادگی پاسخگو باشد.
- ۲- ایجاد کنج محرم در جهت اختلاف سطح در فضای خوابگاه تا فضای مد نظر در دید نباشد.
- ۳- تعریف کردن یک پیش‌فضا برای ورودی در جهت حفظ محرمیت و آرامش.
- ۴- بهره‌گیری از درختان و بوته‌ها، ایجاد شکست در دید از طریق تغییر زاویه در هنگام ورود به خوابگاه، بهره‌گیری از اختلاف سطح در جهت تغییر سطح ارتجاعی عابرین و دانشجو حاضر در حیاط خوابگاه، و استفاده از دیوارهای مشبک سبک و الحاقی، برخی از روش‌های محرم‌سازی ورودی‌ها به شمار می‌آیند.
- ۵- یکی از روش‌های کنترل دید از طریق پنجره‌ها، استفاده از شیشه‌های مات، مشجر و یا سند بلاست شده می‌باشد که در مورد اخیر می‌توان با ایجاد نقوشی اسلیمی و یا هندسی پنجره را تبدیل به یکی از عناصر روح‌انگیز کلاس نیز نمود.
- ۶- استفاده از بام خوابگاه به عنوان فضای باز و اوقات استراحت دانشجو می‌تواند یکی از روش‌های مناسب ایجاد فضای محرم به شمار آید. این امر خود موجب می‌گردد تا نیاز به استفاده از دیوارهای بلند وجود نداشته باشد و با دیوارهایی کوتاه‌تر و سبک بتوان این فضا را محرم نمود.

فهرست منابع

- امید شفیع، سارا، ۱۳۹۸. تاثیر نحوه طراحی کالبدی بر امنیت فضای شهری و معماری، دانشجوی کارشناسی ارشد، اولین همایش بین المللی و پنجمین همایش ملی معماری و شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.
- ذاکری، سید محمد حسین، شیدا تقی زاده و زهرا دالوند، ۱۳۹۴. تاثیرات کیفیت محیطی خوابگاه های دخترانه به سلامت روان کاربران. کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در عمران، معماری و شهر سازی.
- رخشنده رو، قهرمان و وحید رشیدوش و محمدهادی منصوری لکوری، ۱۴۰۱. کارکردهای مناسب آشکار و پنهان زندگی خوابگاهی (مورد مطالعه دانشگاه فرهنگیان)، نامه انسانشناسی (۳۴): ۱۹-۱۳۳-۱۵۶.
- زارعی لاکسار، میترا . ۱۳۹۶. طراحی معماری خوابگاه دانشجویی دختران دانشگاه زنجان با رویکرد بهبود سلامت روانی کاربران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه زنجان.
- شاهی اردستانی، الهه و جمال الدین سهیلی، ۱۴۰۱. نقش الگوهای طراحی داخلی فضاهای آموزشی-درمانی با رویکرد روانشناسی محیطی بر ایجاد سرزندگی در افراد (مطالعه موردی: مرکز دیابت تابان)، فصلنامه مطالعات فضا و مکان، فصلنامه دانشکده معماری و شهرسازی واحد تهران مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی استان تهران (۲): ۱۵-۲۸.
- غفوریان، میترا و پی سخن، مینا، و حصاری، الهام . ۱۳۹۶. گونه شناسی سازمان فضایی و سلسله مراتب ورود در خانه های ایرانی با تاکید بر محرمت، نشریه علمی - پژوهشی برنامه ریزی توسعه
- ندیمی، هادی و محمد رضا فقیهی حبیب آبادی و محمد تقی نظریور، ۱۳۹۲. تأثیر چشمانداز و طراحی محیط های خوابگاهی بر میزان رضایتمندی دانشجویان (مطالعه موردی: خوابگاه های دانشجویی دختران دانشگاه حکیم سبزواری سبزوار). فصلنامه علوم محیطی (۱۱): ۸۱-۹۴.
- وظیفه شناس، حمید و مانده پنیق و سعیده پیران دوجی . ۱۳۹۵. بررسی رابطه سلامت روان دانش آموز با سلامت روان معلم. کنفرانس جهانی، روانشناسی و علوم تربیتی حقوق و علوم اجتماعی.
- افتخاری، حمیده، حمیدرضا عظمتی و سعید نوروزیان ملکی، ۱۳۹۴. مؤلفه های مؤثر بر ارتقای محرمت در فضاهای آموزشی. فصلنامه نوآوری های آموزشی ۵۴ (۱۴): ۱۰۱-۱۱۶.
- جاهد، پریسا، ۱۳۹۶. تبیین عوامل کالبدی تاثیرگذار بر افزایش سرزندگی در مسکن دانشجویی با تاکید بر روانشناسی محیطی (نمونه موردی: طراحی خوابگاه دانشجویی دختران در شهر مشهد). پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی خاوران.
- جباری، رقیه، ۱۳۹۹. طراحی خوابگاه دانشجویی دختران بارویکرد پیشبینی فضای خلوت به منظور ارتقاء سلامت روان دانشجویان (نمونه موردی: خوابگاه دختران دانشگاه شهید رجایی). پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.
- جعفری، ژده و علی اسد پور و سلما حائری، ۱۳۹۸. راهبرد های طراحی خوابگاه های دانشجویی بر اساس تحلیل قرار گاه های رفتاری (نمونه موردی مطالعه: خوابگاه دانشجویان دختر دانشگاه شیراز). نشریه علمی معماری و شهر سازی ایران (۱۹): ۱۱۶-۱۶۷.
- جوهری، زهرا، نیکو یمانی، اطهر امید، مهسا شکور و لیلا بذرافکن . ۱۳۹۳. دیدگاه دانشجویان مستقر در خوابگاه در مورد اهمیت عوامل محیطی و نقش آن بر سلامت جسمانی، روانی و وضعیت تحصیلی آنان. دوفصلنامه آموزش پزشکی، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بابل (۳): ۱۵-۲۲.
- فردوسی، طیبه، یوسف زینی وند، دکتر عبدالحسین کلاتنری و دکتر سید محمدرضا رضازاده، ۱۳۹۲. مقایسه سلامت روانی دانشجویان (دختر و پسر) خوابگاهی و غیر خوابگاهی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان. زن و مطالعات خانواده (۴): ۱۶-۱۲۷-۱۴۲.
- قائمی، آزاده . ۱۴۰۰. ارائه راهکارهای معمارانه در طراحی خوابگاه دانشجویی دختران با تاکید بر مؤلفه های سرزندگی. پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی غیردولتی شاندیز . کالبدی (۷): ۳-۱۲۹-۱۴۴ .
- گودرزی، نجمه و فاطمه قاسم پورو سیدمهدی اعتمادی فرد، ۱۳۹۸. چالش های زندگی خوابگاهی دانشجویان دختر در خوابگاه های دانشگاه های سراسری شهر تهران . فصلنامه علوم اجتماعی (علمی)، دانشگاه علامه طباطبائی (۸۴): ۲۶-۳۳-۶۰.
- میرزایار، اسرافیل، ۱۳۹۸. طراحی مجتمع خوابگاه دانشجویی دختران با رویکرد محرمت در شهرستان تنکابن. مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته، موسسه آموزش عالی شفق.
- نصرالله زاده، ستوده و فاطمه قاسمی و محمد حسن کاشف، ۱۳۹۵. ویژگی های روانشناسی محیط بر فضای معماری و فضای آموزشی. سومین کنفرانس بین المللی، پژوهش در عبوم و تکنولوژی.

- نظریور، محمد تقی و سعید نوروزیان ملکی. ۱۳۹۸. ارزیابی مؤلفه های مؤثر بر میزان رضایت دانشجویان دختر از سکونت در خوابگاه های دانشگاهی . فصلنامه علمی-پژوهشی روانشناسی کاربردی (۴۹): ۱۶۳-۱۷۹.

- وهاب زاده، سیده ندا. ۱۳۹۸. طراحی خوابگاه دانشجویی دختران در قوچان با رویکرد رضایتمندی ساکنین به منظور ارتقا حس تعلق به مکان. پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی فنی ومهندسی اترک. کسمائی، مرتضی. ۱۳۹۱. اقلیم و معماری، اصفهان: نشر خاک.

- Anbari , Maral, Hossein Soltanzadeh.(2015). Child-oriented architecture from the perspective of environmental psychology. European Online Journal of Natural and Social Sciences, Special Issue on New Trends in Architecture, Civil
- Arefi,M.& Mohsen Zade, (2011). Investigation of Links between Religious.
- MERT ,SEZEN .(2019). ENVIRONMENTAL PSYCHOLOGY DISCOURSE IN ARCHITECTURE, Master of Science, Architecture. Affiliations, Mental.
- Ali Abadi M, Behzad Behbahani A, Pournaderi H (2011). Studying environmental psychology features in designing student dormitories, Journal Of Psychological Models And Methods, Vol. 1, No. 2, pp. 1-11.
- Aznab, M., Honarvar, J., Soroush, M., Taheri Sarmad, F. (2023). Investigation of Spatial Hierarchy in Creating Privacy of Houses with the Approach of Historical Typology, Journal of Urban and Regional Development Planning , 7(23), 153-189.
- Mohd Suki, N.; Chowdhury, I. A. (2015). Students Attitude and Satisfaction Living in Sustainable On-Campus Hostels. Malaysia Journal of Business and Economics, 2(1): 35-47
- Motazedian F, Motalebi Gh (2014). Territoriality in students' residence halls case study: Fatemieh girls' dormitory of Tehran University, Hoviat Shahr, Vol. 3, No. 17, pp. 55-64.
- Sepahvand, S. (2015) Investigation of Links between Place Attachment and Sense of Belonging among Female College Students to Reduce Behavioral Disorders. Tehran, Payam-e- Noor University.



Type of article (research article, review article, promotional article)

Reading the spatial arrangement of the Iranian house as a connection between the body and the biological pattern

Bahareh Bahrami Far: Department of Architecture, School of Architecture and Urban Design, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran

Marzieh Azad Armaki*: Department of Architecture, School of Architecture and Urban Design, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran. Azas.marzieh@gmail.com

Bahram Saleh Sedgh Pour: Department of Educational Sciences, Faculty of Humanities, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran

Asef Najibian: Department of Architecture, School of Architecture and Urban Design, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran

Article Info

Received: 31/12/2024

Accepted: 4/3/2025

PP: 31-49

Keywords:

Spatial differentiation, adaptation of spatial arrangement to the environment, relationship between spatial organization and cultural environment, connection between the body and the biological pattern, functional efficiency of space, synthesis research, Iranian house.

Abstract

The main purpose of this research is to investigate the spatial arrangement through the adaptation of the spatial layout to the environment, the relationship between the spatial organization and the cultural environment, the functional efficiency of the space, differentiation and spatial separation in Iranian houses .

This research has benefited from the qualitative research approach with synthesis method. Sampling in this research was done in a purposeful way and the analysis method was open, central and selective coding. The statistical population under study is 31,600 and the sample size includes 52 articles that have been screened in a targeted way (studies of historical houses, publication time of the article, scientific-research level, etc.) .To analyze the findings, coding was done in three stages. First, the main concepts and components were identified, then the relationship between components and sub-components was investigated. In the next step, open coding analysis led to the composition of the semantic affinity of the components, which are: adaptation of the spatial arrangement to the environment, relation of the spatial organization to the cultural environment, functional efficiency of the space, differentiation and spatial separation. Finally, in the selective coding stage, the selected component of space differentiation was identified and investigated .The results of this research show that the repetitive biological pattern produces a measure of spatial arrangement as a stable structure in diverse physical characteristics to find identity in architecture. These repeating patterns are biological patterns. Therefore, the layout of the space should be done according to the environmental characteristics.

Citation: Bahrami Far,B .Azad Armaki, M. Saleh Sedgh Pour, B. Najibian, A. (2025). Reading the spatial arrangement of the Iranian house as a connection between the body and the biological pattern. Journal of Architecture and Humanistic Environments, 1 (1), 31-49.

DOI:

نوع مقاله (علمی-پژوهشی)

خوانش انتظام فضایی خانه‌ی ایرانی به مثابه ارتباط کالبد با الگوی زیستی

بهاره بهرامی‌فر: دانشجوی دکتری معماری دانشگاه شهید رجایی

مرضیه آزادارمکی*: دانشیار دانشکده معماری دانشگاه رجایی، azadarmaki@sru.ac.ir

بهرام صالح صدق پور: دانشیار دانشکده علوم تربیتی دانشگاه رجایی

آصف نجیبیان: دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه شهید رجایی

چکیده

اطلاعات مقاله

هدف اصلی این مقاله بررسی انتظام فضایی از طریق انطباق چیدمان فضایی با محیط، ارتباط سازمان فضایی با محیط فرهنگی، راندمان عملکردی فضا، تمایز یافتگی و تفکیک فضایی در خانه‌های ایرانی است. این مقاله از رویکرد تحقیق کیفی با روش سنتز پژوهی بهره‌مند شده است. نمونه‌گیری در این مقاله به روش هدفمند انجام گرفته و روش تجزیه و تحلیل به صورت کدگذاری باز، محوری و انتخابی بوده است. جامعه آماری مورد مطالعه ۳۱۶۰۰ بوده و حجم نمونه شامل ۵۲ مقاله است که به روش هدفمند (مطالعات خانه‌های تاریخی، زمان انتشار مقاله، سطح علمی-پژوهشی و) غربالگری شده‌اند. برای تحلیل یافته‌ها طی سه مرحله کدگذاری انجام شد. ابتدا مفاهیم اصلی و مولفه‌ها شناسایی شد، سپس ارتباط مولفه‌ها و زیر مولفه‌ها مورد بررسی قرار گرفت. در گام بعدی، تحلیل کدگذاری باز منجر به ترکیب قرابت معنایی مولفه‌ها شد که عبارتند از: انطباق چیدمان فضایی با محیط، ارتباط سازمان فضایی با محیط فرهنگی، راندمان عملکردی فضا، تمایز یافتگی و تفکیک فضایی. در نهایت در مرحله کدگذاری انتخابی مولفه منتخب تمایز یافتگی فضا مورد شناسایی و بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از این مقاله نشان می‌دهد که الگوی زیستی تکرار شونده معیاری از چیدمان مکانی را به عنوان ساختار پایدار در مشخصات کالبدی متنوع برای یافتن هویت در معماری تولید می‌کند. این الگوهای تکرار شونده الگوهای زیستی هستند. بنابراین چیدمان فضا باید با توجه به ویژگی‌های محیطی صورت بپذیرد.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۴

شماره صفحات: ۴۹-۳۱

واژگان کلیدی:

انتظام فضایی، انطباق چیدمان فضایی با محیط، ارتباط سازمان فضایی با محیط فرهنگی، ارتباط کالبد با الگوی زیستی، تمایز یافتگی فضایی، سنتز پژوهی، خانه ایرانی

استناد: بهرامی‌فر، بهاره، آزادارمکی، مرضیه، صالح صدق پور، بهرام، نجیبیان، آصف (۱۴۰۳). خوانش انتظام فضایی خانه‌ی ایرانی به مثابه

ارتباط کالبد با الگوی زیستی. فصلنامه معماری و محیط‌های انسان محور، ۱ (۱)، ۴۹-۳۱.

مقدمه

فاصله گرفتن از الگوهای معماری سنتی ایرانی موضوعی است که در دوران اخیر به عنوان یک درخواست عمومی، بسیاری از صاحب نظران حوزه‌ی طراحی معماری به آن پرداخته و با ارائه راهکارهایی نظری و عملکردی سعی نموده‌اند، که این فاصله را هرچه کمتر نمایند. یکی از موضوعات مطرح در معماری امروز، معاصر سازی الگوهای گذشته است. این کار به منظور حفظ هویت معماری ایرانی انجام می‌شود. رویکردهای مختلفی در این راستا وجود دارد که به نوعی متجلی هویت معماری سنتی ایران است، برای نمونه می‌توان به الهام گرفتن از شکل ظاهری و فرم معماری سنتی و یا بکارگیری مفاهیم معماری سنتی، اشاره کرد.

با توجه به سرعت تغییرات ایجاد شده در حوزه‌های معماری، نمی‌توان گفت، این تحول موجب ارتقای کیفیت زیستن نیز بوده و شرایط پاسخگویی به ابعاد جامع‌تری از نیازهای انسان را به همراه داشته است. ساکنان بناهای امروز در بیشتر موارد از فضاهای زیست خود ناراضی هستند و با وجود گسترش امکانات، نیازهای مختلف کاربران تامین نمی‌شود. بی‌تردید، تحولات سریع در حوزه معماری و طراحی شهری، به رغم پیشرفت‌های تکنولوژیکی و افزایش امکانات، نتوانسته به طور کامل نیازهای انسانی را برآورده کند. در مواردی، معماری به یک سرپناه یا نمایشی از سلاقی فردی معمار و کارفرما تقلیل یافته و از شأن حقیقی خود دور شده است. آنچه امروز نمایان است، خالی شدن از دیروز و گم شدن در آن همه معناست (حسینی و نوروز برازجانی، ۱۳۹۷).

معماری خانه‌های ایرانی در دوره‌ی معاصر تحت تاثیر عوامل متعددی از جمله تغییر روش‌های ساختمانی سنتی به مدرن، به طور اجتناب ناپذیری تغییر شکل داده و از درون‌گرایی سنتی به برون‌گرایی مدرنیستی سوق پیدا کرده است. تغییرات معماری خانه‌های ایرانی در دوره معاصر به وضوح نشان‌دهنده تحولات عمیق اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است که بر ساختار فضایی و عملکرد خانه‌ها تأثیر گذاشته است. تغییر در شیوه زندگی و فرهنگ افراد در طول زمان تغییرات عمده‌ای را در نظام فضایی خانه‌های معاصر در مقایسه با خانه‌های سنتی ایجاد کرده، که این تغییرات گاهاً منجر به شکل‌گیری کیفیات متفاوتی در نظام فضایی خانه‌ها شده (حیدری و کیایی، ۴۲:۱۴۰۲)، و انتظام فضایی جدیدی را سامان داده‌است. انتظام فضایی در شکل‌گیری رخدادهای اجتماعی و فرهنگی نقشی تعیین کننده دارد. در واقع، ارتباط بین فعالیت و فضا بیش از آن که در خصیصه‌های فضا به صورت انفرادی قابل تعریف باشد، در ارتباطات موجود بین فضاها و نیز ارتباطات بین مخاطبان و تعاملات اجتماعی آن‌ها قابل درک و تعریف است (لطیفی و دیبا، ۱۳۹۹:۱۶۴). در واقع، انتظام فضایی به عنوان یک عنصر کلیدی در سازمان‌دهی روابط اجتماعی و فرهنگی، نقش بسزایی در تعاملات انسانی و نحوه سکونت افراد دارد. این موضوع به ویژه در زمینه معماری و طراحی فضاهای خانه اهمیت پیدا می‌کند، زیرا نحوه سازماندهی فضاها می‌تواند تأثیر عمیقی بر رفتارها، روابط اجتماعی و حتی هویت فرهنگی ساکنان داشته باشد. به بیانی دیگر، آنچه از طریق سازمان فضایی به عنوان کلیتی واحد قابل ادراک است، در لایه‌های زیرین فرهنگ و شیوه‌ی سکونت ساکنان فضا کالبد یافته است (احمدی و همکاران، ۱۴۰۰). نظریه نحوفضا یا چیدمان فضا، به عنوان ابزاری برای تحلیل و سنجش ویژگی‌های فرهنگی بناها، به شناخت و درک ارتباطات پیچیده بین فضا و فعالیت‌های انسانی کمک می‌کند. این نظریه نشان می‌دهد که چگونه فضاهای مختلف، از جمله اتاق‌ها، حیاط‌ها و فضاهای عمومی، می‌توانند به تعاملات اجتماعی و فرهنگی خاصی منجر شوند. از سوی دیگر، بررسی نظام فضایی و چیدمان فضا می‌تواند عوامل مؤثر بر طراحی این فضاها را شناسایی کند.

در این مقاله ارتباط کالبد با الگوی زیستی از طریق واکاوی نظام فضایی با ابزار نحوفضا سنجیده شده و عوامل مؤثر بر چیدمان فضا مورد بررسی قرار می‌گیرد. این مقاله با بررسی ارتباط بین کالبد و الگوی زیستی از طریق واکاوی نظام فضایی، سعی دارد تا نشان دهد که چگونه چیدمان فضا می‌تواند به عنوان یک ابزار تحلیلی برای درک بهتر فرهنگ و شیوه‌های سکونت ساکنان عمل کند. در این راستا مقاله حاضر به بررسی ارتباط میان کالبد و الگوی زیستی در خانه‌های سنتی ایرانی می‌پردازد و به دنبال پاسخ به پرسش‌های کلیدی در این زمینه است. نظام فضایی خانه‌های سنتی ایرانی متأثر از چه عواملی است؟ چه عواملی در پیکره‌بندی فضایی خانه‌های سنتی ایرانی تأثیرگذار هستند و چگونه این عوامل بر الگوی زیستی تأثیر می‌گذارند؟ چگونه می‌توان اطلاعات و داده‌های علمی را در زمینه‌های مختلف ترکیب کرد تا به درک جامع‌تری از تعامل انتظام فضا و زندگی دست یافت؟

پیشینه‌ی تحقیق

در میان مطالعات انجام شده در مورد نظریه نحو فضا پژوهش‌های هیلیر و هانسون در حوزه انتظام فضایی جایگاه والایی دارد. نظریه پیکره‌بندی در معماری توسط هیلیر و هانسون در سال ۱۹۸۴ میلادی در لندن پایه‌ریزی شد و اساس آن بر شناسایی نحوه روابط فضایی میان عناصر معماری، ساختارهای اجتماعی، رفتارها و فعالیت‌های کاربران است. (ریسمانچیان و بل، ۱۳۸۹، Hillier and Hanson, 1984, Hillier, 1993, دوست محمدی، مهدوی نژاد و کامیابی، ۱۴۰۰). هیلیر و لیمن در راستای تبیین نحوه ارتباط بین فرم‌های اجتماعی و فضایی مفاهیم ژنوتایپ و فنوتایپ را

در معماری مطرح کردند که اولین بار در آغاز قرن بیستم، این اصطلاحات در زیست‌شناسی مطرح شده بود (Sari; Nuriyati, Kaputar, 2020). در ادامه پژوهش‌های انجام شده در حیطه‌ی ارتباط کالبد (فنوتایپ) با الگوی زیستی (ژنوتایپ) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

شیخ بهائی و یگانه (۱۳۹۸) میزان تأثیرپذیری الگوهای روابط فضایی خانه‌های مسلمانان و زرتشتیان از ارزش‌ها و نگرش‌های دینی آن‌ها و همچنین اشتراکات و افتراقات کالبدی و فضایی خانه‌ها بر مبنای تفاوت‌های فرهنگ دینی آن‌ها را بررسی کردند. نتایج پژوهش نشان داد که خانه‌های مسلمان‌نشین و زرتشتی‌نشین شهر کرمان با تفاوت در ژنوتایپ یا الگوهای زیستی خود که ناشی از فرهنگ و عقاید هر یک از ادیان است، دارای فنوتایپ یا گونه کالبدی معماری تقریباً متفاوتی نیز است.

حیدری و همکاران، به بررسی و مقایسه میزان راندمان عملکردی خانه در سه الگوی خانه با نظام‌های پیمون بزرگ، کوچک و خرده پیمون با استفاده از روابط ریاضی نحوفا پرداخته‌اند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۵).

راستجو و بمانیان (۱۳۹۹) به مطالعه شرایط معاصر در جهت دستیابی به ویژگی‌های ساختار فضایی خانه معاصر پرداخته‌اند. لطیفی و دیبا (۱۳۹۹) رابطه بین هم‌نشینی فضاها را در نمونه‌ای از خانه‌های قاجاریه اصفهان (خانه جنگجویان) مورد ارزیابی قرار می‌دهند. این پژوهش به معرفی ارزش کنترل در فضا می‌پردازد که دلالت بر تطبیق‌پذیری فضا به‌عنوان یکی از شاخص‌های انعطاف‌پذیری دارد.

سعادت‌وقار و همکاران (۱۴۰۰) به تحلیل پیکره‌بندی فضایی در خانه‌های کاشان پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که در هر دسته کالبدی، تفاوت‌هایی به‌لحاظ پیکره‌بندی فضایی وجود دارد، اما معانی اجتماعی-فرهنگی مشابهی در هر یک از پیکره‌های کالبدی قابل مشاهده است که مطابق با ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی معماری ایرانی‌اسلامی در شهر کاشان شکل یافته است.

عطایی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین اثرپذیری ادراک کیفیت طیف خلوت از پیکره‌بندی فضایی» رابطه نحو فضایی و خلوت ادراک‌شده را بررسی کرده‌اند و میزان کیفیت خلوت ادراکی و ارتباط آن با خلوت فضایی حاصل از پیکره‌بندی فضایی در خانه‌های باغ‌شهری سنجدی‌اند.

در زمینه پژوهش‌های برون مرزی می‌توان به پژوهش‌هایی در کشور الجزایر، اندونزی، قطر، پاکستان و... اشاره کرد؛ پژوهش اول به بررسی رویکرد ژنوتایپ در معماری معاصر پرداخته است. این مقاله با تجزیه و تحلیل و شناسایی ژنوتایپ‌ها در معماری مسکونی، آرایش فضاها را به‌عنوان یک مدل رابطه‌ای انتزاعی در نظر می‌گیرد (Rahmane & Abbaoui, 2021).

در مطالعه‌ای دیگر نمونه‌ای از چیدمان خانه‌ها از سه شهر بزرگ پاکستان تجزیه و تحلیل شد (Ullah & et al, 2022). نتایج نشان داد که با وجود چیدمان‌های مختلف ظاهری، یک الگوی فضایی ثابت در آرایش‌های فضایی مختلف وجود دارد. در همین راستا مطالعه‌ای بر معماری خانه‌های سنتی در الجزایر انجام شده، که به تحلیل و شناسایی ژنوتایپ‌ها در خانه‌های سنتی پرداخته است. این مطالعه با تجزیه و تحلیل سکونتگاه‌های تاریخی، به دنبال کشف الگوی زیستی و مدل‌های فرهنگی براساس ارزش‌ها و نیازهای افراد است. یافته‌های تجزیه و تحلیل سازمان فضایی این خانه‌ها، شباهت‌های ژنوتایپی متعدد و تفاوت‌های کمی را نشان می‌دهد (اکساس و حموده، ۲۰۲۳). بارکات و همکاران (۲۰۲۰) نیز در مطالعه‌ای دیگر به بررسی تحول سازمان فضایی نمونه‌ای از چیدمان خانه‌ها در دوره‌های زمانی مختلف (پیش از استعمار، استعمار، استقلال و دوره معاصر) در شهر بیسکرا پرداخته‌اند. نتایج این مقاله حاکی از آن است که علی‌رغم تمام تفاوت‌های ظاهری در سازمان‌های فضایی و پیکره‌بندی، همه خانه‌های نمونه از ژنوتایپ یا الگوی زیستی یکسان (اصول غیرقابل تغییر) در سازمان‌دهی سیستم فضایی پیروی می‌کنند.

در پژوهشی دیگر، ویژگی‌های فضایی و فرهنگی در مسکن معاصر در قطر مطالعه شده‌است (Al-Mohannadi, 2023). این طرح فضایی چهار ویلای مسکونی قطری را برای ارزیابی نقش‌های اجتماعی و فرهنگی در مدل‌های مسکن معاصر را بررسی می‌کند. در این مطالعه، نویسندگان از نحو فضا به‌عنوان یک ابزار تحلیلی برای نشان دادن الگوهای دید و روابط فضاها برای درک سیستم فعالیت‌های ساکنان در محیط خانه معاصر استفاده کرده‌اند. مقاله‌ای دیگر نیز با عنوان « فنوتایپ، ژنوتایپ و محیط» به دنبال استخراج الگوهای پنهان در روابط فضایی خانه‌های سنتی مالایی در اندونزی است. در جدول ۱ پژوهشگران دیگری که در این زمینه مطالعه داشته‌اند، به اختصار معرفی می‌گردد.

جدول ۱ ارتباط کالبد (فنون‌تایپ) با الگوی زیستی (ژنوتایپ) از دیدگاه صاحب‌نظران داخلی، ماخذ: نگارندگان.

پژوهشگران	سال پژوهش	عنوان پژوهش	نتایج
مهدی مشهدی ابوالقاسم شیرازی داراب دیبا	۱۴۰۱	تحلیل الگوهای غیرشکلی پلان بناهای مسکونی بازارش شهر تهران در دهه‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۰	الگوی تحلیلی غیرشکلی، الگوهای هستند که در معاصرسازی امروزی مهم شناخته شده و منطبق بر نیازهای ساکنان امروزی و سبک نیاز آنان است.
محمد لطیفی محمدجواد مهدوی‌نژاد	۱۴۰۱	معاصرسازی الگوی مسکن بومی اصفهان بر پایه تحلیل روابط غیرشکلی پلان، نمونه موردی: خانه جنگجویان	این پژوهش با بهره گرفتن از افزونه اسپیس سینتکس، ضمن تشریح روابط ریاضی حاکم بر فضا با ارزیابی و تحلیل رابطه بین همنشینی فضاها به کشف مفاهیمی که از معماری گذشته می‌تواند در معماری امروز نقش ایفا نماید، می‌پردازد.
حمیدرضا قربانی ثمینه نعمتی‌گیو حسین مرادی	۱۴۰۱	بازشناسی پیکره‌بندی فضایی و چیدمان اجتماعی در معماری شهر سوخته برپایه رویکرد چیدمان (فضا)	ساختمان‌های مذکور با وجود داشتن شباهت‌های ظاهری زیاد، دارای تفاوت‌هایی در الگوی پنهان هستند. الگوی پنهان مربوط به قوانین انتزاعی نهفته در یک فرم فضایی است.
محیا قوچانی محمد عربی	۱۳۹۹	شناسایی و اولویت بندی عوامل تاثیرگذار بر روند طراحی و نحو فضا در خانه های سنتی (نمونه موردی: خانه ادب سمنان)	با توجه به بررسی و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده، ترتیب قرارگیری فضاها در انتظام فضایی خانه‌های سنتی به کمک روش تصمیم‌گیری چند معیاره اولویت بندی شده است.
مه‌دخت کیانی حسین سلطان‌زاده علی‌اکبر حیدری	۱۳۹۸	سنجش انعطاف‌پذیری نظام فضایی با استفاده از تکنیک چیدمان فضا (مطالعه موردی خانه‌های شهر قزوین)	کارآمدی فضایی مورد بررسی قرار گرفته که در ایجاد انعطاف‌پذیری خانه‌های سنتی مدنظر بوده اما در خانه‌های معاصر کمتر مورد توجه قرار گرفته است.
سعیده زارعی منصور یگانه	۱۳۹۸	تحلیل ارتباط همگنی و توزیع‌پذیری با پایداری روابط اجتماعی در فضاها خانه‌های سنتی ایران (مطالعه موردی: کاشان)	میزان نفوذپذیری، انتظام فضایی و قرارگیری هر فضا در عمق مشخص، ارتباط مستقیم با چگونگی روابط اجتماعی و رفتاری دارد. تمام خانه‌های سنتی بررسی شده دارای همگنی و توزیع‌پذیری مطلوبی در چیدمان فضایی هستند.

اکثر پژوهش‌های مرور شده در حوزه پیکره‌بندی فضایی به تعریف کلی از این مفهوم، تبیین متغیرهای نحوفضا و تحلیل روابط فضایی پرداخته، که با تحلیل نمونه موردی به نتیجه‌گیری جامعی دست یافته‌اند. (چگنی و همکاران، ۱۴۰۰، سعادت‌وقار و همکاران، ۱۳۹۸، لطیفی و مهدوی‌نژاد، ۱۴۰۱، شیرازی و دیبا، ۱۴۰۱، زارعی و یگانه، ۱۳۹۸، قوچانی و عربی، ۱۳۹۹، کیانی و همکاران، ۱۳۹۸). مقاله حاضر ضمن استناد به مطالعات ذکر شده، گستره وسیع‌تری از ارتباط کالبد (فنون‌تایپ) با الگوی زیستی (ژنوتایپ) را مدنظر قرار داده است.

ادبیات و مبانی نظری

هدف بنیادین از دیدگاه نحوفضا، توصیف فضای پیکره‌بندی است. در این نظریه تمرکز بر چیدمان فضاها در کنار یکدیگر و ارتباط متقابل آن‌ها باهم است. بنابراین، هر تغییر در نحوه چیدمان فضاها، تغییراتی را در سطح کل پیکره‌بندی فضایی ایجاد خواهد کرد. پیکره‌بندی منطبق فضایی فرم و عملکرد فضا را تبیین کرده و دراندامان فضا، سلسله مراتب و چیدمان فضایی تاثیرگذار است (همدانی گلشن، ۱۳۹۴، دهقانی و همکاران، ۱۴۰۰، سلطانی‌فرد و صابری‌کاریزی، ۱۳۹۷). در نظریه پیکره‌بندی، فضا هسته اولیه و اصلی در چگونگی رخدادهای اجتماعی و فرهنگی است. منطبق اجتماعی در نظریه پیکره‌بندی فضایی سبب شده که فضاها از نگرش فرهنگی مورد بررسی قرار بگیرند و معانی فرهنگی نهفته در آن‌ها کشف شود. به کمک این معانی می‌توان رابطه انسان- محیط را تسهیل نمود. ارتباط بین فعالیت و فضا بیش از هر خصیصه‌ای در ارتباطات موجود بین فضاها و یا همان انتظام فضایی قابل درک و تعریف است. در واقع، ویژگی‌های پیکره‌بندی فضا، در شکل‌دهی به فعالیت‌های انسانی بیش از خصیصه‌های فیزیکی فضا نقش دارد. این نظریه، بر این باور است که فضا و فعالیت انسانی دو ماهیت مستقل و متفاوت نیستند، بلکه

پیکره‌بندی فضایی اساساً منطبق اجتماعی دارد (منصوری و ضرغامی، ۱۴۰۱، همدانی گلشن، ۱۳۹۴، سیادتان و پورجعفر: ۱۳۹۳، Bafna, 2003, Vaghaun, 2007). فهم لایه‌های اجتماعی فضایی در واقع نوعی ارتباط خاص بین مصرف‌کننده و فضای مورد نظر است. بنابراین شناخت الگوی پنهان موجود در کالبد بنا، به معنی شناخت روابط اجتماعی است که در داخل فضاها اتفاق می‌افتد (معماریان، ۱۳۸۴، معماریان، ۷۷:۱۳۸۱). این تعاریف همان الگوی زیستی پنهان یا ژنوتایپ است.

واژه زیست‌شناسی ژنوتایپ و فنوتایپ در اواخر قرن بیستم در معماری بکارگرفته شد. تحقیقات DNA در علوم مختلفی از جمله زیست‌شناسی، باستان‌شناسی، پزشکی قانونی، علوم سیاسی، علوم اجتماعی، روانشناسی، جغرافیا، علوم محیطی، علوم ورزشی و فرهنگ توسعه یافته است. در ژنتیک، اصطلاحات ژنوتایپ و فنوتایپ، وراثت هویت ژن‌ها را پیش‌بینی می‌کند. ژن یک واحد ارثی از سلول‌های زنده است که مجموعه‌ای از اطلاعات ژنتیکی ارثی را تشکیل می‌دهد (Sari; Nuriyati, Kaputar, 2020, Kartika Sari, 2022, 2014, Veitia). لازم به ذکر است که ژنوتایپ و فنوتایپ دو مفهوم متفاوت هستند. ژنوتایپ یک کد ژنتیکی است، که سلول، هسته، کروموزوم، ژن و DNA را دربر می‌گیرد، درحالی‌که فنوتایپ مجموعه‌ای از صفات و خصوصیات رفتاری یک موجود زنده است (Rahmane & Abbaoui, 2021).

بعدها ژنوتایپ و فنوتایپ در معماری ترجمه و تعاریف مختلفی برای آن‌ها ذکر شده است. فنوتایپ یا گونه کالبدی، مشخصات فیزیکی جسم یا کالبد یک بنا است، که خود را در قالب یک گونه نشان داده و به اجزای فیزیکی و ظاهری بنا و هم‌منظور ویژگی‌های قابل مشاهده مربوط می‌شود. فنوتایپ‌ها در شکل‌های گوناگون قابل تغییر هستند؛ در حالی‌که، می‌توان در ساختارهای گوناگون یک گونه ژنوتایپ داشت (معماریان، ۱۳۸۱:۷۹). فنوتایپ‌ها با تحقق ژنوتایپ‌ها، ساختار محیط فیزیکی را شکل می‌دهند. ژنوتایپ‌ها مدل‌های انتزاعی هستند که در ترتیب فضا و اصول سازمان‌دهی فنوتایپ‌ها تأثیری می‌گذارند (Sari; Nuriyati, Kaputar, 2020) و به عنوان مدل‌های رابطه‌ای انتزاعی بر آرایش و سازمان‌دهی فضا حاکم هستند. محققان الگوهای کالبدی (فنوتایپ) و زیستی (ژنوتایپ) را در کنار یکدیگر بخش مهمی از کانسپت طراحی معماری می‌دانند که معماران می‌توانند به خوبی از آن‌ها در فرآیند طراحی فضای مسکونی استفاده بکنند. ارتباط مفهومی ژنوتایپ و فنوتایپ در تصویر ۱ برقرار است.



تصویر ۱ ارتباط ژنوتایپ و فنوتایپ (راستجو و همکاران، ۱۳۹۸).

فنوتایپ‌ها یا الگوهای کالبدی پیامد برهمکنش‌های الگوهای زیستی (ژنوتایپ) با محیط را نشان می‌دهند. در یک فرم فضایی الگوهای زیستی به صورت قوانین انتزاعی نهفته و نوعی الگوی پنهان در قالب اطلاعاتی درونی نقش ایفا می‌کنند، از این رو، ژنوتایپ را به عنوان قوانین انتزاعی زیربنای اشکال فضایی در زمینه نحو فضایی تعریف می‌کنند (Hillier and Hanson, 1984). ژنوتایپ بازتابی است که نه تنها در مورد سازمان فضایی مطرح می‌شود؛ بلکه ماهیت الگوهای اجتماعی و فرهنگی پیکره‌بندی‌های فضایی است. محققان استدلال می‌کنند که با استخراج الگوهای مشترک در ساختارها یا فضاهای مختلف، می‌توان ژنوتایپ‌های فرهنگی را که بعد فضایی پیدا می‌کنند، به صورت عینی شناسایی نمود (Hillier, 1987, Hanson and Graham). امکان تفسیر پیکره‌بندی فضایی و سازمان اجتماعی در محیط‌های ساخته شده با درک روابط اجتماعی و ژنوتایپ یک بنای معماری فراهم می‌شود. روابط اجتماعی در فضای معماری ناشی از رفتار و فعالیت انسان در محیط است. فعالیتی که در محیط انجام می‌شود و تعاملی که در آن شکل می‌گیرد، به صورت اطلاعات درونی سیستم یا الگوی زیستی قابلیت شناسایی دارد. این بازشناخت در واقع، همان درک ژنوتایپ آن فضای معماری است. فهم ژنوتایپ خود به معنای شناخت ساختار اجتماعی، ارتباطات اجزا با یکدیگر و الگوی نظام یافته و بار اجتماعی آن‌ها است (معماریان، ۱۳۸۱، راستجو و همکاران، ۱۳۹۸). مطالعه‌ی فنوتایپ (ساختار و کالبد فیزیکی) و درک ژنوتایپ (الگوی زیستی) در کنار یکدیگر، بخش مهمی از ارتباطات فضایی مسکن را شکل می‌دهند و امکان تفسیر پیکره‌بندی فضایی و سازمان اجتماعی در محیط‌های ساخته شده را فراهم می‌کنند. ژنوتایپ و مفاهیم پنهان در معماری کهن، همراه با فنوتایپ و ویژگی‌های ظاهری معماری امروزی، می‌تواند پاسخی مناسب برای معماری آینده باشد (دوست محمدی، مهدوی نژاد و کامیابی، ۱۴۰۰، قربانی و همکاران، ۱۴۰۱).

مواد و روش تحقیق

روش پژوهش در مقاله حاضر به صورت کیفی و با روش سنتز پژوهی انجام شده است. سنتز پژوهی (Research synthesis) شکل خاصی از مرور پژوهش به روش کیفی است و سعی دارد تحقیقاتی را که پوشش می‌دهد، تحلیل کرده و تناقضات موجود در آن را حل کند و ضمن

یکپارچه‌سازی نتایج، موضوعات اصلی را نیز برای تحقیقات آینده مشخص کند. سنتز پژوهی، پروژه‌های اکتشافی هستند که به طور سیستماتیک و نظام‌مند ادبیات موجود در مورد یک موضوع را تصویر سازی و مفاهیم کلیدی، نظریه‌ها، منابع، شواهد و شکاف‌های موجود در تحقیق را شناسایی می‌کنند (کوپر و هجز، ۲۰۰۹، صالح صدق‌پور و عظمتی، ۱۴۰۳).

در واقع، سنتز پژوهی، ادغام دانش موجود و یافته‌های تحقیقاتی مربوط به یک موضوع است (قالیبافان و اکبری، ۱۴۰۰). این روش شباهت زیادی به تحلیل فراترکیب و فراتحلیل دارد (قاسمی، ۱۴۰۰، صالح صدق‌پور و عظمتی، ۱۴۰۳) که وجه تشابه این روش‌ها مرور سیستماتیک است. روش فراتحلیل و سنتز پژوهی در کمی و کیفی بودن شیوه مطالعه متمایز می‌شوند. فراتحلیل در پژوهش‌های کمی کاربرد دارد، درحالی‌که سنتز پژوهی مربوط به مرور پژوهش‌های کیفی است.

هدف از سنتز پژوهی تولید دانش جدید از طریق روشن ساختن روابط و تنش‌ها و اختلافات بین گزارش‌های مطالعات منفردی است، که بیش از این دیده نشده‌اند. این روش شامل انتخاب هدفمند، مرور، تحلیل و ترکیب گزارش‌های پژوهشی دست اول در یک موضوع مشابه است که به صورت کدگذاری مقالات و تحقیقات هم‌راستا انجام می‌شود. از این‌رو حوزه پژوهش، شامل مقالات علمی معتبر در زمینه انتظام فضایی در خانه‌های بومی و تاریخی ایران است. در این راستا، برای فراهم آوردن اطلاعات موردنیاز، از فرم کاربرگ طراحی شده توسط محقق برای گزارش و ثبت اطلاعات پژوهش‌های اولیه استفاده گردید.

در گام اول فهرستی از مقاله‌های علمی پژوهشی مرتبط با موضوع پیکره‌بندی و چیدمان فضایی تهیه شد. برای انتخاب مقاله‌ها از میان تعداد زیادی پژوهش در حوزه مربوطه، میزان مرتبط بودن هر یک از آن‌ها با موضوع و سوالات پژوهش بررسی شد. در فرآیند جست‌وجو و غربالگری مقاله‌ها، منابع موجود با توجه به عنوان، چکیده و نتیجه‌گیری دسته‌بندی شدند. در نتیجه مقاله‌هایی که فضای غیرمسکونی و یا شهری را مطالعه کرده بودند، کنار گذاشته شدند. در ادامه فرآیند گزینش مقالات توضیح داده خواهد شد.

برای سنتز پژوهی (صالح صدق‌پور و عظمتی، ۱۴۰۳) اسناد و مدارک مرتبط در زمینه پژوهش از تحلیل محتوا به صورت مقوله‌بندی استفاده شد. از آنجائیکه به طور مستقیم نمی‌توان داده‌های خام را در پژوهش وارد کرد، داده‌های بدست آمده براساس کدگذاری در سه سطح باز، محوری و منتخب مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. به این صورت که ابتدا با کدگذاری باز مقوله‌ها از اسناد استخراج شد و سپس با طبقه‌بندی کدهای باز هم جنس در یک مقوله، کدهای محوری بدست آمد (اوضاعی، عصاره و مهرمحمدی، ۱۴۰۰). در ادامه کدهای محوری ارزیابی شده و متناسب با ابعاد مطالعات انجام شده کد منتخب حاصل شد. در نهایت، شرایط و مشخصات مولفه‌های تمایز یافتگی فضایی با توجه به پیشینه‌های مطالعات موجود شناسایی شد. به منظور اطمینان از صحت تجزیه و تحلیل داده‌ها، در هر مرحله کدگذاری‌ها توسط دو نفر ارزیاب بررسی شد.

بحث و یافته‌های تحقیق

در مقاله حاضر از الگوی شش مرحله‌ای سنتز پژوهی رویتس استفاده شده است، که مرحله‌های آن به شرح زیر است: شناسایی نیاز، اجرای جستجوی مقدماتی، شفاف‌سازی نیاز: شناسایی ویژگی‌های خانه‌های ایرانی و نحوه‌ی پاسخگویی آن‌ها به نیازهای مادی و معنوی ساکنان خود، گام نخست برای بازیابی هویت معماری ایران به منظور تلاش در جهت انتقال روح آن به معماری معاصر است. بازگشت دوباره به الگوهای مسکن بومی بررسی نحوه‌ی کاربست ارزش‌های ایرانی در چیدمان فضایی و احیا و بازآفرینی این سنت فراموش شده، هدف غایی طرح حاضر است.

اجرای پژوهش به منظور بازیابی مطالعات: در این مرحله، جستجوی منابع با توجه به نیاز اصلی پژوهش و براساس کلیدواژه‌های مشخص شده صورت گرفت (مارش، ۱۳۸۷). بدین منظور ابتدا کلیدواژه‌ها تعیین و تعریف شد که از جمله مهمترین این کلید واژه‌ها، می‌توان به موارد زیر اشاره داشت: پیکره‌بندی فضایی، چیدمان فضایی، روابط فضایی، الگوی فضایی خانه‌های سنتی و فنوتایپ و ژنوتایپ در معماری؛

به منظور بالابردن کیفیت کار، جست و جوی مقالات توسط دو نفر که آشنایی کامل به روش‌های جست و جو و منابع اطلاعاتی داشتند به صورت جداگانه انجام شد. همچنین این مقاله با تکیه بر منابع داخلی و خارجی و بر پایه مقالات علمی - پژوهشی منتشر شده تدوین شد و انتخاب این دسته از منابع از این رو بوده که مقالات علمی پژوهشی فرایند بررسی تخصصی را زیر نظر داوران متخصص طی می‌کنند و این حاکی از اعتبار نتایج آن‌ها است. به منظور ارتقای جست‌وجوی پژوهش، برای انتخاب کلمات کلید توسط مصاحبه با چند نفر از متخصصین موردبازبینی و حک و اصلاح قرار گرفت. در ادامه در مراحل بعد نحوه گزینش مقالات مورد بررسی قرار خواهد گرفت. واژه‌های کلیدی جستجو شده در این مقاله در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

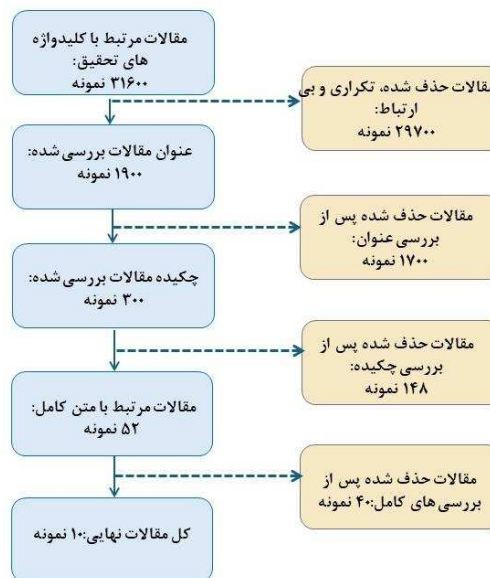
جدول ۲ واژگان کلیدی مورد استفاده در جستجو، ماخذ: نگارندگان.

فارسی	انگلیسی
پیکره‌بندی فضایی	Spatial configuration
چیدمان فضایی	Spatial arrangement
روابط فضایی	Spatial relations
نحوفضا	Syntax of space
الگوی فضایی خانه‌های سنتی	Spatial pattern of traditional houses
فنوتایپ و ژنوتایپ در معماری	Phenotype and genotype in architecture

گزینش، پالایش و بررسی کیفیت مطالعات: این مرحله به داوری در خصوص تعیین مطالعات مرتبط با نیازهای دانشی اختصاص داشت. برای انجام این داوری باید ملاک‌هایی برای گزینش و دسته‌بندی مطالعات تدوین می‌شد (مارش، ۱۳۸۷). معیارهای اصلی ورود به این پژوهش شامل موارد زیر می‌باشد:

باتوجه به جستجوهای انجام شده ۳۱۶۰۰ مطالعه در مورد پیکره‌بندی فضایی یافت شد که تعدادی از این مطالعات برای ورود به تحلیل نهایی مناسب نبودند و بر اساس کلمات کلیدی تکمیلی، سال انتشار، نوع تحقیق، غربال شدند.

از ۳۱۶۰۰ سند جمع‌آوری شده مرتبط با کلیدواژه پیکره‌بندی، ۲۹۷۰۰ مقاله به دلیل اضافه شدن سایر کلیدواژه‌ها (چیدمان فضایی، روابط فضایی، نحوفضا و الگوی فضایی خانه‌های سنتی)، تعداد زیادی از مقاله‌ها به دلیل بی‌ارتباط بودن با عنوان، بعضی با خواندن چکیده مقاله و تعدادی دیگر با خواندن کل مقاله و نداشتن داده‌های کافی از مطالعه حذف شدند. در راستای اهداف مقاله تحقیقاتی مورد استفاده قرار گرفتند که فرآیند داوری تخصصی را زیر نظر داوران تخصصی طی کرده و در قالب مقاله به صورت برخط به طور کامل در دسترس باشند. سال انجام تحقیقات در بازه زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۴ در نظر گرفته شد. پژوهش‌هایی که در راستای اهداف تعیین شده این مقاله گزارش نداده بودند و در مجلات فاقد اعتبار و همینطور به صورت کنفرانسی انتشار یافته بودند و فاقد کیفیت علمی لازم بودند، در مطالعات کنار گذاشته شدند. در نهایت، ۵۲ مقاله با کیفیت مناسب برای مطالعه وارد فرآیند تحلیل شدند.



نمودار ۱ روند انتخاب اسناد برای ورود به مطالعه، ماخذ: نگارندگان.

تعیین چهارچوب ادراکی و متناسب ساختن آن با اطلاعات حاصل از تحلیل: این مرحله، چهارچوبی پیونددهنده است که اطلاعات به دست آمده در پیرامون آن ترکیب می‌شود (موفت، ۲۰۱۵). این بخش به بررسی چهارچوب ادراکی در یک پژوهش می‌پردازد که بر اساس مفهوم پیکره‌بندی فضایی و ارتباط آن با الگوی زیستی شکل گرفته است. ترکیب اطلاعات و یافته‌های حاصل از طبقه‌بندی داده‌ها، برای ایجاد یک درک جامع از

نحوه تعامل فضا و زندگی است. از این رو چهارچوب ادراکی شکل گرفته در این مقاله حول مفهوم پیکره‌بندی فضایی و ارتباط کالبد با الگوی زیستی است.

ارزیابی کیفیت نهایی، پردازش، ترکیب و تفسیر در قالب فرآورده‌های ملموس: با توجه به کدگذاری حاصل از مرحله اول (گزینش و اعتبارسنجی مقاله‌ها برای ورود به فرآیند تحلیل) ابتدا متن کامل مقاله‌های منتخب مورد بررسی قرار گرفتند. در این مرحله، باتوجه به یافته‌های حاصل از تحقیقات معتبر و مرتبط با هدف مقاله، کلیه مؤلفه‌ها از طریق فرایند کدگذاری باز استخراج شدند.

از این رو، باتوجه به فرایند سه‌گانه کدگذاری در روش سنتزپژوهی، اقدام به شناسایی مولفه‌های اصلی و فرعی انتظام فضایی خانه‌های تاریخی شد و در ادامه، ارتباط فنوتایپ و ژنوتایپ که از مولفه‌های اصلی حیطه‌ی پیکره‌بندی و انتظام فضایی هستند، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

ارائه، نتایج ترکیب: در این بخش، باتوجه به فرآیند و فرآورده‌های سنتزپژوهی در یک نمای کلی پیکره‌بندی فضایی خانه‌های تاریخی ایران مورد بررسی قرار گرفت. در ابتدای شروع فرآیند سنتزپژوهی، مفاهیم استخراج گردید و در گام بعدی کدگذاری در طی دو مرحله انجام شد. در مرحله اول گزاره‌های مربوط به مولفه‌های اصلی پژوهش پیدا و در مرحله دوم این گزاره‌ها به صورت پیوستارهایی تدوین شد. برای هر پیوستار یک نام‌گذاری صورت گرفت، که لازم به ذکر است این فرآیند توسط ۵ نفر از متخصصین مورد تایید قرار گرفته است. کدهای باز یعنی پیوستارها به صورت دو به دو مورد ترکیب قرار گرفتند و براساس ترکیب دوتایی هر پیوستار، مفاهیم مشترک استنباط گردید. در ادامه، تحلیل کیفی کدهای باز در کنارهم قرار گرفته و با کدگذاری مجدد، موارد همپوشانی و قرابت معنایی مفاهیم با هم ترکیب شده و به صورت مجموعه برای ۹ مفهوم مشترک یک عنوان استقرار گردید که کدهای محوری را تشکیل دادند. کدگذاری انتخابی توسط محققین و تایید متخصصین صورت پذیرفت، که نتایج حاصل از آن در جدول شماره ۳ آورده شده‌است.

جدول 3 مشخصات پیکره بندی در خانه های تاریخی ایران، ماخذ: نگارندگان.

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز	مفاهیم گزاره ها
		ارتباط کالبد با الگوی زیستی	<p>- دسته‌بندی شکلی کالبدی خانه‌ها مبنای قابل اطمینانی در دسته‌بندی ارتباطات فضایی بین خانه‌ها نیست.</p> <p>- ممکن است چند فرم کالبدی، الگوی ارتباطات فضایی یا همان الگوی زیستی یکسانی داشته باشند.</p> <p>- در هر دسته کالبدی، تفاوت‌هایی به لحاظ پیکره بندی فضایی وجود دارد.</p> <p>- افزایش ورودی‌ها لزوماً موجب کاهش عمق بصری در خانه‌های هر دسته نشده است.</p> <p>- مجموعه زیستی ساکنان خانه‌های مورد بررسی در فصل تابستان و زمستان به‌لحاظ دسترسی بصری و فیزیکی متفاوت است. - طیف متغیری از میانگین شاخص هم‌پیوندی، در خانه‌های هر دسته مشاهده شد.</p> <p>- حیاط هم‌پیوندترین فضا است؛ تحلیل جایگاه افقی و عمودی ورودی در گونه‌های شکلی نشان داد زمانی که خانه سه طبقه بوده و فقط از تراز آخر به خانه وارد می‌شویم، عمق لایه‌بندی بصری زیاد است، زمانی که ورودی در میانه ضلع طولی حیاط خانه قرار دارد و در مسیری تقریباً مستقیم با سلسله‌مراتب فضایی کم به حیاط خانه که در همان تراز قرار دارد منتهی می‌شود، عمق بصری خانه مقدار کمی دارد.</p> <p>- می‌توان با شناخت ارتباطات فضایی، روابط اجتماعی افراد مصرف‌کننده در فضاها را بازشناسی کرد؛ در طبقه‌بندی های شکلی صورت گرفته، سازمان‌های فضایی مشابهی دیده می‌شود.</p> <p>- بهره‌بردار از فضا، در رفتار خود، تحت تأثیر ارتباطات فضایی قرار دارد.</p> <p>- انتظام فضاها در کنارهم، به معنای ارتباطات درونی فضاهاست، که به وسیله مصرف‌کننده آن فضا استفاده می‌شود.</p>
نماینده: بافتی فضایی		انتظام فضایی و رفتار	<p>- میزان نفوذپذیری، انتظام فضایی و قرارگیری هر فضا در عمق مشخص، ممکن است ارتباطی با نحوه روابط اجتماعی و رفتاری نداشته باشد.</p> <p>- خانه‌هایی که دارای ریز فضاهایی با هم‌پیوندی‌های نزدیک به یکدیگر و اختلاف کمتر میان هم‌پیوندی آن‌ها وجود دارد، دارای ضریب افتراق بیشتر و هم‌پیوستگی بهتر اجزا است؛ حیاط دارای بالاترین شاخص ارتباط در خانه‌های سنتی است.</p> <p>- فضای کفش‌کن به دلیل اینکه فضایی ارتباطی و میانی است با همه فضاها به‌طور تقریبی دارای ارتباط یکسانی است.</p> <p>- فضاهای پنج‌دری، سه‌دری، دو دری و اتاق دارای بیشترین ارتباط با فضای کفش‌کن است.</p> <p>- فضاهای واسط و اتصال، باعث جداسازی عرصه میهمان از میزبان می‌شود؛ حیاط مرکزی در معماری سنتی کاشان و مناطق گرم و خشک به‌عنوان فضای عمومی و حلقه اتصال‌دهنده خانه محسوب می‌شود.</p> <p>- از مؤلفه‌های تأثیرگذار در ضریب افتراق و همگنی خانه‌های سنتی، داشتن سلسله‌مراتب فضایی مناسب در خانه‌هاست که به دلیل وجود عرصه‌های عمومی، نیمه عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی دارای به هم‌پیوستگی قابل قبول است و خانه‌هایی که دارای تمامی این عرصه‌ها با ریز فضاهای مرتبط با هر کدام باشد، ضریب بیشتری دارند؛ خانه‌هایی که دارای فضاهای میانی و ارتباطی بیشتری هستند، از لحاظ انسجام فضایی و همچنین ارتباطات اجتماعی بهتر عمل کرده و دارای ضریب افتراق مطلوب‌اند.</p> <p>- پیکره‌بندی‌هایی که دارای ریز فضاهای مناسب و ارتباط صحیح بین آن‌هاست، دارای روابط اجتماعی بهتری بوده‌اند که همین موضوع سبب به هم‌پیوستگی بهتر فضاها شده، به طوری که فضاهای میانی و واسطه نقش اتصال‌دهنده میان فضاهای عمومی و خصوصی خانه را به خوبی ایفا می‌کنند.</p> <p>- سلسله‌مراتب سبب پاسخ گویی صحیح به نیازهای افراد ساکن در خانه می‌شود و همین امر باعث مطلوبیت روابط اجتماعی و رفتاری در یک فضا است.</p> <p>- میزان نفوذپذیری، انتظام فضایی و قرارگیری هر فضا در عمق مشخص، ارتباط مستقیم با نحوه روابط اجتماعی و رفتاری دارد.</p>
نماینده: بافتی فضایی	انتظام چیدمان فضایی با محیط	انتظام چیدمان فضا با نیازهای ساکنان	<p>- ارزش یکپارچگی بالای فضای جمعی، باعث تسهیل رخداد فعالیت‌های جمعی و اجتماعی شده است؛ به طوری که بیشترین روابط ساکنین با مهمان‌ها به‌عنوان فعالیت‌های جمعی و اجتماعی در آن اتفاق می‌افتد؛ پیکره بندی موجب سازمان‌دهی رفتار ساکنان است.</p> <p>- تغییر پیکره بندی سیستم فعالیت‌ها را تغییر می‌دهد.</p> <p>- عرصه خدماتی با یکپارچگی متوسط، به‌عنوان یک عرصه متغیر در پیکره‌بندی فضایی عمل می‌کند و فعالیت‌هایی مانند آشپزی، ذخیره‌سازی مواد غذایی و غیره در آن صورت می‌گیرد.</p> <p>- عرصه فضاهای خصوصی دارای بیشترین تفکیک و عمق در بین سایر فضاها هستند.</p> <p>- عرصه جمعی هر سه گونه در داشتن "هال" مشترک است و این فضا در میان سایر فضاهای عرصه جمعی دارای بیشترین میزان فعالیت و ثبات فضایی است؛ در هر سه گونه مسکن، عرصه خانه‌های جمعی خانه در بین سایر عرصه‌های فردی و خدماتی دارای بیشترین میزان یکپارچگی و کمترین عمق فضا است.</p>

<p>- استمرار سیستم فعالیت‌ها نشان از قدرت قانونمندی‌های فرهنگی - اجتماعی است. ساکنان ترجیحات کالبدی خود را با تغییرات تطبیق داده و رفتارها، ارزش‌ها و نیازهای خود را با آن هماهنگ می‌کنند؛ ساکنان ترجیحات کالبدی خود را با تغییرات محیطی تطبیق داده و رفتارها، ارزش‌ها و نیازهای خود را با محیط‌های مسکونی هماهنگ کنند.</p> <p>- میزان پاسخ‌گویی ساکنان به تطبیق‌پذیری بستگی به تأمین نیازهای فضایی - رفتاری آنها دارد.</p> <p>- با وجود تغییر پیکره‌بندی فضایی، سیستم فعالیت‌ها تغییر نکرده و ساکنان خود را با فضاهای موردنظر انطباق داده‌اند؛ استمرار سیستم فعالیت‌های عرصه جمعی، نشان‌دهنده‌ی هم‌بستگی رخداد آنها با قانونمندی‌های فرهنگی - اجتماعی گروه فرهنگی است؛ به طوری که تغییرات پیکره‌بندی فضایی ایجاد شده، تأثیر معناداری در رخداد فعالیت‌ها ندارد.</p> <p>- توانایی افراد در انطباق با محیط، نتایج تحلیل‌های نحو فضا را مورد تردید قرار می‌دهد. لذا پیشنهاد می‌شود جهت اعتباربخشی بیشتر به تحلیل‌های نحوی سطح رضایتمندی نیز بررسی گردد.</p>		
<p>- کاهش عمق فضایی، منجر به کاهش حریمیت فضاها می‌شود.</p> <p>- میانگین مقدار عددی عمق و گراف‌های آن نشان داد که عمق فضایی خانه‌های شوشتر نسبت به گونه‌های مشابه که در تحقیقات گذشته محققان انجام گرفته نسبتاً کم هست. در نتیجه قابلیت تفکیک و جداسازی فضاها در خانه‌های شوشتر کاهش پیدا کرده است.</p> <p>- سلسله‌مراتب فضایی که در بیشتر خانه‌های سنتی در کشور مرسوم است را کمتر داراست.</p> <p>- از منظر رفتار اجتماعی کم بودن عمق فضاها ناشی از یک الگوی زیستی است که می‌تواند ناشی از شرایط اقلیمی و نیاز شدید به تهویه طبیعی و کوران هوا که در این فضاها باشد.</p> <p>- به دلیل کم عمق بودن فضاها در خانه‌های سنتی شوشتر این فضاها دارای هم‌پیوندی بالا و یکپارچگی بیشتری هستند؛ شاخص دید بصری یا ایزووویست و خطوط دید برای دستیابی به کیفیت بصری در خانه‌های شوشتر از دو مکان ورودی و حیاط قابل تعمیم است.</p> <p>- مطابق مقادیر عددی شاخص بصری ایزووویست از ورودی در این خانه‌ها بسیار کم است و وجه تمایز این خانه‌ها با خانه‌های مشابه در دیگر نقاط این است که با کمترین فضا کمترین دید بصری ایجاد شده است؛ شاخص بصری ایزووویست در حیاط به بیشترین حد خود می‌رسد.</p> <p>- ایجاد هشتی یا تغییر مسیر مستقیم ورودی به حیاط عمق بصری را کم کرده و حریم خانه‌ها را رعایت می‌کند؛ با میدان‌های بصری پیوسته به حریم خصوصی خانواده اهمیت بیشتری داده می‌شود، که این امر با استفاده از متغیرهای طراحی معماری مانند درها، بر اساس ساختار اجتماعی خانواده‌ها ایجاد شده است.</p> <p>- فضاهای تودرتو با ورودی‌های متعدد برای هر فضا، عمل‌پذیری و اتصال‌پذیری فضاها، گسترش میدان‌های بصری در فضاهایی چون حیاط مرکزی با اطراف، این خانه‌ها را قادر می‌سازد تا پیکره‌بندی فضایی منسجمی را ایجاد و این فضاها را به توانمندترین بخش‌های معماری این خانه‌ها برای گردهمایی اعضای خانواده تبدیل کند؛ با کمترین فضا کمترین دید بصری ایجاد شده است که ناشی از انطباق طراحی این خانه‌ها با اصول و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی مرسوم در اکثر خانه‌های سنتی مانند حفظ حریم باشد.</p> <p>- حیاط در خانه‌های سنتی شوشتر اجتماعی‌ترین و فرهنگی‌ترین فضا در میان تمام فضاهای شکل گرفته در این خانه‌ها می‌باشد.</p>	<p>رابطه بین فضای معماری مسکن و ارزش‌های فرهنگی - اجتماعی</p>	
<p>- از میان فضاهای مشابه در خانه‌های بومی - سنتی و امروزی فضای حیاط، صفا، نشیمن و ورودی دچار تغییرات زیادی در سازمان فضایی شده‌اند که البته این تغییرات متناسب با رفتارهای بومی نبوده است.</p> <p>- از اواخر دوره پهلوی پیکره‌بندی فضایی خانه‌ها دچار تغییرات شده و تداوم و استمرار در پیکره‌بندی فضایی موجود تا قبل از این زمان، در دوره‌های بعدی از میان رفته است که این خود می‌تواند بر فرهنگ سکونت بومی و نظام رفتاری ساکنان بومی اثرگذار باشد.</p> <p>- بسیاری از رفتارها و شیوه زندگی بومی در خانه‌های امروزی یا کم‌رنگ شده یا از بین رفته است.</p> <p>- خلاقیت، در مرحله ارائه راه‌حل برای نقاط ضعف احتمالی یا تغییرات در شیوه زندگی و پیدایش نیازهای جدید بروز می‌کرده است.</p> <p>- در دوره‌های صفویه، قاجار تا اوایل پهلوی الگوها و شیوه‌های سازمان‌دهی فرم و فضا که مورد استفاده طراحان بومی بوده نسبتاً مشابه بوده است؛ تداوم و استمرار در پیکره‌بندی و سازمان فضایی خانه‌های بومی مشاهده می‌شود.</p> <p>- آنچه خانه بومی در درون مایه خود دارد، قبل از هر چیزی، پاسخی است به نهاد انسان نظم فضایی. پیش از آنکه وارد محیط مصنوع شود و حالتی مادی بگیرد، شکلی ذهنی دارد؛ رجوع به گذشته نه به معنای کنجکاو روی روشنفکرانه است، بلکه تلاشی برای بهره‌گیری از دانشی است که به غفلت سپرده شده است. بی شک حیات یک جامعه را نمی‌توان هیچ‌گاه به طور مطلق از گذشته‌اش جدا کرد و ما آن چنان از گذشته خویش منقطع نیستیم که تاریخ برای ما درسی نداشته باشد.</p>	<p>انطباق با شیوه زندگی</p>	<p>ارتباط سازمان فضایی با محیط فرهنگی</p>

<p>- پس برای مطالعه محیط انسانی نیاز به درک مکانیسم‌ها و عواملی است که از خلال آن‌ها نظم ذهنی به قالب مادی منتقل شده و محیط مادی انسانی را می‌سازند؛ فضا در خانه بومی بر اساس مفاهیم و الگوهای فرهنگی نظام می‌یابد شکل خانه در معماری بومی بیان درک محتوای زندگی است.</p> <p>- فضا در خانه بومی بر اساس مفاهیم و الگوهای فرهنگی نظام می‌یابد.</p> <p>- هر فضایی در خانه بومی دانسته نخواهد شد مگر آنکه در ورای آن اعتقادی وجود داشته باشد، اعتقاد به انطباق آن با روش زندگی ساکنان بومی.</p>			
<p>- می‌توان الگوی مناسب مبتنی بر سبک زندگی و نظام رفتاری مردم یک منطقه بخصوص را پایه‌گذاری نمود.</p> <p>- می‌توان با خوانش نحوی فضاهای معماری گذشته، تعاملات اجتماعی متأثر از کالبد معماری را به صورت کمی درآورد تا بتوان آن‌ها را تحت مطالعات مختلف اجتماعی برای کاربردهای متفاوت مورد بررسی موشکافانه تر قرار داد.</p> <p>- حال با تکیه بر این تغییر و تداوم به دست آمده می‌توان پیکره‌بندی مبتنی بر شیوه زندگی و نظام رفتارها را تبیین و به‌گونه‌ای هدفمند برای خانه‌های امروزی طراحی نمود.</p> <p>- حیاط به عنوان مرکز تعاملات اجتماعی در دوره های گذشته تاریخی شهر شیراز در خانه‌های امروزی جایگاه خیلی ضعیفی دارد و تغییر این وضعیت در خانه امروزی است که با مرور زمان از پیکره‌بندی فضایی خانه ایرانی حذف یا تفکیک شده است.</p> <p>- تغییر اساسی در کاهش ارتباط فضایی و افزایش هم‌پیوندی در خانه‌های آپارتمانی امروز باعث جدایی و ازهم‌گسیختگی کالبد معماری امروزی از ماهیت گذشته خود شده است.</p> <p>- ایجاد تغییرات در ماهیتی همچون عمق نسبی و تبدیل جایگاه فضاهای خدماتی به جایگاه فضاهای اصلی است.</p> <p>- نفوذ فرهنگ غرب و همچنین معضلات شهرنشینی و تفکیک اراضی صورت گرفته است.</p> <p>- دومین تغییرات عدم توجه به حیاط و نقش آن در گسترش تعاملات اجتماعی افراد است؛ تداوم یک نگرش برون‌گرایی برگرفته از فرهنگ غرب در دوره پهلوی در ماهیت کالبدی خانه باتوجه به نیازهای امروزی که دغدغه عوام راحت‌طلبی است به‌صورت دست‌نخورده و بدون تغییر باقیمانده است.</p> <p>- دغدغه‌های اجتماعی، تأثیرپذیری رفتارهای ناهنجار را از کالبد معماری تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و می‌توان الگوهای مناسب را از بدنه پیکره‌بندی فضایی معماری‌های مناطق گوناگون ایران و یا حتی کشورهای مختلف شناسایی نمود.</p>	<p>تأثیرپذیری نظام رفتاری</p>		
<p>- چیدمان فضا تأثیری در انعطاف‌پذیری ندارد.</p> <p>- در نظام فضایی با عنایت به موقعیت قرارگیری یک فضا امکان استفاده از آن فضا به جای دیگر فضاها امکان‌پذیر نیست.</p> <p>- در خانه‌های بومی با الگوی حیاط مرکزی، قرارگیری حیاط در لایه میانی باعث شده تا نقش پررنگ‌تری در سازمان‌دهی و پیکره‌بندی فضایی خانه ایفا نماید.</p> <p>- در خانه‌های معاصر قرارگیری حیاط در لایه‌های ابتدایی از اهمیت آن کاسته و این نقش به دیگر فضاها منتقل شده است و در نتیجه مفهوم قلمرو و دسته‌بندی به فراموشی سپرده شده است.</p> <p>- هرچه فضایی عمق کمتری داشته باشد، درجه هم‌پیوندی و کنترل در آن بیشتر است. هم‌چنین شاخص‌های هم‌پیوندی و عمق در فضاها به صورت متناظر است و با ارزش کنترل رابطه معناداری در فضا ندارد.</p> <p>- قرارگیری حیاط در لایه‌های میانی و ارتباط آن با فضاهای واسط از جمله راهروها، پلکان، فضاهای تقسیم‌کننده نقشی بی‌بدیل برای آن خلق کرده و منجر به انعطاف‌پذیری آن در پیکره‌بندی فضایی شده است؛ یک فضا مثلا با عنوان اتاق در پیکره بندی با توجه به دارا بودن ارزش یکسان با دیگر فضاها، قادر است خود را با دیگر کاربری‌ها از جمله اتاق خواب، اتاق نشیمن یا پذیرایی منطبق نماید تا به عنوان اتاقی خاص مطرح باشد.</p> <p>- تعدد کاربری‌های موجود در نظام کالبدی خانه و برخورداری از ارزش فضایی یکسان دلالت بر مفهوم تنوع‌پذیری به عنوان شاخصی دیگر از انعطاف‌پذیری دارد؛ که از واژگان کلیدی در انعطاف‌پذیری فضایی و در نتیجه کارآمدی فضا است.</p> <p>- تنوع‌پذیری (قابلیت‌های استفاده‌های مختلف از یک فضا)، تطبیق‌پذیری (قابلیت هماهنگ شدن با دیگر فضاها در شرایط مختلف) و تغییرپذیری (قابلیت ایجاد تغییر در ساختار فضایی یک مجموعه) از شاخص‌هایی است که نقش مهمی در تحلیل انعطاف‌پذیری فضا و به ترتیب قرابت مفهومی با شاخص‌های عمق، کنترل و هم‌پیوندی در نحو فضا دارد؛</p> <p>- سهم عمده تنوع‌پذیری و تطبیق‌پذیری پیکره‌بندی فضایی مسکن بومی مربوط به حضور فضاهای اقلیمی تابستان‌نشین و زمستان‌نشین است.</p> <p>- راندمان عملکردی فضا به معنی سازماندهی مناسب فضاهای مرتبط در کنار هم دارای رابطه مستقیمی با مفهوم انعطاف‌پذیری است.</p>	<p>انعطاف‌پذیری در نظام کالبدی</p>	<p>راندمان عملکردی فضا</p>	

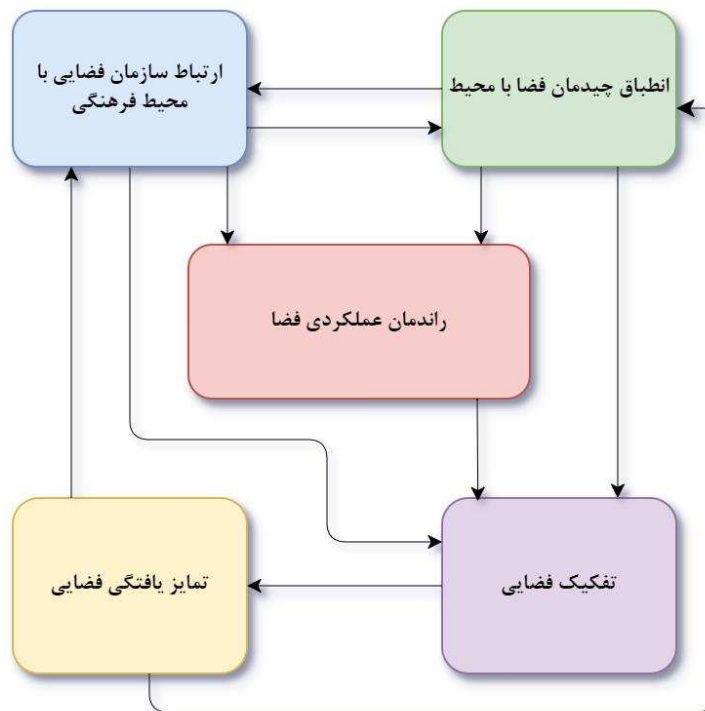
<p>- افزایش ارتباطات فضایی مناسب فیزیکی بصری و امکان تشکیل حلقه‌های فضایی متعدد در الگوی چیدمان فضای خانه تأثیری در ارتقا راندمان عملکردی فضاها ندارد.</p> <p>- دو نظام پیمون کوچک و خرده پیمون نیز با توجه به زیربنا و تعداد فضاها در آن‌ها در نوع خود دارای میزان راندمان مناسبی می‌باشند.</p> <p>- به دلیل وجود ارتباطات فضایی مناسب و تشکیل حلقه‌های فضایی متعدد در این سبک از خانه‌ها، سطح ارتباط فضاها با یکدیگر افزایش یافته و در نتیجه انعطاف‌پذیری و نفوذپذیری بیشتری در فضا به وجود می‌آید؛ مقایسه میزان راندمان سه فضای حیاط اندرونی، حیاط بیرونی و میهمان‌خانه در هر سه الگو مشترک می‌باشند.</p> <p>- با استفاده از مقادیر کمی چیدمان فضایی، می‌توان به تشابهات فرهنگی اجتماعی ساکنین یک مجموعه شهری در الگوی ساخت و استفاده از فضا پی برد.</p> <p>- مفهوم راندمان ارتباط مستقیمی با مفهوم ارزش فضایی دارد؛ مفهوم راندمان در علم نحو فضا به معنی میزان استفاده‌پذیری یک فضا توسط کاربران آن می‌باشد.</p> <p>- خانه‌های خرده پیمون دارای کمترین ارزش فضایی نسبت به دو الگوی دیگر می‌باشند که این امر بیانگر وجود تفکیک بیشتر در بین فضاهاست که در نهایت منجر به کاهش راندمان عملکردی در خانه خرده پیمون شده است؛ خانه‌ها با پیمون بزرگ دارای بیشترین ارزش فضایی هستند که این امر نشان‌دهنده بالاترین راندمان عملکردی در این نوع خانه است.</p> <p>- عامل تفاوت فضا در خانه با پیمون بزرگ برای فضاها حیاط اندرونی، حیاط بیرونی و میهمان‌خانه، در کمترین میزان است و در مقابل این مقادیر در خانه خرده پیمون در بیشترین میزان قرار دارد؛ خانه‌های با پیمون بزرگ به دلیل توالی فضاها و ازدیاد آنها، دارای عمق بیشتری نسبت به خانه‌های خرده پیمون هستند ولی به دلیل ارتباطات فضایی بیشتر با سایر فضاها، در مجموع راندمان عملکردی بهتری نسبت به سایر الگوهای خانه دارد.</p> <p>- راندمان عملکردی به‌دست‌آمده در نظام پیمون بزرگ بیشتر از دو الگوی دیگر است، این امر به واسطه وجود حداکثری زیربنا و وجود تعدد در فضاها در نظام ساخت این الگوی خانه می‌باشد؛ راندمان عملکردی سه فضای حیاط اندرونی حیاط بیرونی و میهمان‌خانه در خانه با پیمون بزرگ در بالاترین میزان و در خانه‌های خرده پیمون در پایین‌ترین میزان می‌باشند.</p> <p>- خانه با پیمون بزرگ دارای بیشترین ارزش فضایی، بیشترین میزان عمق و بیشترین میزان ادغام نسبی است که در نهایت منجر به افزایش راندمان عملکردی این الگوی خانه نسبت به دو الگوی پیمون کوچک و خرده پیمون شده است؛ خانه‌ها با پیمون بزرگ دارای بیشترین ارزش فضایی هستند که این امر نشان‌دهنده بالاترین راندمان عملکردی در این نوع خانه است.</p>	<p>انطباق مقایسه میزان راندمان عملکردی خانه با نظام‌های پیمون</p>	
<p>- در خانه‌های روستای میمند میزان راندمان عملکردی کمتر است و این خانه‌ها تفکیک فضایی متفاوتی نسبت به سکونتگاه‌های روستای کندوان دارند.</p> <p>- در خانه‌های روستای میمند به حریم‌های خصوصی و نیمه‌خصوصی توجه کمتری شده است.</p> <p>- خانه‌های روستای کندوان با میمند از نظر ارتباط فضاها معماری متفاوت هستند. میمند عمق کمتری نسبت به خانه های روستای کندوان دارند.</p> <p>- نحو فضایی سکونتگاه‌های روستای کندوان با میمند تفاوت‌های بسیاری دارند، به گونه‌ای که فضاها خانه‌های روستای کندوان از ارتباط و هم‌پیوندی بالاتر، راندمان عملکردی بهتری نسبت به سکونتگاه‌های میمند برخوردار هستند.</p> <p>- شاید نتیجه فرهنگ بومی مناطق روستاها باشد که به چیدمان فضایی هر خانه شکل می‌دهد.</p> <p>- اتاق نشیمن خانه‌های بومی هر دو روستا ارتباط فضایی بیشتری با سایر فضاها دارد.</p> <p>- در سکونتگاه‌های روستای کندوان و میمند فضاها خصوصی و عمومی با حریم خاصی از یکدیگر جدا شده‌اند، که نشان می‌دهد که سازنده سکونتگاه‌ها براساس اصول و قواعد ساخت سکونتگاه‌های مردم ایران دست به حفر خانه‌ها زده‌اند.</p> <p>- رعایت اصل سلسه مراتب فضایی در ساخت خانه‌های روستای صخره‌ای اصلی انکارناپذیر است.</p> <p>- در محث چیدمان فضایی خانه‌های هر دو روستا فضاها به نحوی قرار می‌گیرند که ارتباط فضایی فضاها خصوصی با فضاها عمومی و نیمه خصوصی کاملاً رعایت می‌گردد.</p>	<p>توجه به تفکیک و عرصه بندی فضاها</p>	<p>تفکیک فضایی</p>
<p>- در مشخصات کالبدی خانه‌های هر دو آیین شباهت‌هایی وجود دارد.</p> <p>- باتوجه به سفارش تمامی کتاب‌های آسمانی به صلح و آرامش و احترام به عقاید و فرهنگ‌های سایر ادیان، وجود برخی شباهت‌ها در فضاها کالبدی خانه را با آن مرتبط دانست.</p> <p>- در شهر کرمان، با وجود تعدد پیروان ادیان مختلف، شباهت‌هایی در معماری و ساخت خانه‌ها و بناهای خود وجود دارد.</p> <p>- در مشخصات کالبدی هر دو آیین مشخصات اقلیمی یکسانی وجود دارد.</p>	<p>فتش ارزش‌ها و نگرش‌های دینی در معماری کالبد</p>	

<p>- میانگین شاخص هم‌پیوندی در خانه‌های مسلمان‌نشین بیشتر از خانه زرتشتیان است؛ با توجه به اعتقاد زرتشتیان به نور و خورشید، شفافیت نمای این خانه‌ها نسبت به خانه مسلمانان بیشتر است.</p> <p>- خانه‌های مسلمان‌نشین و زرتشتی‌نشین شهر کرمان با تفاوت در ژنو تایپ یا الگوهای زیستی خود که ناشی از فرهنگ و عقاید هر یک از ادیان است، دارای فنوتایپ یا گونه کالبدی معماری تقریباً متفاوتی نیز است.</p> <p>- تأکید آموزه‌های دینی مسلمانان بر درونگرایی و حفظ حریمت نسبت به زرتشتیان و تأثیر مستقیم آن بر کالبد معماری خانه‌های آن‌هاست؛ میانگین شاخص مرکزیت در خانه‌های مسلمان‌نشین بیشتر از خانه زرتشتیان است.</p> <p>- میزان نسبت درصدهای تحت پوشش حیاط نسبت به ساختمان و درصدهای تحت پوشش فضا نسبت به جرم در خانه‌های زرتشتی تفاوت قابل‌توجهی با خانه‌های مسلمان‌نشین دارد. که شاید دلیل آن را بتوان در اعتقاد و توجه بیشتر مسلمانان به درون‌گرایی و حریمت، اعتقاد زرتشتیان به استفاده بیشتر از فضا در مراسمات و جشن و یا استفاده زرتشتیان از صفا رو به شرق خانه جهت انجام امور عبادی دانست؛ خانه‌های مسلمانان در شاخص‌های مطالعه شده دارای تفاوت‌هایی آشکار و پنهان نسبت به خانه‌های زرتشتیان است.</p> <p>- می‌توان دلایل این تفاوت‌ها را در اختلافات فرهنگ دینی و اعتقادات این دو دین جستجو کرد و می‌توان نتایج آن را در کالبد معماری این خانه‌ها مشاهده نمود.</p>	
---	--

نتیجه‌گیری

با تمام نگرانی‌های حاصل از اتفاقات چند دهه‌ی اخیر، که مورد نقد تعداد بسیار زیادی از دانشمندان، متخصصین، دانشگاهیان و جامعه‌ی حرفه‌ای در خصوص کیفیت معماری معاصر کشور و به‌خصوص شهرهای بزرگ و تاریخی وجود دارد؛ بی‌شک به‌منظور اصلاح و ساماندهی وضع موجود می‌باید پژوهش‌های عمیقی جهت شناخت و ترویج آنچه که به‌عنوان یک تجربه‌ی ارزشمند در خصوص زندگی و سکونت به وقوع پیوسته انجام داد. سازماندهی اجتماعی فضا در خانه‌های سنتی پیوستگی فرهنگی معماری ایرانی را نشان می‌دهد. بنابراین، انتظام فضایی و نحوه‌ی ارتباط فضاها با یکدیگر یکی از مهم‌ترین اصول به کار گرفته شده در معماری خانه‌های تاریخی ایرانی است که فهم آن از طریق درک پیوند میان کالبد معماری و فرهنگ، سبک زندگی و الگوی زیستی جاری در آن ممکن می‌شود.

الگوی زیستی تکرار شونده معیاری از چیدمان مکانی را به عنوان ساختار پایدار در فنوتایپ‌های متنوع برای یافتن هویت در معماری تولید می‌کند. این الگوهای تکرار شونده همان ژنوتایپ یا الگوهای زیستی هستند. از این‌رو، این مقاله به منظور مطالعه عوامل موثر بر انتظام فضایی خانه‌های تاریخی ایرانی، در راستای حفظ هویت معماری ایرانی و بازیابی چگونگی ارتباط کالبد با الگوی زیستی انجام شد. با توجه به نتایج طبقه‌بندی داده‌ها عوامل موثر بر انتظام فضایی خانه‌ها طبق مدل پژوهشی زیر تفسیر گردید.



نمودار ۲ مدل مستخرج از عوامل موثر بر انتظام فضایی خانه‌ها، ماخذ: نگارندگان.

تحلیل مطالعات نشان دهنده آن است که محیط با توجه به ویژگی‌های زیست بوم، اقلیم و عناصر فرهنگی دارای ویژگی‌های گوناگونی است، بنابراین چیدمان فضا باید با توجه به ویژگی‌های محیطی صورت پذیرد. به عبارت دیگر، هرچه میزان انطباق چیدمان فضا با محیط ارتقا پیدا بکند، آن محیط آشناتر و معنادارتر شده و حس تعلق به محیط بیشتر احساس می‌شود. این ویژگی ناشی از ارتباط سازمان فضایی با محیط فرهنگی است. هر چقدر انطباق چیدمان فضا با محیط ارتقا پیدا بکند، میزان سازماندهی فضایی با محیط فرهنگی نیز افزایش پیدا می‌کند. بنابراین با هماهنگی سازمان فضایی با محیط فرهنگی، محیط یا مکان تجلی‌گاه هویت آن فضا می‌شود. از طرفی، ارتباط فرهنگی سازمان فضایی با محیط بر افزایش انطباق چیدمان فضایی با محیط اثر می‌گذارد. درحقیقت این فرآیند دوسویه است که موجب ارتقای این دو مولفه در طول زمان می‌شود.

این فرآیند رفت و برگشتی بیانگر اهمیت انطباق چیدمان فضا با محیط است. زمانی که فضای طراحی شده به طور موثر با نیازها و ویژگی‌های محیطی خود همخوانی داشته باشد، می‌تواند به بهبود عملکرد و راندمان کمک کند. این انطباق نه تنها باعث افزایش کارایی می‌شود، بلکه می‌تواند به ایجاد تجربه‌ای مثبت برای کاربران نیز منجر گردد. به همین دلیل، پس از اینکه انطباق چیدمان فضا با محیط به قدر کفایت توسعه پیدا کرد، عملکرد فضا غنا یافته و به تبع، راندمان عملکردی نیز ارتقا می‌یابد. این نکته بسیار مهمی است که به ارتباط بین طراحی فضا و محیط فرهنگی اشاره می‌کند. هنگامی که چیدمان فضا به خوبی با ویژگی‌های محیطی و فرهنگی انطباق پیدا کند، نه تنها عملکرد فضا بهینه می‌شود، بلکه تجربه زیستی نیز بهبود می‌یابد.

در واقع، زمانی که این سه مولفه، انطباق چیدمان فضا با محیط، ارتباط سازمان فضایی با محیط فرهنگی، و راندمان عملکردی فضا به یکدیگر مرتبط و هماهنگ شوند، می‌توان انتظار داشت که تفکیک فضایی به صورت مؤثری شکل بگیرد. این تفکیک می‌تواند به ایجاد هویت‌های معنایی و بصری برای فضاها کمک کند و در نهایت بر کیفیت زندگی و کاربری آن‌ها تأثیر مثبت بگذارد. به طور خلاصه، توجه به این سه مولفه در طراحی فضاها نه تنها به بهبود کارایی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به غنای فرهنگی و اجتماعی فضا نیز بیفزاید. این فرآیند باعث می‌شود که فضاها از لحاظ ظاهری و معنایی به یکدیگر متمایز شوند و تجربه‌ای جامع‌تر و معنادارتر برای کاربران ایجاد کنند.

تفکیک فضایی به معنای ایجاد تمایز و تفکیک در فضاهاست که می‌تواند به معانی و کارکردهای مختلفی منجر شود. این فرآیند تحت تأثیر چندین عامل قرار دارد که شامل انطباق چیدمان فضا با محیط، راندمان عملکردی فضا و ارتباط سازمان فضایی با محیط است. از یک سو، انطباق چیدمان فضا با ویژگی‌های محیطی موجود می‌تواند به ایجاد فضایی مناسب و کارآمد کمک کند. این انطباق نه تنها بر راحتی و آسایش کاربران تأثیر می‌گذارد، بلکه موجب می‌شود که فضا به طور طبیعی با نیازهای انسانی همخوانی داشته باشد.

از سوی دیگر، راندمان عملکردی فضا نیز نقش مهمی در تفکیک فضایی ایفا می‌کند. زمانی که یک فضا به خوبی طراحی شده و قابلیت‌های لازم برای انجام فعالیت‌های مختلف را داشته باشد، می‌تواند به تفکیک مؤثرتر فعالیت‌ها و کارکردها کمک کند. این امر به معنای آن است که هر بخش از فضا می‌تواند هویت خاص خود را پیدا کند و به راحتی قابل شناسایی باشد. در نهایت، ارتباط سازمان فضایی با محیط نیز به تفکیک فضایی کمک می‌کند. این ارتباط می‌تواند شامل تعاملات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی باشد که در فضاها شکل می‌گیرد. زمانی که فضاها به خوبی با یکدیگر و با محیط اطرافشان در ارتباط باشند، قابلیت ایجاد تمایزات فضایی بیشتری را خواهند داشت. به طور کلی، تفکیک فضایی نه تنها به معنای تقسیم فضا به بخش‌های مختلف است، بلکه به ایجاد هویت‌های معنایی و کارکردی برای هر بخش نیز اشاره دارد. این فرآیند می‌تواند به غنای تجربه کاربری و ارتقاء کیفیت زندگی در فضاها منجر شود.

تمایز یافتگی فضایی و تفکیک فضایی به عنوان دو مفهوم کلیدی در طراحی و سازماندهی فضاها، می‌توانند تأثیرات عمیقی بر تعاملات انسانی و کارکردهای اجتماعی داشته باشند. در این راستا، ارتباط سازمان فضایی با محیط فرهنگی به عنوان یک فاکتور مهم در این فرآیند شناخته می‌شود. در ابتدا، این ارتباط ممکن است به صورت خطی در نظر گرفته شود، به این معنا که با افزایش تعاملات و ارتباطات بین سازمان فضایی و ویژگی‌های محیط فرهنگی، تمایز یافتگی فضایی نیز به طور مستقیم افزایش می‌یابد. اما با پیشرفت در طراحی و اجرای فضاها، این رابطه ممکن است پیچیده‌تر شود و به صورت غیرخطی درآید. وقتی که تمایز یافتگی فضایی وارد عمل می‌شود، تغییراتی در نحوه ارتباطات و تعاملات ایجاد می‌گردد. این تغییرات ممکن است به شکل یک الگوی سینوسی ظاهر شوند، به این معنی که در برخی نقاط، انطباق محیط با چیدمان فضایی به حد بالاتری می‌رسد و در برخی دیگر، ممکن است این انطباق کاهش یابد. این تغییرات می‌تواند منجر به ایجاد ابعاد جدیدی از تجربه کاربری شود، به طوری که فضا از حالت دو بعدی یا دو وجهی به حالت‌های پیچیده‌تری مانند سه بعدی یا چهار بعدی تبدیل شود. این ابعاد جدید نه تنها شامل جنبه‌های فیزیکی فضا هستند، بلکه ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را نیز در بر می‌گیرند.

در نتیجه، تمایز یافتگی فضایی می‌تواند به عنوان یک عامل کلیدی در تحول و تکامل سازمان فضایی در ارتباط با محیط فرهنگی عمل کند و باعث ایجاد فضاهایی پویا و چندبعدی شود که به نیازهای متنوع کاربران پاسخ می‌دهد. این نوع طراحی و سازماندهی می‌تواند به غنای تجربه انسانی و تعاملات اجتماعی کمک شایانی کند. نتایج این مقاله حاکی از آن است که الگوی زیستی، به عنوان یک عامل کلیدی در شکل‌گیری، انتظام فضایی

و طراحی کالبدی خانه‌ها، تأثیرات عمیق و شگرفی را بر جای گذاشته است. این تأثیرات می‌توانند شامل موارد زیر باشند: تطابق با محیط، افزایش راندمان عملکردی فضا، ارتقا تعاملات اجتماعی و سازگاری فضاها با محیط فرهنگی و غیره. در نهایت، این مقاله نشان می‌دهد که توجه به الگوهای زیستی در طراحی کالبدی خانه‌ها نه تنها بر زیبایی‌شناسی و عملکرد فضا تأثیر می‌گذارد، بلکه می‌تواند به ارتقاء کیفیت زندگی ساکنان نیز کمک کند.

فهرست منابع

- احمدی، محمد وانصاری، مجتبی و مهدوی نژاد، محمدجواد و بمانیان، محمدرضا. (۱۴۰۰). بازشناسی ساختار فضایی معماری مسکن مبتنی بر سبک زندگی ایرانی. پایان نامه دکتری تخصصی، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- بل، سایمون، و ریسمانچیان، امید. (۱۳۸۹). شناخت کاربردی چیدمان فضا در درک پیکره بندی فضایی شهرها. هنرهای زیبا، (۴۳)، ۴۹-۵۶. SID: <https://sid.ir/paper/463268/fa>
- پوردیهیمی، شهرام. (۱۳۹۰). فرهنگ و مسکن. مسکن و محیط روستا، تابستان ۱۳۹۰، شماره ۱۳۴، صص ۳-۱۸.
- چگنی، فرهاد، دیده‌بان، محمد، حصار، پدram. (۱۴۰۰). شناخت پیکره‌بندی فضایی در خانه های سنتی و معاصر با استفاده از تکنیک نحو فضا (مطالعه موردی: محله صوفیان بروجرد). نشریه علمی اندیشه معماری، ۵(۹)، ۱۶۶-۱۸۳. Doi: 10.30479/at.2020.13095.1490
- حیدری، علی اکبر، الهه، اکبری، آرمان. (۱۳۹۸). مقایسه تطبیقی راندمان عملکردی پیکره‌بندی فضاها در سه نظام خانه با پیمون بزرگ، پیمون کوچک و خرده پیمون با استفاده از روش چیدمان فضا. معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۱۲(۲۸)، ۳۵-۴۸.
- حیدری، علی اکبر، کیایی، مریم. (۱۴۰۲). بررسی تطبیقی کیفیت دسترسی بصری و فیزیکی در الگوی فضایی خانه‌های معاصر و سنتی با استفاده از تکنیک نحو فضا. معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۱۶(۴۲)، ۴۷-۶۲. Doi: 10.22034/aaud.2021.248740.2313
- دوست محمدی، حامد، مهدوی نژاد، محمدجواد، کامیابی، سعید. (۱۴۰۰). معاصر سازی ژنوم معماری ایرانی با استفاده از الگوریتم های ترکیبی، مورد مطالعاتی: مسکن معاصر شهر سمنان. معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۱۴(۳۷)، ۱۵-۲۷. Doi: 10.22034/aaud.2020.236640.2239
- دهقانی، الهام و ایزدی، محمدسعید و کریمی، باقر (۱۴۰۰). تحلیلی بر ساختار کالبدی-فضایی خانه‌های بافت میانه شهرها در تبیین مفهوم همپیوندی با زمینه بر پایه نظریه نحو فضا (نمونه موردی: شهر شیراز)، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی شهری، سال ۱۲، شماره ۴۶، صص ۲۱۵-۱۹۶. Doi: 10.30495/jupm.2021.4271
- راستجو، سیده سولماز، بمانیان، محمدرضا. (۱۳۹۸). گونه شناسی ساختار فضایی خانه معاصر ایرانی با تکیه بر حریمیت و سلسله مراتب (نمونه موردی: خانه های تهران در دهه های ۵۰، ۶۰، ۷۰ و ۸۰). نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، ۲۴(۲)، ۴۹-۵۸. Doi: 10.22059/jfaup.2020.271330.672179
- سعادتی وقار، پوریا، ضرغامی، اسماعیل، قنبران، عبدالحمید. (۱۴۰۰). واکاوی تعامل بین گونه‌های شکلی مسکن سنتی و ارتباطات فضایی با استفاده از ابزار نحو فضا (نمونه موردی: خانه‌های سنتی کاشان) (علمی پژوهشی). مطالعات معماری ایران، ۸(۱۶)، ۱۵۳-۱۷۹. Doi: 10.22052/1.16.153
- سلطانی فرد، هادی، صابری کاریزی، زهرا. (۱۳۹۷). بررسی اثرات پیکره بندی بر کیفیت فضایی پارکهای شهری (مطالعه موردی: پارک‌های شهر مشهد). فصلنامه مطالعات شهری، ۷(۲۷)، ۲۷-۴۰. Doi: 10.34785/J011.2018.006
- سیادتان، سعید رضا؛ محمدرضا پورجعفر، (۱۳۹۳). آزمون کاربرد گراف توجیهی در معماری ایرانی- اسلامی (نمونه های موردی: خانه رسولیان یزد، خانه‌ای در ماسوله)، نشریه نقش جهان، سال چهارم، شماره ۳، صفحه ۲.
- شیخ بهایی، امیر رضا، یگانه، منصور. (۱۳۹۹). تحلیل تطبیقی تأثیر فرهنگ دینی بر الگوهای روابط فضایی در خانه (مطالعه موردی: خانه‌های مسلمان نشین و زرتشتی نشین شهر کرمان). معماری و شهرسازی پایدار، ۸(۱)، ۱۳۵-۱۵۰. Doi: 10.22061/jsaud.2020.5097.1461
- صالح‌صدق پور، بهرام و عظمتی، سعید. (۱۴۰۳). پژوهش در آموزش معماری، تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران (در دست چاپ).
- عطایی، آذین، سهیلی، جمال الدین، ارمغان، مریم، حیدری، علی اکبر. (۱۴۰۱). تبیین اثرپذیری ادراک کیفیت طیف خلوت از پیکره‌بندی فضایی (مورد پژوهی: مقایسه تطبیقی خانه در باغ‌شهرهای دهکده و مهرشهر). (معماری و شهرسازی پایدار: 10(2), 185-200. Doi: 10.22061/jsaud.2022.8810.2022
- قربانی حمیدرضا، نعمتی گیو ثمین، مرادی حسین. (۱۴۰۱). پیکره‌بندی فضایی و چیدمان اجتماعی در معماری شهر سوخته برپایه‌ی رویکرد چیدمان URL: <http://jra-tabriziau.ir/article-۳۰۵-۱-fa.html> پژوهش باستان سنجی، ۸(۱): ۱۱۵-۱۳۴ IV و ساختمان ۲۰ از دوره II, III فضا (نمونه‌های موردی: ساختمان ۱ از دوره
- قوچانی، محیا & عربی، محمد. (۱۳۹۹). شناسایی و اولویت بندی عوامل تأثیرگذار بر روند طراحی و نحو فضا در خانه های سنتی (نمونه موردی: خانه ادب سمنان). پژوهش های باستان شناسی ایران، ۱۰(۲۶)، ۲۳۳-۲۵۴. doi: 10.22084/nbsh.2019.18458.1897
- کیائی، مهدخت، سلطان زاده، حسین، ارمغان، مریم، حیدری، علی اکبر. (۱۳۹۷). بازتاب تحول گفتمان جنسیتی دوره قاجار بر نظام‌های فعالیتی و فضایی خانه‌های اعیانی (مطالعه موردی: خانه‌های اعیانی قزوین). پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، 8(1), 51-73. doi: 10.22059/ijar.2018.70508
- لطیفی محمد، دیبا داراب. (۱۳۹۹). داده‌کاوی ساختار فضایی مسکن بومی قاجار: نمونه موردی: خانه جنگجویان اصفهان. نقش جهان - مطالعات نظری و فناوری های نوین معماری و شهرسازی. ۱۰ (۳): ۱۶۳-۱۷۱.

- لطیفی، محمد & مهدوی‌نژاد، محمدجواد. (۱۴۰۱). معاصر سازی الگوی مسکن بومی اصفهان بر پایه تحلیل روابط غیرشکلی پلان، نمونه موردی: خانه جنگجویان. *مطالعات معماری ایران* 2022.245859.0. doi: 10.22052/jias.2022.245859.0, 11(21), 185-203.
- معماریان، غلامحسین. (۱۳۸۱). نحو فضای معماری. صفحه ۱۲(۲). - معماریان، غلامحسین. (۱۳۸۴). سیری در مبانی نظری معماری، تهران: سروش دانش و معمار.
- مشهدی ابوالقاسم شیرازی، مهدی و داراب، دیبا. (۱۴۰۱). تحلیل الگوهایی غیرشکلی پلان بناهای مسکونی با ارزش شهر تهران در دهه های ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۰: نقش جهان. 3. 97-121.
- منصوری، سید تاج الدین و ضرغامی، اسماعیل. (۱۴۰۱). تبیین رابطه انسان - محیط با استفاده از نقد مبانی نظری نحوفا، <https://civilica.com/doc/1871988>
- ناری قمی، مسعود، و عباس زاده، محمدجواد. (۱۳۹۳). الگویی برای تنظیم رفتار در فضای معماری بر اساس الگوهای ایده آل رفتار کالبد در اسلام (مطالعه موردی: نمازخانه های فرودگاه). *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، (۱۸)، ۵۵-۶۶. <https://sid.ir/paper/177351/fa>
- همدانی گلشن، حامد. (۱۳۹۴). باز اندیشی نظریه "نحو فضا"، رهیافتی در معماری و طراحی شهری؛ مطالعه موردی: خانه بروجردی ها، کاشان. نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، ۲۰(۲)، ۸۵-۹۲. Doi: 10.22059/jfaup.2015.56720
- زارعی، سعیده، یگانه، منصور. (۱۳۹۸). تحلیل ارتباط همگنی و توزیع پذیری با پایداری روابط اجتماعی در فضاهای خانه‌های سنتی ایران (مطالعه موردی: کاشان). *معماری و شهرسازی پایدار*، ۷(۱)، ۹۹-۱۱۱. doi: 10.22061/jsaud.2019.4246.1282
- Al-Mohannadi, A.; Major, M.D.; Furlan, R.; Al-Matwi, R.S.; Isaifan, R.J. Investigation of patial and Cultural Features in Contemporary Qatari Housing. *Urban Sci.* 2023, 7, 60. <https://doi.org/10.3390/urbansci702006>
- Ali, Rahmane & Abbaoui, Messaoud. (2021). The Architectural Genotype Approach in Contemporary Housing (1995 to 2010): The Case Study of Setif, Algeria. *Engineering, Technology & Applied Science Research*. 11. 6810-6818. 10.48084/etasr.4006.
- Aksas, Samiha & Abida, Hamouda. (2023). Placeholder1 (OF THE HABITAT OF THE DECHRAS OF ARRIS BULLETIN OF THE SERBIAN GEOGRAPHICAL SOCIETY 2023. *Glasnik Srpskog geografskog drustva*. 103. 27-44. 10.2298/GSGD2301027A.
- Barkat, Rihane & Bada, Yassine & Guney, Yasemin Ince & Hamzaoui, Hafnaoui. (2020). Using the Space Syntax Analysis to Examine the Spatial Configuration of Houses Layouts and Its Transformation over Time in Biskra City. 47-57. 10.38027/N52020ICCAUA316359.
- Bafna, Sonia (2003), *Space Syntax A Brief Introduction to Its Logic and Analytical Techniques, Environment and Behaviour*, Vol. 35 No. 1, January 2003 17-29, DOI: 10. 1177/0013916502238863, Sage Publications.
- Hillier, B., & Hanson, J. (1984). *The Social Logic of Space*. Cambridge, New York: Cambridge University Press. <http://dx.doi.org/10.1017/CBO9780511597237>
- Hillier, B. (1993). Specifically architectural theory: a partial account of the ascent from building as cultural transmission to architecture as theoretical concretion. *Harvard Architecture Review*, 9, 8-27.
- Hillier, B. (1999). The hidden geometry of deformed grids: or, why space syntax works, when it looks as though shouldn't. *Environment and Planning B: planning and Design*, 26(2), 169-191. <https://doi.org/10.1068/b4125>
- Hillier, B., Hanson, J. and Graham, H. (1987) Ideas Are in Things: An Application of the Space Syntax Method to Discovering House Genotypes. *Environment and Planning B: Planning and Design*, 14, 363-385. <https://doi.org/10.1068/b140363>.
- Kartika Sari, I. (2022). Typology of Pattern Spatial Organization to Finding DNA as Identity in Architecture. *International Journal of Innovation in Engineering*, 2(4), 49-59. <https://doi.org/10.59615/ijie.2.4.49>.
- Monget, Philippe & Veitia, Reiner. (2014). Introduction à la génétique moderne : génomique, épigénétique, clonage, transgénèse, phylogénétique, évolution.

- Rapaport, Amos. (1983). Development, Culture Change and Supportive Design. *Habitat international* 7(5): 249-268. [https://doi.org/10.1016/0197-3975\(83\)90076-0](https://doi.org/10.1016/0197-3975(83)90076-0)
- Sari, I. K.; Nuryanti, W.; Ikaputra, I. Phenotype, Genotype and Environment in Architecture Case Study: Traditional Malay House, West Borneo. *Preprints* 2020, 2020050034. <https://doi.org/10.20944/preprints202005.0034.v1>
- U., Ullah & Din, Misbah & Iftikhar, Aimen. (2022). UNDERSTANDING THE SPATIAL CONFIGURATION OF HOUSING LAYOUTS THROUGH SPACE SYNTAX-FOCUSED ON CASES FROM PAKISTAN. *Journal of Research in Architecture & Planning*. 32. 28-38. 10.53700/jrap3222022_3.
- Vaughan, L(2007), The spatial syntax of urban segregation, *Progress in Planning*, No 67, pp 205–294.

Type of article (research article, review article, promotional article)

Evaluation of effective components in child-centered spaces based on promoting children's creativity from the perspective of experts

Saeed Azemati*: Department of Architecture, East Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Saeed.azemati@iau.ac.ir

Kimia Jamshid Zadeh: Department of Architecture, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Ameneh Akbari: Department of Architecture, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Article Einfo

Received: 10/02/2025

Accepted: 4/3/2025

PP: 50-60

Keywords:

Child-centered space, children's creativity, playfulness, child education

Abstarct

Children are among the most sensitive age groups in society, and during this period of their lives, when the roots of their personality, mental, physical, and social development are taking shape, they need to experience social life on their own scale, and this requires the provision of a childlike and intimate space. The environment affects the child and his personality in various ways and increases his creativity. It is said that children learn knowledge and understanding through interaction with the physical and social environment. The present study aims to evaluate the effect of child-centered spaces on promoting children's creativity. Therefore, this study will be a mixed quantitative and qualitative method. Initially, the effect of child-centered spaces on promoting children's creativity was evaluated through library and field studies. The descriptive-analytical research method was used to analyze them. Then, the components effective in promoting children's creativity were examined. The data obtained were analyzed in the SPSS 26 software. The results show that factors such as encouraging new experiences, supporting interests, interacting with peers, etc. are effective components in promoting children's creativity. Parents play a very important role in their child's creativity. In order to foster creativity in their child, parents must create a positive atmosphere in the family and allow the child to freely "discover the world" and help their child's creativity manifest. As a result, parents can strengthen their children's creativity by supporting their children's specific interests and talents. Playfulness is one of the important tools for strengthening children's creativity. Playfulness not only entertains children, but also plays an important role in strengthening their creativity and developing their skills.

Citation: Azemati,S . Jamshid Zadeh, K. Akbari, A. (2025). Evaluation of effective components in child-centered spaces based on promoting children's creativity from the perspective of experts. *Journal of Architecture and Humanistic Environments*, 1 (1), 50-60.

DOI:



نوع مقاله (علمی-پژوهشی، علمی-مروری، علمی-ترویجی)

ارزیابی مولفه های اثرگذار در فضاهای کودک محور مبتنی بر ارتقاء خلاقیت کودکان از دیدگاه متخصصین

سعید عظمتی: استادیار معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، Saeed.azemati@iau.ac.ir

کیمیا جمشیدزاده: کارشناسی ارشد مهندسی معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

آمنه اکبری خشکدستی: کارشناسی ارشد مهندسی معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

چکیده

اطلاعات مقاله

کودکان جزء حساس ترین گروه سنی جامعه میباشند و در این دوره از سال های زندگیشان یعنی زمانی که ریشه های رشد شخصیتی، ذهنی، جسمی و اجتماعی آنها در حال شکل گرفتن است نیازمند این هستند تا زندگی اجتماعی را در مقیاس خود تجربه کنند و این امر مستلزم فراهم بودن فضایی کودکانه و صمیمانه است. محیط به صورت های مختلفی بر کودک و شخصیت او و بر افزایش خلاقیت او تاثیر میگذارد. گفته میشود از طریق اثر متقابل با محیط فیزیکی و اجتماعی، کودکان دانش و فهمیدن را می آموزد. پژوهش حاضر با هدف ارزیابی تاثیر فضاهای کودک محور در ارتقا خلاقیت کودکان شکل گرفته است. از این رو این پژوهش به روش آمیخته کمی و کیفی خواهد بود. در ابتدا از طریق مطالعات کتابخانه ای و میدانی به ارزیابی تاثیر فضاهای کودک محور در ارتقا خلاقیت کودکان پرداخته شده است. برای تجزیه و تحلیل آنها از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. سپس مولفه های موثر بر ارتقاء خلاقیت کودکان مورد بررسی قرار گرفته است. داده های بدست آمده در نرم افزار SPSS26 مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان می دهد عواملی چون، تشویق به تجربه های جدید، حمایت از علاقه ها، تعامل با هم سن و سالان و ... از مولفه های موثر بر موثر بر ارتقاء خلاقیت کودکان خواهد بود. والدین، نقش بسیار مهمی را در خلاقیت کودک خود دارند. والدین برای پرورش خلاقیت در کودک خود باید جو مثبتی را در خانواده ایجاد کنند و اجازه بدهند که کودک آزادانه به "کشف جهان" پرداخته و به بروز خلاقیت کودک خود کمک کنند. در نتیجه والدین می توانند با حمایت از علایق و استعداد های خاص کودکان، خلاقیت آن ها را تقویت کنند. بازی پذیری یکی از ابزارهای مهم برای تقویت خلاقیت کودکان است. بازی پذیری نه تنها باعث سرگرمی کودکان می شود، بلکه نقش مهمی در تقویت خلاقیت و توسعه مهارت های آن ها دارد.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۴

شماره صفحات: ۶۰-۵۰

واژگان کلیدی:

فضای کودک محور، خلاقیت کودکان، بازی پذیری، آموزش کودک

استناد: عظمتی، سعید، جمشیدزاده، کیمیا، اکبری خشکدستی، آمنه (۱۴۰۳). ارزیابی مولفه های اثرگذار در فضاهای کودک محور مبتنی بر

ارتقاء خلاقیت کودکان از دیدگاه متخصصین. فصلنامه معماری و محیط‌های انسان محور، ۱ (۱)، ۵۰-۶۰.

مقدمه

کودکان، حساس‌ترین و تأثیرپذیرترین گروه سنی جامعه را تشکیل می‌دهند و نیاز دارند تا در مهمترین سال‌های زندگی‌شان که پایه‌های رشد ذهنی، جسمی، شخصیتی و اجتماعی آنها شکل می‌گیرد تا زمانی که وارد شهر شوند، زندگی اجتماعی را در مقیاس خود تجربه کنند نقش محیط و فضاهای رشد و پرورش کودکان در این امر انکارناپذیر است. کودکان به عنوان شهروندانی کاملاً متفاوت، نیاز به رشد و تکامل در یک فضای معماری منطبق بر خصوصیات خود را دارند. کیفیت محیط فیزیکی بر موفقیت کودک تأثیر قابل توجهی دارد. نقاشی‌های کودکان نشان می‌دهد که آنها در تصوراتشان فضا را می‌بینند و آن را با جزئیات در ترسیمات خود بیان می‌کنند و این نشان دهنده برداشت دقیق کودکان از محیط اطرافشان و تأثیر گذاری عمیق محیط بر آنها است (دیواندی، ۱۳۹۷). روانشناسان معتقدند که کودکان می‌توانند مهارت‌های مورد نیاز برای اندیشیدن را از طریق بازی، فعالیت و رابطه متقابل با کل محیط فراگیرند. در حقیقت یکی از تعاملات کودک با محیط پیرامون خود در قالب بازی اتفاق می‌افتد (شاه حسینی، ۱۳۹۶). تجربه زیست محیطی کودکان و نوجوان با بزرگسالان متفاوت است، تحقیقات خاطرات بزرگسالان از مکان‌های دوران کودکی نشان داده است که تجارب دوران کودکی به نظر می‌رسد، بیشتر در مورد بافت و تنوعی از عملکردهای خاص است و بیشتر تجارب بجای بصری، لمسی است (میرزایی، ۱۳۹۹). با به وجود آوردن محیطی که پذیرای اندیشه‌های نوین باشد، ترغیب افراد به لمس، احساس و کنکاش در محیط برای تفکر جدید، صرف وقت برای تشویق خلاق و آموزش افراد برای کسب علم و دانش، میتوان به خلاقیت دست یافت (طباطبائیان، ۱۳۹۴). یافته‌های روانشناسان کودک و محیط حاکی از آن است که رشد ذهنی و هوشی انسان امری اتفاقی و تصادفی نیست، بلکه هماهنگ و هم جهت با سایر ابعاد رشد انسان صورت می‌گیرد همان گونه که بهبود شرایط بهداشتی و تغذیه می‌تواند بر رشد جسمانی فرد مؤثر باشد بهبود شرایط محیطی که کودک در آن زندگی میکند نیز امکان رشد ذهنی و هوشی کودک را فراهم می‌کند. متأسفانه در بسیاری از موارد مشاهده میشود که محیط‌های خاص کودکان بدون توجه به نیازهای واقعی آنان و صرفاً بر اساس تجربیات سلائق و استنباط شخصی طراحان و حداکثر با توجه به خصوصیات روانشناختی مانند ایجاد تنوع رنگ و شکل و نظایر آن صورت می‌گیرد (عظمی، ۱۳۸۶). با توجه به اینکه، کمبود محرک‌های محیطی و نبود امکان تجارب حسی، حرکتی و ذهنی، اثرات نامطلوبی را بر روی رشد روانی و اجتماعی به ویژه بر کودکان می‌گذارند، ارتقای کیفی و غنی‌سازی محیط میتواند در رشد فردی، تعاملات اجتماعی و خلاقیت آنها مؤثر باشد (حبیب، ۱۳۹۵). کودکان نقش مهمی در سلامت جامعه و نسل آینده دارند توجه به مسائل و مشکلات آنها و برطرف کردن نیازهای کمی و کیفی آنها یکی از ضرورت‌های مهم یک کشور می‌باشد. براین اساس پژوهش حاضر با هدف ارزیابی تأثیر فضاهای کودک محور در ارتقا خلاقیت کودکان شکل گرفته است. در پی پاسخ به سوال؛ مولفه‌های مؤثر بر ارتقاء خلاقیت کودکان در فضاهای کودک محور کدامند؟ است.

پیشینه‌ی تحقیق

اولین تحقیقات در زمینه خلاقیت در سال‌های ۱۹۵۰ انجام شد گیلفورد در این دهه اولین کنفرانس را با عنوان خلاقیت در آمریکا برگزار کرد (Pope, ۲۰۰۵). در ایران نیز طی سال‌های اخیر پژوهش‌های بسیاری در این زمینه انجام شده است. کوپایی و همکاران (۱۳۹۳) به ارزیابی نحوه تأثیر مولفه‌های کالبدی بر ارتقاء خلاقیت کودکان در فضاهای بازی پارک‌های شهری پرداختند. طباطبائیان و همکاران (۱۳۹۴) با تحلیلی بر تأثیر محیط‌های ساخته شده بر خلاقیت کودک دریافتند محیط با ویژگی‌هایی نظیر پیچیدگی، تحریک‌کنندگی، انعطاف‌پذیری، بازی‌سازی و ایجادکننده تعامل بین کودکان در افزایش خلاقیت کودکان مؤثر است. حجت و همکاران (۱۳۹۶) بازتعریف فضای بازی کودکان بر مبنای ارزیابی و تحلیل نیازهای آنها از فضای بازی پرداختند. در دیگر پژوهش‌های دیواندی و همکاران (۱۳۹۷) با بهره‌گیری از قابلیت‌های نور و رنگ در فضاهای آموزشی در راستای افزایش خلاقیت کودکان نور و روشنایی را جزئی از ذات زندگی و نقش و جایگاه آن در فضاهای آموزشی و تأثیر آن بر خلاقیت کودکان دانستند. در پژوهشی خلیلی خواهد و همکاران (۱۳۹۹) معیارهای ارتقای سرزندگی خلاق در فضاهای آموزشی مدارس ابتدایی از نگاه متخصصان را بررسی کردند. لشکری و نوی (۱۴۰۲) نیز با تبیین و سنجش سویه‌های تأثیرگذار بر دل‌بستگی به مکان در طراحی مرکز خلاقیت کودکان دریافتند نتیجه سنجش تأثیرگذاری و سنجش سویه‌های تأثیرگذار بر دل‌بستگی به مکان در طراحی مرکز خلاقیت کودکان توسط کودکان نشان داد که به ترتیب این سویه‌ها در اولویت کودکان هستند. در جدول ۱، به صورت خلاصه پژوهش‌های ۱۰ ساله اخیر در زمینه خلاقیت کودکان بررسی شده است.

جدول ۱ بررسی پیشینه پژوهش، منبع: نگارندگان

پژوهشگران	سال	نتایج
۱ طباطباییان و همکاران	۱۳۹۵	محیط های طبیعی با داشتن ویژگی هایی ساختاری چون انسجام، خوانایی، رمز و راز و پیچیدگی که بر روان کودک موثر است.
۲ شهری زاده و مؤیدفر	۱۳۹۶	راهبرد مخاطب قرار دادن کودک در محیط اولویت برتر را داشته که راهکارهایی مانند استفاده از مشارکت و تصمیم گیری کودکان در مورد شهر مطلوب آنها، استفاده از علائم راهنما برای جهت یابی کودکان در محله، استفاده از میلمان در مقیاس کودک و استفاده از رنگ های شاد در فضاهای شهری می تواند در این مهم مؤثر باشد.
۳ کوبایی	۱۳۹۷	مهمترین مولفه های تاثیرگذار بر افزایش خلاقیت کودکان، تنوع، سرزندگی و انعطاف پذیری کالبدی در فضاهای بازی پارک های شهری می باشد.
۴ شفیق پوری وردشاهی و همکاران	۱۳۹۷	اثرات تحریکی در محیط اگر به صورت کنترل شده باشد بر خلاقیت کودک تاثیر میگذارد.
۵ میزایی و همکاران	۱۳۹۹	محیط تاثیر می مستمر و قاطع روی هر موجود زنده دارد، چرا که محیط ارتباط برقرار می کند، برگزینیه های رفتاری تاثیر می گذارد و حواس را به کار می گیرد.
۶ خلیلی خواه و ایرانی بهبهانی	۱۴۰۰	مفاهیم کالبدی-محیطی، ادراکی-تجربی، روانشناختی-ذهنی، اجتماعی و کارکردی محیط بر فضاهای آموزشی مدارس ابتدایی تاثیرگذار می باشد.
۷ صحراگرد و همکاران	۱۴۰۱	قابلیت های خلاقانه کودکان در حوزه پاسخ به مسائل معماری، با هم متفاوت است. از این رو لازم است قبل از شروع فرآیند مشارکتی، معمار آن دسته از قابلیت های کودک که می تواند در تولید آثار معماری مشارکتی اثر بخش باشد را مورد سنجش و ارزیابی قرار دهد، تا بستر ورود کودکان خلاق تر به فرآیند طراحی، فراهم شود.
۸ خیراللهی و همکاران	۱۴۰۱	سطح توانایی کودکان در اظهار نظر پیرامون مسائل مطرح شده با آنها، با هم متفاوت است.
۹ نوری و لشکری	۱۴۰۲	نتیجه سنجش تاثیرگذاری و سنجش سویه های تاثیرگذار بر دل بستگی به مکان در طراحی مرکز خلاقیت کودکان توسط کودکان نشان داد که به ترتیب اسن سویه ها در اولویت کودکان هستند.

ادبیات و مبانی نظری

فضای کودک محور

کودکان، حساسترین و تأثیرپذیرترین گروه سنی جامعه را تشکیل میدهند و نیاز دارند تا در مهمترین سالهای زندگیشان که پایه های رشد ذهنی، جسمی، شخصیتی و اجتماعی آن ها شکل میگیرد تا زمانی که وارد شهر شوند، زندگی اجتماعی را در مقیاس خود تجربه میکنند. از نکات بسیار مهم در طراحی برای کودکان، دیدن کودک همزمان با دوره طراحی است. عوامل زیبایی شناسی در فضایی که برای کودک طراحی میشود، باید به گونه ایی او را ترغیب کند محیط باید شاد و سرشار از انرژی با توجه به گروه سنی باشد و توسط رنگها و احجام قابل لمس باشد. کیفیت محیط فیزیکی بر موفقیت کودک تاثیر قابل توجهی دارد (دیواندی، ۱۳۹۷). ایده نگاه به کودکی از غرب و در اواخر قرن ۱۷ میلادی صورت گرفته است. جان لاک معتقد است که تجربه های نخستین آدم عمیقاً بر زندگی بعدی او اثر میگذارند و بر همین اساس بر نقش اهمیت پرورش تاکید میکند، کودکان در مقایسه با بزرگسالان جهان را به طور دیگری میبینند. کودکان محیط پیرامون خود را تغییر می دهند تا وضعیت خوشان را بهبود ببخشند. برخلاف بزرگسالان که محیط را از طریق فرم درک میکنند، جنبه هایی از محیط برای کودکان مهم است که بتوان محیط را بر اساس کاربری های مختلفی که به آن میدهند، تغییر دهند (میزایی، ۱۳۹۹). دغدغه اصلی طراحان، معیارهای طراحی فضاهایی است که به صورت اختصاصی برای کودکان طراحی میشوند. زیرا معماری برای کودکان با دریافت کودکانه نسبت مستقیمی دارد. مسائلی نظیر مقیاس فیزیکی کودک، و اینکه از چه ارتفاعی به دنیا و محیط پیرامون نگاه میکند. کودکان حق دارند در مسائل مربوط به خود اظهار نظر کنند (به نیا ۱۴۰۰). اگر در تعریف رفتار و کیفیت فضا به نیاز های کودک از جمله بازی بی اعتنایی شود، رفتار کودک مخرب، خطرناک و غیر قابل تفسیر میشود اما هنگامی که بازی حق مشروع کودک در فضا شناخته شود، گامی برای خلق فضای دوستدار کودک برداشته شده است (مردمی ۱۳۹۲).

خلاقیت کودکان

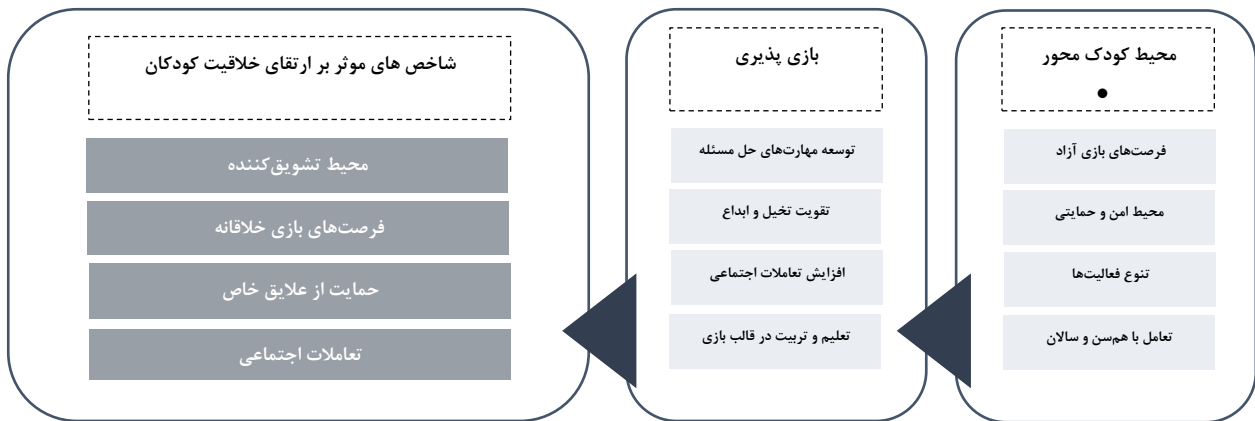
گروهی خلاقیت را مفهومی شناختی می انگارند که با فرآیند های عالی ذهن نظیر تفکر، هوش، تخیل و پردازش اطلاعات تعامل دارد و عده ای نیز آن را مفهومی چند بعدی می دانند که مجموعه ایی از عوامل شناختی بر آن موثر است. به عبارتی خلاقیت را متاثر از تاثیرات محیطی میدانند (موید

فر، ۱۳۹۶). بنا به اعتقاد دیکت، تفکر خلاق به افکار مدلل و موثر نیازمند است و فرآیند ادراک برای ایجاد ایده های خلاقانه، برخاسته از ضمیر نا خودآگاه شخص نیست، بلکه ذهن مجموعه ایی از افکار و ایده های قدیمی را در قالب ایده های نو تغییر شکل داده و تکمیل میکند (دیکت، ۲۰۰۳). گاردنر معتقد است، خلاقیت از سنین پایین تر آغاز میشود. او کودکان پیش دبستانی را دارای خلاقیت هنر گرایانه می داند که با ورود به مدرسه وارد مرحله سوادآموزی شده و در نتیجه خلاقیت هنری کودکان کاهش میابد. خلاقیت بیشتر با پرورش در ارتباط است تا آموزش (طباطبائیان، ۱۳۹۷). باور کردن روح کاوش و تقویت فرآیند تفکر و خلاقیت هر فرد، در دوران کودکی امکان و و تأثیر بیشتری دارد. هر چه سن او بالا می رود با اضافه بار اطلاعاتی که از محیط بر ذهن وارد میشود. دامنه پاسخ ها کوچکتر میگردد و به آنچه در حافظه ثبت شده محدود میشود. لذا اگر این زمینه ساز و شکوفایی خلاقیت در کودکی صورت پذیرد، اثر آن میتواند کل دوران زندگی را در بر گیرد (دیواندی، ۱۳۹۷). مبنای پرورش قوهی خلاقیت در کودک، تخلیلات وی می باشد؛ تخیل نوعی فعالیت خلاق است که در آن مقایسه، استدلال، تصور ذهنی با تعیین قدر و درجه وجود دارد. تخیل خلاق در دوران کودکی به سرعت پرورش می یابد و در نوجوانی به اوج خود می رسد. کنجکاوی، بازی و خیال پردازی کودکان در ارتقای خلاقیت آنان مؤثر است. بازی علاوه بر انگیزش خلاقیت، باعث ارتقاء سطح تعاملات اجتماعی آنان نیز میگردد بر اساس نظریه ی ژان پیاژه بازی باعث پیشرفت رشد شناختی و خلاقیت میشود و به نقل از مورلیس، تخیل و خلاقیت در بازی عمیقاً ریشه دارند. بازی انعطاف پذیری و مهارت های حل مسئله را که برای خلاق بودن لازم است تقویت می کند و روحیه ی بازی به تخیل پرو بال میدهد (حبیب ۱۳۹۳).

محیط به صورت های مختلفی بر کودک و شخصیت او و بر افزایش خلاقیت او تاثیر میگذارد. گفته میشود از طریق اثر متقابل با محیط فیزیکی و اجتماعی، کودکان دانش و فهمیدن را می آموزد (طباطبائیان، ۱۳۹۴). تحقیقاتی که زیر مجموعه علوم اکو رفتاری، روانشناسی اکولوژیک و در نهایت روانشناسی محیط بودند، وجهی فراموش شده از روانشناسی معرفی شد که بر خلاف گذشته هنگام بررسی، انسان را از محیطش جدا نمیکرد. در این شاخه از روانشناسی هدف تحقیق علمی رفتار تحت شرایط طبیعی آن است. در روانشناسی محیط اصل بر این است که رفتار انسان را نمیتوان بدون توجه به قرارگاه فیزیکی و به طور جداگانه مورد بررسی قرار داد. ساختار محیط فیزیکی روی یادگیرندگان تأثیر گذار است. تجربه کودک با محیط الزاماً شامل عمل کودک بر روی محیط نیست. بلکه تابع چیزهایی است که کودک در کنش متقابل خود با محیط آموخته است. در حقیقت هم میتوان محیط را شکل داد و هم میتواند به انسان شکل دهد، قضاوت کودکان درباره محیط طبیعی از طریق زیباشناسی محیط نیست بلکه چگونگی تعامل آنها با محیط است (شاه حسینی، ۱۳۹۶).

بازی پذیری

بازی ابزار اساسی کودک برای کاوش جهان، محیط اطرافش، فردیت و روابط فیزیکی و احساس خود بودن است، در طول بازی، کودکان یک درک واقعی از واقعیت و جهان پیرامونشان به دست می آورند (staempfli, 2009). برای بررسی محیط بازی جهت افزایش خلاقیت کودکان ابتدا به تعریف بازی پرداخته میشود. بازی کودکان عبارت است از تلاش برای لمس و حس دنیا و تحت کنترل در آوردن و آشنا شدن با آن. تحقیقات نشان می دهند که انگیزش خلاقیت با میزان بازی کودکان پیش دبستان رابطه مستقیم دارد، زیرا تحرک، اولین راه فعالیت، بیان، یادگیری و پیشرفت است (طباطبائیان، ۱۳۹۷). بازی پذیری کودکان برای ارتقاء خلاقیت آنها بسیار مهم است. بازی هایی که کودکان را به اندازه های مختلفی از خلاقیت و تفکر کمک می کنند، می توانند به شکل های مختلفی از جمله بازی های هنری، بازی های مدل سازی، بازی های موسیقی، و حتی بازی های مربوط به حل مسئله ها و تحقیقات انجام شوند. این نوع بازی ها کودکان را به انجام فعالیت هایی که نیاز به خلاقیت و تفکر استثنایی دارند، تشویق می کنند. بازی های خلاقانه مانند نقش آفرینی و ساختن داستان ها باعث توسعه تخیل و نوآوری کودکان می شوند. این نوع بازی ها کودکان را تشویق می کنند تا به جای استفاده از اسباب بازی های آماده، خودشان وسایل بازی را ایجاد کنند و داستان های جدید بسازند. از طرفی بازی های گروهی و تعاملی کودکان را به همکاری، مذاکره، و اشتراک گذاری ایده ها تشویق می کنند. این مهارت ها برای توسعه خلاقیت ضروری هستند، زیرا بسیاری از پروژه های خلاقانه نیاز به همکاری و همفکری دارند. تحقیقات مختلف نشان داده اند که بازی پذیری کودکان با توسعه خلاقیت و مهارت های دیگر آنها رابطه مستقیم دارد. مطالعه ای در مجله "چایلد دیولپمنت" نشان داده که کودکان که در بازی های خلاقانه شرکت می کنند، مهارت های اجتماعی و حل مسئله بهتری دارند.



تصویر ۱ مدل مفهومی پژوهش، منبع: نگارندگان

مواد و روش تحقیق

پژوهش حاضر به روش آمیخته کمی و کیفی است. در ابتدا از طریق مطالعات کتابخانه ای و میدانی به ارزیابی تاثیر فضاهای کودک محور در ارتقا خلاقیت کودکان پرداخته شده است. برای تجزیه و تحلیل آنها از روش تحقیق توصیفی- تحلیلی استفاده شده است. سپس مولفه های موثر بر ارتقاء خلاقیت کودکان مورد بررسی قرار گرفته است. برای ارزیابی عوامل موثر بر ارتقاء خلاقیت کودکان و در محیط های کودک محور و به جهت تکمیل اطلاعات به دست آمده از پیشینه موضوع و نظریات دانشمندان، در ادامه با تکنیک مصاحبه بازپاسخ به طوری که با ۱۲ نفر متخصص معماری، شهرسازی، جامعه شناسی و روانشناسی مصاحبه صورت پذیرفت تا جنبه های تکمیلی اطلاعات به دست آید. در مرحله دوم از روش نظریه زمینه ای با تکنیک کدگذاری باز به تحلیل مصاحبه ها پرداخته شد تا تمامی جوانب موضوع بررسی معیارهای موثر در تحقیق به دست آمد سپس ابزار پژوهش ساخته شد که شامل جدول هدف محتوا و پرسشنامه می باشد. در این مرحله متخصصان پیوستارها را کنترل کرده و پس از تایید به ایجاد پرسش نامه محقق ساخته به جهت بررسی مولفه ها و تحلیل نتایج پرسشنامه منجر شد. هدف از تدوین این پرسشنامه بررسی مفاهیم، معیارها و مولفه های موثر بر خلاقیت کودکان است به طوری که سنجش های ارزیابی به صورت کمی تعیین شده و در ماتریس مربوطه جمع آوری شوند. پرسشنامه ها به صورت الکترونیکی بین متخصصین پخش شده و در نهایت پاسخ ها جمع آوری گردید. با استفاده از داده های پرسشنامه و نرم افزار spss26 و بهره گرفتن از آزمون پیرسون جهت بررسی نرمال بودن داده ها و ضریب همبستگی جهت بررسی رابطه موجود بین متغیرها اقدام به تحلیل آماری گردید.

بحث و یافته های تحقیق

تحلیل داده های کمی

در این بخش داده های جمع آوری شده از پرسشنامه ها که در راستای شناسایی و بررسی عوامل موثر بر فضاهای کودک محور در ارتقا خلاقیت کودکان توزیع شده بود، مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار می گیرد. در این پژوهش برای ارزیابی میزان پایایی ابزارهای تحقیق از روش همسانی درونی یا آلفای کرونباخ استفاده شده است. منظور از پایایی پرسشنامه، خطای اندازه گیری در نمونه های حاصل شده از پرسشنامه است. همان طور که مشخص است مقدار این آماره بیشتر از ۰/۷ می باشد که این امر بیانگر پایا و مورد اطمینان بودن پرسشنامه مورد نظر به منظور تحلیل های بعدی می باشد.

آزمون فریدمن

در این پژوهش به منظور سنجش آرای افراد و رتبه بندی میزان اهمیت هریک از مولفه های اثرگذار بر ارتقا سطح خلاقیت کودکان، از آزمون فریدمن استفاده شده است. در تفسیر نتایج آزمون فریدمن، برای این که پی ببریم آیا تفاوت میانگین آرای افراد از مولفه ها معنادار است یا خیر، باید از نتایج جدول (Test-statistics) استفاده کنیم.

جدول ۲ پایایی پرسشنامه، منبع: نگارندگان

پایایی تحلیل‌های آماری	
تعداد آیتم‌ها	آلفای کرونباخ
36	0.962

جدول ۳ آزمون فریدمن، منبع: نگارندگان

N	100
Chi-Square	425.432
df	36
Asymp.sig	0.00

آزمون فریدمن علاوه بر معناداری، تفاوت یا عدم تفاوت میانگین رتبه مولفه‌ها از دیدگاه افراد پاسخگو، به اولویت بندی معیارها از دیدگاه افراد بین این مولفه‌ها می‌پردازد. برای رسیدن به این منظور می‌توانیم از نتایج جدول (تحت عنوان Ranks) استفاده کنیم. نتایج در جدول (۴) نشان داده شده است.

جدول ۴ اولویت بندی مولفه‌های اثرگذار بر ارتقاء خلاقیت کودکان براساس آزمون فریدمن، منبع: نگارندگان

میانگین رتبه	مولفه‌ها
5.83	علاقه
5.68	تعامل
4.99	کالبد
4.55	اجتماع
4.34	فعالیت
4.26	مهارت

مبتنی بر یافته‌های پژوهش، بین مولفه‌های موثر بر خلاقیت کودکان در فضاهای کودک محور اختلاف معنادار وجود دارد، یافته‌ها نشانگر آن است که از دیدگاه افراد شرکت کننده در پژوهش، علائق را مهمترین معیار اثرگذار بر خلاقیت کودکان دانسته و پس از آن شاخص‌های تعامل، کالبد و اجتماع جای دارند که بترتیب بالاترین میانگین رتبه را به خود اختصاص داده‌اند. در ادامه باتوجه به داده‌های بدست آمده به منظور سنجش رابطه بین مولفه‌های موثر بر خلاقیت کودکان در فضاهای کودک محور با یکدیگر از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

جدول ۵ خلاصه مدل، منبع: نگارندگان

مدل	ضریب هم بستگی	ضریب تعیین	ضریب تعدیل شده	خطای برآورد
۱	۰,۸۴۳	۰,۵۵۱	۰,۵۴۰	۰,۸۰۹۲

نتایج حاصل از جدول ۵ نشان می‌دهد که مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیرها ۰/۸۴۳ می‌باشد که این نشان می‌دهد بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته پژوهش، همبستگی بسیار قوی وجود دارد و از سوی دیگر مقدار ضریب تعدیل شده (R Square) برابر است

با ۵۴۰/۰ درصد که نشان دهنده این است که ۵۴/۱ درصد از مفاهیم ارتقاء خلاقیت کودکان توزیع به ۶ مولفه کلی مورد بررسی شامل علایق، تعامل، کالبد، اجتماع، فعالیت و مهارت وابسته می باشد. جدول ۶ آزمون مربوط به جدول ANOVA است که برازندگی مدل را بررسی می کند.

جدول ۶ ANOVA، منبع: نگارندگان

سطح معنی داری	F آماره	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	مدل
۰,۰۰	۵,۶۳۴	۳,۶۲۱	۷	۲۴,۰۲۱	رگرسیون خطی
		۰,۵۲۱	۱۹	۱۱,۴۲	باقی مانده (خطا)
			۲۱	۳۱,۵۴۱	کل

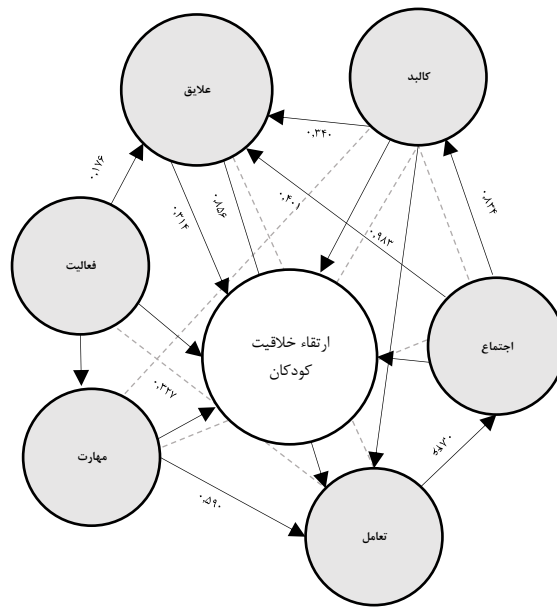
با توجه به معنادار بودن مقدار آزمون F در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۰۲ می توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی تحقیق مرکب از چهار متغیر مستقل و دو متغیر وابسته مدل مناسبی است و مجموعه متغیرهای مستقل قادرند معیارهای ارتقاء خلاقیت را تبیین کنند.

جدول ۷ ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین مولفه های موثر بر خلاقیت کودکان در فضاهای کودک محور، منبع: نگارندگان

مهارت	فعالیت	اجتماع	کالبد	تعامل	علایق	معیارهای موثر بر ارتقاء سطح امنیت کودکان
					۱	علایق
				۱	*۰,۸۸۳	تعامل
			۱	*۰,۹۷۵	*۰,۹۲۱	کالبد
		۱	*۰,۸۱۶	**۰,۵۶۵	*۰,۵۳۲	اجتماع
	۱	**۰,۴۳۱	**۰,۴۹۲	**۰,۵۴۳	*۰,۵۶۲	فعالیت
۱	**۰,۸۷۰	**۰,۶۵۱	**۰,۷۸۹	**۰,۴۵۳	*۰,۸۷۶	مهارت

**p<0.01 و *p<0.05

باتوجه به یافته های جدول ۷، مشاهده می شود که بین ابعاد کلی موثر بر خلاقیت کودکان رابطه دو سویه ای برقرار می باشد، به معنای آن است که توجه به شاخص های علایق، تعامل، کالبد، اجتماع، فعالیت و مهارت در فضاهای کودک محور سبب ارتقاء سطح خلاقیت در کودکان می گردد. نمودار ۱ نشانگر ارتباطات دوسویه هریک از مفاهیم موثر بر خلاقیت کودکان در فضاهای کودک محور با یکدیگر است.



نمودار ۱ روابط همبستگی بین مولفه های موثر بر خلاقیت کودکان در فضاهای کودک محور، منبع: نگارندگان

نتیجه گیری

در بررسی ادبیات خلاقیت و نحوه بروز و پرورش آن، پرواضح است که تعداد اندکی از تحقیقات به مسئله محیط و تأثیر آن در شکل گیری خلاقیت اشاره داشته‌اند که این موضوع لزوم تحقیقات بیشتر در این زمینه را خاطر نشان می‌سازد. در جمع بندی مطالب گفته شده و پاسخ به پرسش اصلی پژوهش: مولفه های موثر بر ارتقاء خلاقیت کودکان در فضاهای کودک محور کدامند؟ می‌توان گفت، عواملی چون، تشویق به تجربه‌های جدید، حمایت از علاقه‌ها، تعامل با هم‌سن و سالان و ... از مولفه های موثر بر موثر بر ارتقاء خلاقیت کودکان خواهد بود. امروزه مسئله و موضوع قابل توجه در حوزه رشد شناختی کودکان این است که آنها به جای ماجراجویی در محیط پیرامون، به دنبال ماجراجویی در تخیل، افسانه‌ها و تقلید از تلویزیون و بازی‌های کامپیوتری هستند و حاصل سخن اینکه کودکان دوران کودکی تصنیی را سپری می‌کنند که دقیقاً و تحقیقاً توسط بزرگسالان ساخته و پرداخته شده است. مهم‌ترین پیامد منفی این نحوه از رشد کودکان این است که نمی‌توان از آنها انتظار انسانی خلاق و کنجکاو داشت. کودکان نیاز به محیطی دارند که تشویق‌کننده باشد و آنها را به تجربه‌های جدید و متفاوت دعوت کند. بازی‌های خلاقانه و آزاد به کودکان اجازه می‌دهند تا از تخیل خود استفاده کنند و ایده‌های جدید را بیازمایند. والدین، نقش بسیار مهمی را در خلاقیت کودک خود دارند. والدین برای پرورش خلاقیت در کودک خود باید جو مثبتی را در خانواده ایجاد کنند و اجازه بدهند که کودک آزادانه به "کشف جهان" پرداخته و به بروز خلاقیت کودک خود کمک کنند. والدین اگر خواهان کودکی موفق "باهوش"، "بانشاط" و "زیرک" هستند باید تا جایی که می‌توانند به کودک خود توجه کنند. اولین رکن مهم در ایجاد خلاقیت کودک داشتن "والدین همراه" هست. در نتیجه والدین می‌توانند با حمایت از علایق و استعدادها خاص کودکان، خلاقیت آنها را تقویت کنند. بازی‌پذیری یکی از ابزارهای مهم برای تقویت خلاقیت کودکان است. بازی‌پذیری نه تنها باعث سرگرمی کودکان می‌شود، بلکه نقش مهمی در تقویت خلاقیت و توسعه مهارت‌های آنها دارد. جامعه امروز برای انجام فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور به تربیت کودکان خلاق نیاز دارد. یکی از عوامل پرورش این امر فراهم آوردن محیطی مناسب برای بازی است. در نتیجه در این راستا ارتباط کودکان با محیط بازی و شرایطی که محیط در حین بازی فراهم می‌آورد، می‌تواند آنها را در جهت پیشرفت رشد فکری و خلاقیت هدایت کند.

فهرست منابع:

- میرزائی، رضا، و صیادارابی، خدیجه. (۱۳۹۹). طراحی مرکز دوستدار کودک با در نظر گرفتن پرورش خلاقیت کودکان؛ نمونه موردی: شهر مشهد. شباک، ۶(۲ (پیاپی ۵۳))، ۱۲۷-۱۴۰.
- دیواندی، جواد، و بزرگ قمی، لیلا. (۱۳۹۷). بهره گیری از قابلیت های نور و رنگ در فضاهای آموزشی در راستای افزایش خلاقیت کودکان. معماری شناسی، ۱(۶)
- طباطباییان، مریم، عباسعلی زاده رضاکلایی، ساناز، و فیاض، ریما. (۱۳۹۵). بررسی تاثیر طبیعت بر خلاقیت کودک. معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۱۷(۱)، ۹۱-۱۰۲.
- شفیع پوریوردشاهی، پریا، کیانی، مصطفی، و طباطبائی، مریم. (۱۳۹۷). نقش طراحی فضای بازی در پرورش خلاقیت کودکان. معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۲۳(۲)، ۵۳-۶۳.
- حجت، عیسی، و شاه حسینی، صفیه. (۱۳۹۷). بازتعریف فضای بازی کودکان بر مبنای ارزیابی و تحلیل نیازهای آن ها از فضای بازی با رویکرد ارتقاء خلاقیت. مرمت و معماری ایران (مرمت آثار و بافت های تاریخی فرهنگی)، ۸(۱۵)، ۴۱-۵۷.
- کوپایی، گلرخ، نقی زاده، محمد و حبیب، فرح. (۱۳۹۵). تاثیر عوامل کالبدی فضاهای بازی بر خلاقیت کودکان ۶ تا ۱۲ سال در پارکهای شهری. فصلنامه مطالعات شهری، ۶(۲۱)، ۳۹-۵۰.
- مردمی، کریم و ابراهیمی، سیما. (۱۳۹۳). بازی انگیزی، راهبرد طراحی محیط های یادگیری. معماری و شهرسازی ایران (JIAU)، ۵(۱).
- کوپایی، گلرخ، نقی زاده، محمد، و حبیب، فرح. (۱۳۹۷). ارزیابی نحوه تاثیر مولفه های کالبدی بر ارتقاء خلاقیت کودکان در فضاهای بازی پارک های شهری. معماری و شهرسازی ایران، ۹(۱۵)، ۲۱-۳۱.
- فلاحی، علیرضا، و گمینی اصفهانی، هدیه. (۱۳۹۶). برنامه ریزی و طراحی معماری فضاهای دوستدار کودک در فرایند بازسازی پس از زلزله بم. مسکن و محیط روستا، ۳۶(۱۵۸)، ۶۳-۷۶.
- خلیلی خواه، سارا، ایرانی بهبهانی، هما، عزیزی، شادی و هاشم نژاد شیرازی، هاشم. (۱۴۰۰). معیارهای ارتقای سرزندگی خلاق در فضاهای آموزشی مدارس ابتدایی از نگاه متخصصین. نشریه علمی اندیشه معماری، ۵(۹)، ۲۳۲-۲۴۹.
- به نیا، بهنام، خیراللهی، مهران، صحراگرد، مهدی و سلطانی فر، عاطفه. (۱۴۰۱). معرفی ابزار سنجش سطح خلاقیت کودکان مشارکت کننده با معمار، در فرایند طراحی معماری برای کودکان. نشریه علمی اندیشه معماری، ۶(۱۱)، ۲۱۳-۲۴۰.
- لشکری، غزاله و نوری، مریم، ۱۴۰۲، تبیین و سنجش سویه های تاثیرگذار بر دل بستگی به مکان در طراحی مرکز خلاقیت کودکان (نمونه موردی: کودکان ۶ تا ۱۰ سال ساکن محله شهرک غرب شهر تهران).
- شهری زاده، صدف و مویدفر، سعیده، ۱۳۹۶، برنامه ریزی راهبردی شهر دوستدار کودک با تاکید بر خلاقیت کودکان (نمونه موردی: شهر یزد). عابدی، سمیه، عباسی، زهرا و ضیافت، حسن. (۱۳۹۹). تبیین نقش فضاهای شهری دانش بنیان در پرورش خلاقیت کودکان با تاکید بر پارک های علم و فناوری. مطالعات هنر اسلامی، ۱۶(۳۷)، ۱۹۴-۲۱۰.
- قدرتی، زهراسادات، درویش، بهروز و بلانیا، ندا. (۱۴۰۲). بررسی شاخص های تاثیرگذار بر طراحی دبستان و مرکز خلاقیت کودکان با تاکید بر ارتقا خلاقیت محیطی و افزایش مهارت های اجتماعی در کودکان. معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۱۶(۴۳)، ۱۷۷-۱۹۴.
- مظفر، فرهنگ، حسینی، سیدباقر، باقری، محمد و عظمتی، حمیدرضا. (۱۳۸۶). نقش فضاهای باز محله در رشد و خلاقیت کودکان. باغ نظر، ۴(۸)، ۵۹-۷۲.
- کریمی آذری، امیررضا و حسینی، سیدباقر و صالح صدق پور، بهرام و حسینی دهشیری، افضل السادات، ۱۳۹۵، اصول طراحی فضای مسکونی، با رویکرد ارتقاء خلاقیت کودکان ۷-۳ ساله در ایران (نمونه موردی: شهر تهران - منطقه ۴)
- طباطباییان، مریم، عباسعلی زاده رضاکلایی، ساناز، و فیاض، ریما. (۱۳۹۵). تحلیلی بر تاثیر محیط های ساخته شده بر خلاقیت کودک (بررسی ویژگی های محیطی موثر بر خلاقیت کودک در مراکز کودک تهران). باغ نظر، ۱۳(۴۳)، ۱۷-۳۶.
- حسینی فریده سادات، احمدشاهی طیبیه، رجبی سوران. اثربخشی بازی های شناختی رایانه ای بر کارکردهای اجرایی و خلاقیت کودکان پیش دبستانی. فصلنامه روانشناسی شناختی. ۱۳۹۹؛ ۸(۳): ۵۲-۷۰
- سلطانی، مریم. (۱۳۹۶). بررسی نقش مربی در افزایش خلاقیت کودکان. همایش ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران (اولین همایش بین المللی و سومین همایش ملی).

- رحیمی پردنجانی سعید، نجاتی فر سارا. اثربخشی بازی‌های آزاد بر خلاقیت کودکان پیش‌دبستانی پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری ۱۴۰۱: ۷ (۵۵): ۱۷۶-۱۶۲
- فروزان فر، فریبا. (۱۳۹۴). اثربخشی بازی‌های گروهی بر خلاقیت کودکان. کنفرانس ملی آینده پژوهی، علوم انسانی و توسعه.
- رضایی، سیده الهام، محمودی، امیر سعید و رحمانپور زنجانی، علی. (۱۴۰۲). مؤلفه‌های کالبدی فضاهاى آموزشى و شاخص‌های سیالیت تفکر، بسط و اکتشاف در فرآیند خلاقیت کودکان. نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، ۲۸(۳)، ۶۱-۷۳.
- فرچوند، محسن، ترابی، زهره و شهبازی، مجید. (۱۴۰۳). شناسایی مهمترین مولفه‌های طراحی محیط تعاملی بر ارتقا میزان خلاقیت کودکان. رویکردی نو بر آموزش کودکان، ۶(۴)، ۲۶۱-۲۷۴
- حیدری نیا، مهناز و پاراهلدا، ان. ان. (۱۴۰۱). تأثیر والدین بر سطح بازی و خلاقیت کودکان پیش‌دبستانی در هند. فصلنامه ایرانی آموزش و پرورش تطبیقی، ۵(۴)، ۲۲۱۰-۲۲۲۷
- انصاری، مریم، کلاتنری، اعظم و محمودی، سیروس. (۱۴۰۳). تأثیر آموزش کارآفرینی بر مهارت اجتماعی و خلاقیت کودکان پیش‌دبستانی ۵ تا ۶ ساله. تفکر و کودک
- عباس پور، کوثر، اقدسی، محمدتقی، و فتاحی رضائی، زهرا. (۱۴۰۰). اثربخشی زمینه‌ی محیطی از دیدگاه بوم شناختی بر رشد حرکتی و خلاقیت کودکان. اندیشه‌های نوین تربیتی، ۱۷(۲)، ۲۴۹-۲۷۳.
- جمالی، بهروز، محمدکاظمی، رضا، و شهبازی، مهدی. (۱۳۹۸). مقایسه تاثیر بازی‌های کششی بر خلاقیت کودکان دختر و پسر پیش‌دبستانی. مجله علوم روانشناختی، ۱۸(۸۲)، ۱۱۳۱-۱۱۳۶.
- سلیمانی، سارا، و خیری، مبینا. (۱۴۰۰). فرا تحلیلی کیفی بر ویژگی‌های محیطی موثر بر خلاقیت کودکان در مدارس و آموزشگاه‌ها. مدیریت مدرسه، ۹(۲) ۳۰۱-۳۲۹
- شاه حسینی، صفیه و تقفی، محمودرضا. (۱۳۹۷). محیط محرک خلاقیت در باشگاه کودک. منظر، ۱۰(۴۴)، ۲۴-۳۹
- حسینی، فریبا، محمودی، غلامرضا، و تهرانی، ندا. (۱۳۹۲). اثربخشی لگو آموزشی بر افزایش هوش عملی و خلاقیت کودکان پیش‌دبستانی. تحقیقات روانشناختی، ۵(۲۰).

Type of article (research article)

Investigating the Sense of Belonging to Place in Children's Educational Environments (Age Group 4 to 5 Years)

Shirin Mirshokraei: PhD Student and Teaching Assistant in Architecture, Islamic Azad University, Professor Farshchian Branch, Tehran, Iran, Postal address: Tehran, Saadat Abad, North Allameh, East 18th Street, No. 22, Unit 10, Phone number: 09120031654, Email: shirinmirshokraei1360@gmail.com

Mitra Kalantari: Assistant Professor, Department of Architecture, Islamic Azad University, Professor Hesabi Branch, Tafresh, Iran, Postal address: Tafresh, Moalem Square, Moein Abad Road, Islamic Azad University Complex, Tafresh Branch, Tafresh, Iran, P.O. Box: 39515-164, Phone number: 09325924010, Email: mitra.kalantari@iau.ac.ir

Article Info

Received: 14/01/2025
Accepted: 4/3/2025
PP:61-79

Keywords:

Sense of belonging to the place, Children's educational environment, Attachment to the place, Environmental psychology

.bstarct

Introduction: Human perception of the environment is a core concept in environmental psychology, significantly influencing individuals' behaviors and emotions. Physical conditions in environments can impact place attachment, particularly in educational spaces, which play a crucial role in shaping children's personalities and behaviors.

Methodology: This research follows a grounded theory approach in a case study format. Data collection methods include a literature review, questionnaire design, and interviews with experts in architecture and environmental psychology. Snowball sampling was employed online, and the sample size was calculated using the Cochran method.

Results and discussion: The results showed that the proper design of educational spaces using cheerful colors, creating diverse play areas, incorporating greenery, and adding audio-visual elements can strengthen children's sense of place attachment. These factors also positively impact children's creativity and engagement with the environment.

Conclusion: This study emphasizes the importance of designing educational environments that enhance children's sense of place attachment. Properly designed educational spaces not only influence children's behavior but also foster creativity and social interactions. The research suggests that designers and educators should pay closer attention to these environmental factors to create more suitable spaces for children's growth and development.

Citation: Mirshokraei,SH . Kalantari, M. (2025) Investigating the Sense of Belonging to Place in Children's Educational Environments (Age Group 4 to 5 Years) . Journal of Architecture and Humanistic Environments, Volume 1(1), 61-79.

DOI:

Extended Abstract

Introduction: Human perception of the environment is one of the core subjects in environmental psychology. Research has demonstrated that physical environmental conditions significantly influence the behavior of its inhabitants. Additionally, the sense of place attachment plays a vital role in fostering normative or deviant behaviors, enhancing creativity, and contributing to an individual's emotional and cognitive development. According to John Lang's theory, modifications in the built environment can directly lead to behavioral changes. This premise underscores the critical impact of various physical spaces, especially those frequented by children, on personality formation and behavioral patterns. Among these, educational spaces hold a unique and substantial role in shaping a child's personality, behavior, and emotional well-being. Educational psychology emphasizes creating effective and enjoyable learning experiences. This field highlights various environmental factors, such as noise levels, lighting quality, temperature control, crowding, furniture arrangement, and spatial design. Researchers in educational psychology have extensively studied how these variables affect children's behavior in educational settings. Learning environments are composed of multiple interrelated elements, which collectively create meaningful spaces. The quality and characteristics of these elements have a profound impact on fostering positive behaviors and preventing negative ones. Moreover, educational environments that prioritize flexibility and adaptability can better meet the diverse needs of children, fostering a stronger sense of belonging. This research seeks to answer two primary questions: Which physical design factors, such as lighting, color schemes, classroom layouts, and outdoor spaces, influence children's sense of place attachment in educational environments? What strategies can be implemented to enhance the sense of place attachment in these environments?

Methodology: The study employs a grounded theory approach within the framework of a case study. Grounded theory was selected as the methodology due to its capacity to uncover underlying factors influencing children's sense of place attachment within educational environments, specifically for children aged 4 to 5 years. The independent variables in this study include aspects of the educational environment, while the dependent variable is the sense of place attachment. To achieve the research objectives, the study initially conducts a comprehensive analysis of library resources to identify key factors contributing to children's sense of place attachment. Following this, interviews and questionnaires are developed and analyzed to identify strategies for creating suitable environments for children that foster place attachment. This research is applied in its purpose and descriptive-analytical in nature. The library review is qualitative, while the analysis of questionnaire data is quantitative. The statistical population consists of experts in environmental psychology and architectural design. Sampling follows the snowball method and is conducted online, with the sample size determined using Cochran's formula. Additionally, the study incorporates observational methods within selected educational spaces to validate findings from interviews and questionnaires, ensuring a more comprehensive understanding of the dynamics of place attachment.

Results and discussion: The analysis of existing studies and interviews with experts revealed several key factors influencing children's sense of place attachment. These factors include the design of open and closed spaces, the use of cheerful and engaging colors, the integration of natural elements such as vegetation, and the availability of diverse play areas. Additionally, incorporating auditory and visual elements, such as interactive installations, was identified as critical. Open spaces that encourage exploration, coupled with organized classroom layouts, contribute significantly to fostering children's emotional connection to their learning environment. Lighting plays a particularly influential role in creating engaging and welcoming spaces. Natural light enhances mood and productivity, while strategically placed artificial lighting creates a sense of focus and warmth. Proper lighting design, when combined with adaptive control systems, allows for changes in intensity and color temperature throughout the day, aligning with children's natural circadian rhythms and improving their overall well-being. The choice of colors in educational environments is equally important. Bright, vibrant colors can stimulate creativity and energy, while softer tones provide a calming effect. Combining these elements in balance ensures a harmonious atmosphere conducive to both learning and emotional well-being. Vegetation and natural elements were also found to be critical in enhancing the sense of place attachment. The presence of plants, trees, and natural textures not only beautifies the environment but also creates a calming and restorative atmosphere. This connection to nature helps children feel more grounded and secure within their educational settings. Incorporating elements such as small indoor gardens, green walls, and outdoor learning areas further enhances this effect, promoting environmental

awareness and sustainability. Diverse play areas, both indoors and outdoors, were identified as crucial components of educational spaces. These areas allow children to engage in physical, social, and imaginative activities, which are essential for their holistic development. Designing play spaces that include various textures, structures, and themes encourages exploration and fosters a sense of ownership and belonging. Outdoor play areas that incorporate natural landscapes, water features, and sand play zones provide additional opportunities for sensory engagement and creativity. Auditory and visual stimuli, such as interactive screens, sound installations, and themed decorations, were also highlighted as impactful design elements. These features provide multisensory engagement, which is particularly beneficial for young children. They contribute to the creation of an environment that is not only functional but also stimulating and enjoyable. Additionally, the strategic use of audio elements, such as background music or nature sounds, can enhance focus and relaxation during different activities. The study also explored the role of furniture arrangement and classroom layouts in shaping children's behaviors. Flexible and modular furniture allows for dynamic arrangements that can adapt to different activities and group sizes. This adaptability fosters collaboration and creativity while ensuring that each child feels included and valued within the space. Ergonomic furniture designed specifically for children's physical needs was also emphasized as an essential factor in promoting comfort and engagement.

Conclusion: In conclusion, the findings of this research underscore the importance of thoughtfully designed educational environments in enhancing children's sense of place attachment. Factors such as vibrant colors, natural lighting, integration of vegetation, diverse play areas, and multisensory design elements were found to significantly influence children's creativity, emotional well-being, and attachment to their learning spaces. Moreover, the inclusion of flexible designs, ergonomic furniture, and natural landscapes contributes to the holistic development of children. These insights provide valuable guidance for architects, educators, and policymakers in designing educational environments that foster a deep sense of belonging and support the holistic development of children. Future research could explore the long-term impacts of these design strategies on children's academic performance and social skills, offering further insights into the optimization of learning environments.

نوع مقاله (علمی-پژوهشی)

واکاوی حس تعلق به مکان در محیط‌های آموزشی کودکان (گروه سنی ۴ تا ۵ سال)

شیرین میرشکرای: دانشجوی دکتری تخصصی معماری و دستیار آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد استاد فرچیان، تهران، ایران، آدرس پستی: تهران، سعادت آباد، علامه شمالی، خیابان

۱۸ شرقی، پلاک ۲۲، واحد ۱۰، شماره تلفن: ۰۹۱۲۰۰۳۱۶۵۴، پست الکترونیک: shirinmirshokraie1360@gmail.com

میترا کلانتری: استادیار گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد پروفسور حسایی، تفرش، ایران، آدرس پستی: تفرش، میدان معلم، جاده معین آباد، مجتمع دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تفرش،

تفرش، تابران، صندوق پستی: ۱۶۴-۳۹۵۱۵، شماره تلفن: ۰۹۳۲۵۹۲۴۰۱۰، پست الکترونیک: mitra.kalantari@iau.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

مقدمه: ادراک انسان از محیط یکی از مفاهیم اصلی در روانشناسی محیط است که تأثیر زیادی بر رفتارها و خلق و خوی افراد دارد. شرایط فیزیکی محیط‌ها می‌تواند بر حس تعلق به مکان تأثیر بگذارد و به طور خاص در فضاهای آموزشی، نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت و رفتار کودکان ایفا کند. **روش تحقیق:** این پژوهش به روش نظریه زمینه‌ای و از نوع مطالعه موردی انجام شده است. روش جمع‌آوری داده‌ها شامل تحلیل منابع کتابخانه‌ای، طراحی پرسشنامه و مصاحبه با کارشناسان و اساتید معماری و روانشناسی محیط است. نمونه‌گیری به روش گلوله برفی و به صورت آنلاین انجام شده و حجم نمونه با استفاده از روش کوکران محاسبه شده است.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که طراحی مناسب فضاهای آموزشی با استفاده از رنگ‌های شاد، ایجاد فضاهای بازی متنوع، استفاده از پوشش گیاهی، و افزودن المان‌های سمعی و بصری می‌تواند به تقویت حس تعلق به مکان در کودکان کمک کند. همچنین، این عوامل بر خلاقیت و علاقه‌مندی کودکان به محیط تأثیر مثبت دارند.

نتیجه‌گیری: مطالعه حاضر تأکید دارد بر اهمیت طراحی محیط‌های آموزشی به گونه‌ای که موجب تقویت حس تعلق به مکان در کودکان شود. استفاده از ویژگی‌های محیطی مناسب در فضاهای آموزشی نه تنها بر رفتار کودکان بلکه بر توسعه خلاقیت و تعاملات اجتماعی آنها تأثیر گذار است. این تحقیق پیشنهاد می‌کند که طراحان و معلمان به این جنبه‌ها توجه بیشتری داشته باشند تا فضاهایی مناسب‌تر برای رشد و توسعه کودکان ایجاد کنند.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۴

شماره صفحات: ۶۱-۷۹

واژگان کلیدی:

حس تعلق به مکان، محیط آموزشی کودکان، دلبستگی به مکان، روانشناسی محیط

استناد: میرشکرای، شیرین، کلانتری، میترا، (۱۴۰۳). واکاوی حس تعلق به مکان در محیط‌های آموزشی کودکان (گروه سنی ۴ تا ۵ سال).

فصلنامه معماری و محیط‌های انسان محور، دوره ۱ (۱)، ۶۱-۷۹.

DOI:

مقدمه

حس تعلق به مکان یکی از مفاهیم کلیدی در روانشناسی محیطی و مطالعات تربیتی است که به ارتباط عاطفی و شناختی فرد با یک مکان خاص اشاره دارد. تعلق مکان به عنوان پیوندی مؤثر که مردم با قرارگاههای مکانی برقرار میکنند، جایی که آنها تمایل به ماندن دارند و جایی که آنها احساس راحتی و امنیت دارند، تعریف میشود (کمالپور و همکاران، ۲۰۱۲). این حس به ویژه در دوران کودکی که فرد در حال شکل گیری هویت و توسعه مهارتهای اجتماعی است، اهمیت ویژه ای پیدا میکند. محیطهای آموزشی به عنوان یکی از مهمترین فضاهای زندگی کودکان نقش بسزایی در شکلگیری حس تعلق به مکان دارند. محیطهای آموزشی کودکان بعد از محیط خانه و خانواده، بیشترین سطح ارتباط را با کودکان به تعامل میگذارند و حس تعلق به مکان، ممیزیهای برای شوق بازگشت به مدرسه و ماندن در آن را فراهم میکند که از جمله عاملهای اساسی در پیوند دانش آموزان با محیط آموزشی است (سیاوش پور، ۱۳۹۵).

تحقیقات نشان میدهد که حس تعلق به مکان میتواند تأثیرات مثبتی بر روی تجربه آموزشی، عملکرد تحصیلی، و توسعه اجتماعی و عاطفی کودکان داشته باشد. محیطهای آموزشی که احساس امنیت، حمایت و پذیرش را برای کودکان فراهم میکنند، میتوانند به تقویت حس تعلق به مکان و بهبود کیفیت زندگی آنان کمک کنند. این پژوهش با بهره گیری از روش توصیفی-تحلیلی به بررسی عوامل مؤثر بر حس تعلق به مکان در محیطهای آموزشی کودکان میپردازد. روش توصیفی به ما امکان میدهد که ویژگیها و شرایط موجود در محیطهای آموزشی را به دقت توصیف کنیم، در حالی که روش تحلیلی به ما کمک میکند تا روابط میان این ویژگیها و حس تعلق به مکان را بررسی و تحلیل کنیم.

هدف اصلی این پژوهش واکاوی و تحلیل عوامل مختلفی نظیر طراحی فیزیکی فضا، کیفیت تعاملات اجتماعی و فرهنگی در محیط آموزشی، و نقش معلمان و کادر آموزشی در ایجاد حس تعلق به مکان است. برای دستیابی به این هدف، داده های مورد نیاز از طریق مشاهده های میدانی، مصاحبه های عمیق با معلمان و کادر آموزشی، و پرسشنامه های استاندارد جمع آوری شده است. نتایج این پژوهش نشان میدهد که طراحی فیزیکی فضاهای آموزشی، از جمله نورپردازی، رنگها، و چیدمان کلاسها، تأثیر قابل توجهی بر حس تعلق به مکان دارد. همچنین، تعاملات مثبت و حمایتگرانه میان دانش آموزان و معلمان و وجود فرهنگ مدرسه ای که بر پذیرش و احترام متقابل تأکید دارد، از دیگر عوامل مؤثر در تقویت این حس هستند. پیشنهادات این پژوهش برای بهبود طراحی و مدیریت محیطهای آموزشی شامل ایجاد فضاهای آموزشی متنوع و انعطاف پذیر، تقویت برنامه های آموزشی و فعالیتهای فوق برنامه که به تعاملات اجتماعی مثبت کمک میکنند، و آموزش معلمان برای ایجاد محیطی حمایتگر و پذیرنده است. امید است که نتایج این پژوهش بتواند به سیاستگذاران و طراحان محیطهای آموزشی در ایجاد فضاهایی که حس تعلق به مکان را در کودکان تقویت میکنند، کمک کند و به بهبود کیفیت آموزش و توسعه عاطفی و اجتماعی کودکان منجر شود.

پیشینه ی تحقیق

کودکی یکی از مهم ترین سنین در هر انسان است که ریشه بسیاری از پیشرفت ها در آینده می باشد. ویژگی های شخصیتی یک کودک تحت تاثیر سال های ابتدایی زندگی اش بنیان نهاده می شود، و بدیهی است که کودکان امروز آینده سازان و اداره کنندگان فردای کشور خواهند بود. لذا توجه و مطالعه در مورد فضاهای مناسب کودکان که باعث رشد و خلاقیت و شکوفایی آنان شود، همیشه از دغدغه های هر جامعه ای می باشد. حس تعلق به مکان یکی از همین عوامل رشد و شکوفایی کودکان می باشد. برای این منظور بخشی از پژوهشهای پیشین در ادامه آورده شده است.

سحر محمدزاده و محدثه وضعی در سال ۱۴۰۳ در مقاله یی تحت عنوان تحلیل مشارکت کودکان جهت افزایش حس تعلق در طراحی خانه کودک با رویکرد معماری پایدار به این مساله می پردازد که در این پژوهش سعی شده برای یافتن عوامل مؤثر در ارتقای کیفیت مشارکت معمار و کودک و افزایش حس تعلق در کودکان از طریق یافتن این سوال که چه عواملی در مشارکت با کودکان باعث افزایش حس تعلق آنها در خانه کودک میشود. هدف این پژوهش کیفی، استخراج و معرفی ویژگیهای اثربخش در افزایش حس تعلق کودک در فرآیند طراحی معماری برای کودکان است. جمع آوری دادهها به روش کتابخانه ای، تحلیل محتوا به روش فراترکیب، دسته بندی دادهها در MAXQDA بررسی روایی استنتاجها با ابزار گلین، سنجش فراوانی ویژگیهای استنتاج شده در Excel انجام شد. پایایی نتایج با نظرسنجی از معماران و اعتبارسنجی پاسخها با آزمون های تی تک نمونه ای و فریدمن، در SPSS انجام شد. با تحلیل این دادهها در این پژوهش به فراهم شدن زمینه مشارکت معمار و کودک حضور فعال و مداوم کودکان در طول فرایند طراحی در کنار معمار؛ ایجاد افزایش حس تعلق و تقویت ویژگیهای خاص در طراحی معماری برای کودکان دست یافته ایم.

فرهاد کاروان و مهتاب افشاری در سال ۱۴۰۳ در مقاله یی تحت عنوان تبیین نقش عوامل کالبدی منجر به حس تعلق به مکان در کودکان پیش دبستانی به این نکته می پردازد که حوه ی تعامل کودک با مکان، نشان دهنده ی تأثیرپذیری تصویر ذهنی وی از ویژگیهای کالبدی و غیرکالبدی محیط روزمره وی است. با شناخت خصوصیات کودکان از یک سو و عوامل کالبدی محیط پیرامونشان از سوی دیگر که تعیین کننده ی نحوه

تعامل آنها با محیط است، میتوان به تصویری قابل قبول از تأثیرات مکان‌های پیش دبستانی بر ایجاد حس تعلق به مکان این کودکان دست یافت. بر اساس یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که مؤلفه‌های عینی (محیط کالبدی) در فضاهای آموزشی از جمله مراکز پیش دبستانی، با محقق ساختن قابلیت‌های مکان، متناسب با نیازها و خواسته‌های کودک و به واسطه کاربرد روزمره توسط کودک باعث ایجاد حس تعلق به مکان و ارتقای تعامل میان کودک با مکان میشود.

زهرا اجلی و زهره ترابی و هومن ثبوتی در سال ۱۴۰۲ در مقاله‌ی تحت عنوان تبیین الگوهای ادراک حسی مؤثر بر حس تعلق به مکان در طراحی مدارس استثنایی که به روش کمی و کیفی می‌باشد، داده‌های کیفی با استفاده از مشاهدات مستقیم، مطالعه اسنادی و مصاحبه با متخصصین، گردآوری شد، سپس داده‌های کمی در بستری پیمایشی به روش تهیه پرسشنامه طبق طیف لیکرت تنظیم و با روش مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM) روابط بین متغیرها و میزان تأثیر آنها در مدارس مورد مطالعه توسط نرم‌افزار Spss و Amos تحلیل شد. نمونه‌گیری نیز با روش خوشه‌ای دو مرحله‌ای انجام و سپس از یک نمونه‌ی تصادفی استفاده شد. یافته‌های این تحقیق نشان داد که بین عوامل ادراک حسی، حواس بینایی نسبت به سایر حواس از اهمیت بیشتری برای این دانش‌آموزان برخوردار می‌باشند. همچنین در بین عوامل حس مکان وجود تعاملات اجتماعی در ایجاد حس تعلق به مکان و رضایتمندی مؤثر می‌باشند. در نتیجه الگوهایی در قالب استانداردهای طراحی در جهت بازآفرینی شاخص‌های ادراک حسی و تقویت روابط و تعاملات اجتماعی دانش‌آموزان که به عنوان عاملی مهم برای حس تعلق آنان به مدرسه تلقی می‌شود ارائه گردید تا راهنمای طراحان باشد.

الهام عطایی و سیامک پناهی و شهره علیپور در سال ۱۴۰۱ در مقاله‌ی تحت عنوان تبیین نقش فضاهای شهری در ارتقای تعامل کودک با محیط با تأکید بر خلاقیت و حس دلبستگی به این نکته می‌پردازد که هم‌ترین سنجه‌های تأثیرگذار بر افزایش خلاقیت کودکان، ایجاد فرصت برای تعاملات مثبت اجتماعی کودکان در محیط، ایجاد فضایی برای نمایش شایستگی‌های فردی در تعامل با محیط، ایجاد حس دلبستگی به محیط، آموزش مراقبت از محیط، ایجاد مسیرهای انعطاف پذیر برای خیال‌پردازی و خلاقیت، ایمنی و آسایش در فضای بازی به‌عنوان ابزارهایی برای آموزش و آفرینشگری در کودکان هستند که باید در طراحی فضاهای شهری کودکان مورد توجه مدیران شهری و طراحان و معماران قرار گیرند. زهرا اجلی و همکاران در ۱۴۰۰ در مقاله‌ی تحت عنوان واکاوی تأثیر حس تعلق به مکان در مدارس استثنایی به این نتیجه می‌پردازد که در مقاله واکاوی تأثیر حس تعلق به مکان در مدارس استثنایی، نتیجه اصلی این است که حس تعلق به مکان یکی از عوامل اصلی تربیتی مؤثر در مدارس استثنایی است. طراحی مدرسه با توجه به شاخص‌های ادراک حسی و حس تعلق به مکان، باعث افزایش ایجاد انگیزه، شوق بازگشت به مدرسه و ماندن در آن برای دانش‌آموزان می‌شود.

ادبیات و مبانی نظری

۱. حس مکان

اصطلاح حس مکان از ترکیب دو واژه حس و مکان تشکیل شده است. واژه حس در فرهنگ لغت آکسفورد سه معنای اصلی دارد: نخست یکی از حواس پنجگانه، دوم احساس، عاطفه و محبت که در روانشناسی به درک تصویر ذهنی گفته میشود. یعنی قضاوتی که بعد از ادراک معنای شیء نسبت به خود شیء در فرد به وجود می‌آید که میتواند خوب، جذاب یا بد باشد، سوم توانایی در قضاوت درباره یک موضوع انتزاعی، مثل معنای حس در اصطلاح حس جهت یابی که به مفهوم توانایی یک فرد در پیدا کردن مسیر یا توانایی مسیر در نشان دادن خود به انسان است. درنهایت حس به معنای شناخت تام یا کلی یک شیء توسط انسان است. اما واژه حس در اصطلاح حس مکان بیشتر به مفهوم عاطفه، محبت، قضاوت و تجربه کلی مکان یا توانایی آن در ایجاد حس خاص یا تعلق در افراد است. این حس کلی که پس از ادراک و قضاوت نسبت به محیط خاص در فرد به وجود می‌آید حس مکان نامیده میشود که به عنوان عاملی مهم در هماهنگی فرد و محیط باعث بهره برداری بهتر از محیط، رضایت استفاده کنندگان و در نهایت احساس تعلق آنها به محیط و تداوم حضور در آن میشود (ضرایبان و همکاران: ۱۳۸۷).

حس مکان، به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم و بیش آگاهانه آنها از محیط خود است که شخص را در ارتباطی درونی با محیط قرار میدهد به طوری که فهم و احساسات فرد با زمینه معنایی محیط پیوند خورده و یکپارچه میشود. این حس عاملی است که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص میشود. حس مکان علاوه بر اینکه باعث احساس راحتی از یک محیط میشود، از مفاهیم فرهنگی مورد نظر مردم، روابط اجتماعی و فرهنگی جامعه در یک مکان مشخص حمایت کرده و باعث یادآوری تجارب گذشته و دستیابی به هویت برای افراد میشود. (فلاح، ۱۳۸۵، ۵۷)

۲. ویژگی‌های فیزیکی و کالبدی مکان در ایجاد احساس مکان

احساس مکان یک پدیده چندوجهی است که از تعامل عوامل فردی، اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرد. شناخت این عوامل می‌تواند به درک بهتر احساس مکان و چگونگی تقویت آن کمک کند، ویژگی‌های فیزیکی و کالبدی مکان در ایجاد احساس مکان به شرح زیر هستند:

- ۱) موقعیت^۱: مطالعات نشان داده‌اند که صرف قرارگیری در یک مکان (موقعیت جغرافیایی) کافی نیست و به تنهایی نمی‌تواند احساس مکان را ایجاد کند.
- ۲) منظر^۲: منظر و ویژگی‌های فیزیکی محیط در تجربه و احساس مکان افراد نقش دارند. تجربه حسی افراد از محیط (بو، صدا، لمس) به شکل‌گیری احساس مکان کمک می‌کند.
- ۳) درگیری فردی^۳: مطالعات نشان داده‌اند که درگیری و تجربه شخصی افراد با مکان در شکل‌گیری احساس مکان آنها مؤثر است. درگیری عاطفی و اجتماعی با مکان، احساس تعلق را افزایش می‌دهد. به طور کلی، گرچه ویژگی‌های کالبدی و فیزیکی مکان (موقعیت، منظر) در شکل‌گیری احساس مکان نقش دارند، اما تجربه شخصی و درگیری افراد با مکان نیز عامل مهمی در این زمینه است. تعامل این عوامل فیزیکی و تجربی است که منجر به ایجاد احساس مکان می‌شود. (شمسی، ۱۹۹۱: ۳۵۸)

۳. دل‌بستگی به مکان

این واژه مبین احساسات فرد نسبت به یک موقعیت اجتماعی است که به طور حسی فرد را به مکان گره می‌زند. در واقع یک تجربه مثبت از مکان و نتیجه اعتقادات و احساسات مثبتی است که فرد در فرآیند تعامل با مکان و معنا بخشیدن به آن خلق می‌کند. دل‌بستگی به مکان یک بعد از کلیت حس مکان و وابستگی عاطفی مثبت است که بین فرد و مکان توسعه می‌یابد. دل‌بستگی به مکان برخاسته از ارتباطات حسی فرد با مکان بر پایه خود و فعل و انفعالات درونی او در هنگام مواجهه با مکان می‌باشد و میزان تعلق اجتماعی فرد نیز بستگی دارد. هویت به معنای احساس تعلق با محیط نیز در نظر گرفته شده و معیارهایی چون احساس امنیت، خاطره‌انگیزی، حس تعلق و وابستگی به منظور ارزیابی هویت تدوین شده و به کار رفته‌اند. مفهوم هویت در اصطلاحات حس مکان و شخصیت بیان شده است. (میرمقتدایی، ۱۳۸۳: ۳۰)

جدول ۱- تعریف دل‌بستگی مکانی از دیدگاه نظریه پردازان مختلف

تعریف دل‌بستگی مکانی	سال	نظریه پرداز
پیوند احساسی مثبت یا پیوستگی میان افراد و محیط مسکونی ایشان	۱۹۸۳	شوماخر و تیلور
فعل و انفعال احساسات، دانش، اعتقادات و رفتارها در ارجاع به یک مکان	۱۹۸۳	پروشانسکی، فابین و کامینوف
ارتباط عاطفی پیچیده فرد با مکان به گونه‌ای که مکان برای او معنا یافته و محور فردیت است و تجارب جمعی و هویت فرد در ترکیب با معانی و نمادها به مکان شخصیت می‌دهد. وی در این حالت بر منحصر به فرد بودن مکان و تفاوت آن با دیگر مکان‌ها تأکید کرده است.	۱۹۹۱	شامای
ارتباطی نمادین که توسط مردم از طریق الحاق معانی مشترک فرهنگی، احساسی و عاطفی به یک مکان خاص و یا قطعه‌ای از زمین ایجاد می‌شود و مبنایی برای ادراک و ارتباط افراد و گروه‌ها محیط را فراهم می‌کند	۱۹۹۲	لو و آلمن
درگیری احساسی با مکان‌ها	۱۹۹۲	هیومن
پیوندهای مثبت پویا و در عین حال دیرپا- که گاه ناخودآگاه شکل می‌گیرد- که در طول زمان میان افراد یا گروه‌ها با محیط‌های اجتماعی-کالبدی شکل می‌گیرد	۱۹۹۲	برون و پرکینز
ارتباط احساسی فرد با محیطی که بدان از طریق تعامل با آن معنا بخشیده شده باشد	۱۹۹۸	میلیگان
رابطه احساسی مثبت میان فرد و یک مکان خاص که مهمترین ویژگی این رابطه تمایل به حفظ نزدیکی به آن مکان است	۲۰۰۱	هیلداگو و هرماندز
یک بعد از کلیت حس مکان و وابستگی عاطفی مثبت که بین فرد و مکان شکل می‌گیرد.	۲۰۰۳	استدمن
پیوستگی که میان مردم و محیط‌های معنا دار ایجاد می‌شود.	۲۰۰۳	جولیانی

¹ Location

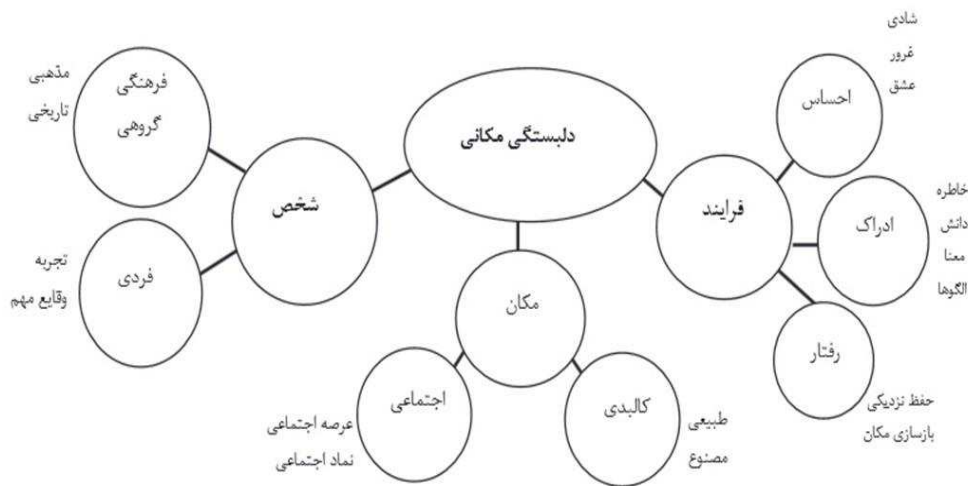
² Landscape

³ Personal Involvement

۳-۱- ابعاد دل‌بستگی مکانی

با توجه به تعاریف مختلف، ابعاد دل‌بستگی به مکان در چهار دسته کلی معرفی می‌شود:

- **بعد فردی:** در سطح فردی، این مقوله شامل خصوصیات فردی، ارتباطات شخصی فرد با مکان می‌شود. میزان دل‌بستگی به مکان از فردی به فرد دیگر متفاوت است. که شامل خصوصیات فردی و ارتباطات شخصی فرد با مکان می‌باشد.
- **بعد جمعی/فرهنگی:** فرهنگ از جمله عواملی است که به دلیل نقش خود در شکل‌گیری ترجیحات مکانی برنوع تعاملات گروهها با مکان نیز تأثیرگذار است. که شامل معانی نمادین مشترک از مکان در بین اعضا (تاریخی) و باورهای مذهبی می‌باشد.
- **بعد فیزیکی یاریشده داشتن:** استدمن (۲۰۰۳) به نقش مستقیم کالبد فیزیکی در رضایتمندی و نقش غیرمستقیم آن در دل‌بستگی به مکان اشاره نمود. که با عواملی همچون نوع سازماندهی فضایی-کالبدی، منحصر به فرد بودن کالبد، تسهیلات و نحوه برآورده شدن نیازهای کالبدی، نحوه دسترسی به مکان، وضعیت مکان در محیط شهری مشخص می‌شود.
- **بعد روانشناختی:** سه جنبه روانشناختی دل‌بستگی مکانی، عبارت است از احساسات، شناخت و رفتار در مکانهای طبیعی، دل‌بستگی افراد به مکان می‌تواند حاصل تمایل آنها به تأمین نیازهای خاص باشد؛ و از طریق درگیر شدن افراد با مکان و با دیگران در آن مکان، پیوندهای روانشناختی بین خودشان و محیط ارتقاء می‌یابد. (رحیم لو، ۲۰۱۵)



نمودار ۱- چارچوب سه جزئی حس مکان (گیلفورد، ۲۰۱۰)

۳-۲- عوامل مهم شکل‌گیری دل‌بستگی به مکان

محیط کالبدی: محیط کالبدی یکی از عناصر اصلی مکان است. ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی مکان هر دو به یک میزان در ایجاد دل‌بستگی به مکان نقش دارند. مطالعات استدمن که پیرامون نقش کالبدی مکان بر دل‌بستگی مکان صورت گرفته است اشاره به نقش مستقیم آن در رضایتمندی و نقش غیرمستقیم بر دل‌بستگی به مکان دارد و متاثر از معانی نمادین مکان نیز می‌باشد. زمینه و بستر، وجود خدمات و تسهیلات، موقعیت قرارگیری مکان در زمینه شهری و نحوه ارتباط با پیرامون، مصالح و ملمان، خدمات کافی و .. در ارتقا حس دل‌بستگی به مکان نقش دارد.

- **عوامل اجتماعی:** هویت مکان وابسته به بوم، خاطرات مشترک و زمان است. کیفیات کالبدی تنها یک بعد از تجربه مکان هستند و اهمیت ارتباطات اجتماعی که در مکانها اتفاق می‌افتد بنابراین دل‌بستگی به مکان به ویژگیهای گروهی و فردی کاربران مکان، میزان تماس و صمیمیت افراد در مکان و میزان مشارکت در فعالیتهای گروهی و مراسم اجتماعی می‌باشد.
- **عوامل فرهنگی:** دل‌بستگی به مکان در افراد وابسته به فعالیتهایی است که افراد در قالب مقتضیات فرهنگی خود انجام می‌دهد
- **عوامل فردی:** تبیین ویژگی‌های فردی و نقش آن در نحوه تعامل با مکان به عوامل مختلفی چون سن، شغل، درآمد، وضعیت تاهل، تحصیلات، طبقه اجتماعی و شغل اشاره گردیده است. (رحیم لو، ۲۰۱۵)
- **خاطرات و تجارب:** دل‌بستگی به مکان عموماً پس از آنکه افراد تجربه دراز مدت یا قوی با یک مکان دارند اتفاق می‌افتد

- **عوامل فعالیتی و تعاملی:** یکی از موثرترین ویژگی های مکان که سبب ارتقای دلبستگی به مکان می شود فعالیتها و تعاملات بین انسان- مکان و انسان - انسان در مکان است و رابطه دو سویه بین فعالیتها و دلبستگی به مکان وجود دارد
- **عامل زمان:** عامل زمان و مدت سکونت و آشنایی با مکان در افزایش دلبستگی به مکان نقش دارد
- **مشارکت در طراحی مکان:** حضور افراد در فرایند خلق مکان سبب می گردد تا آنها احساس بیشتر و بهتری نسبت به آن مکان داشته باشند. این امر دلبستگی به مکان، توسعه ارتباطات، حفظ ریشه های تاریخی، احساس آرامش و امنیت در مکان را در پی دارد (نوذری: ۱۳۹۳)



نمودار ۲- عوامل موثر در ایجاد حس مکان (منبع: نگارنده)

۴- حس تعلق به مکان

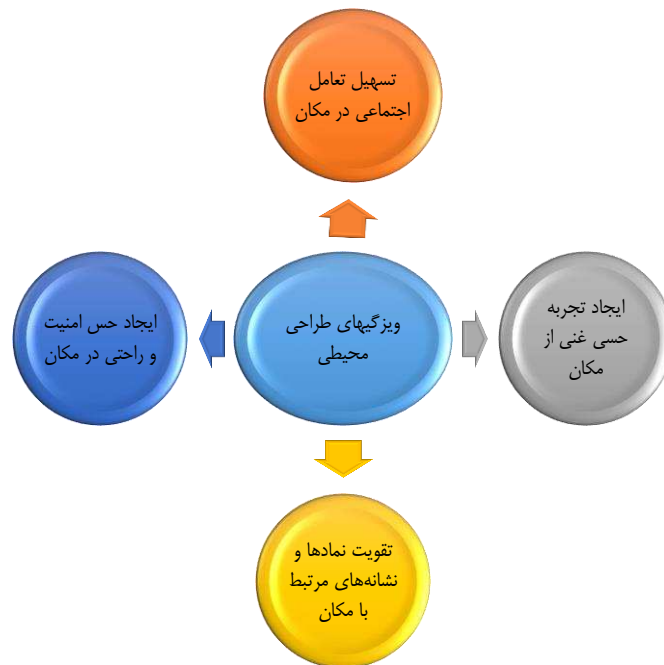
معماری به عنوان یک شاخه چند جانبه از تعاریف و علوم مختلف میتواند در مباحث گوناگون موردتجزیه و تحلیل قرار گیرد. یکی از مباحث مهم مورد تحلیل حس تعلق به مکان است. امروزه با توجه به اهمیت این موضوع و نیز کم رنگ شدن پارامترهای تشکیل دهنده آن از جمله هویت و دلبستگی به مکان توجه به تعاریف و بررسی آن ها خالی از لطف نیست. بررسی این تعاریف به صورت جز به کل صورت گرفته است. یکی از این پارامترها که امروزه به شدت مورد بحث و بررسی قرار میگیرد هویت در معماری است. نگاه اول نگاه عام است که معماری را به معنای ساختن، تجدید فضا، ایجاد سرپناه و تعاریفی از این دست در نظر میگیرد که جایی برای بحث هویت در معماری باقی نمیگذارد. برای بازکردن بحث هویت در معماری، باید از دیدگاه دیگری به مسئله نگاه کرد و بحث چپستی و کیستی معماری را از آن نقطه نظر مطرح کرد. در نگاه دوم، اگر به معماری به عنوان یک اثر هنری نگاه کنیم و انسان را خالق اثر هنری در نظر بگیریم، از آن جهت که انسان مدعی است که میتواند حقیقت هستی را کشف کند و آن را در اثر هنری متجلی سازد و به بیان آورد واثر هنری حاصل فهم انسان و تجلی حقیقت کشف شده از سوی اوست، میتوان به بحث هویت در معماری پرداخت (میرغلامی، ۱۳۹۵: ۲۵).

دلبستگی به مکان و حس تعلق به مکان دو عاملی هستند که براون و ورنر نیز نقش آنها را در ایجاد آرامش در معماری بررسی نموده اند. آنها معتقدند که دلبستگی عمیق به یک مکان می تواند باعث تقویت احساس رضایت، دلبستگی به محیط و پیوستگی میان خویشتن خود در گذشته، حال و آینده شود. آنها همچنین معتقدند که می توان از طریق شخصی سازی محیط منجر به ایجاد هویت شد و عمل شخصی سازی را عاملی برای ایجاد احترام به خود و گرامی داشتن شخصیت فرد عنوان کردند.

حس تعلق به مکان را می توان رابطه ای عاطفی و پر معنا بین شخص و مکان توصیف کرد، پیوندی احساسی که مردم آن مکان را به عنوان قرارگاهی برای بازگشت بدان ارزشمند بدانند. در حقیقت احساس تعلق به مکان شاخصی است که از طریق آن می توان میزان متمایز بودن آن مکان را برای مردم، نسبت به دیگر مکان ها سنجید. مسلم است که این تمایزات حاصل جمعی از عوامل مادی و معنوی شامل محیط کالبدی و معماری، محیط اجتماعی و نوع فعالیت ها، سطح فرهنگ و تاریخ، ابعاد شخصی و روانشناسانه (ادراک، شناخت، احساس) میباشد. (رحیم لو، ۲۰۱۵)

۴-۱- ویژگی‌های طراحی محیطی که می‌تواند به افزایش تعلق خاطر افراد به یک مکان کمک کند

- **تقویت نمادها و نشانه‌های مرتبط با مکان:** استفاده از نمادها، نشانه‌ها و اشارات بصری مرتبط با هویت و ویژگی‌های یک مکان می‌تواند به افزایش شناخت و ارتباط افراد با آن مکان کمک کند. این عناصر بصری می‌توانند احساس تعلق به مکان را تقویت کنند.
- **ایجاد تجربه حسی غنی از مکان:** طراحی محیطی که امکان تجربه چندحسی (بینایی، شنوایی، بویایی و المسه) را برای افراد فراهم کند، می‌تواند منجر به تجربه غنی‌تر و عمیق‌تر آنها از مکان شود. این تجربه حسی می‌تواند به ایجاد احساس تعلق به مکان کمک کند.
- **تسهیل تعامل اجتماعی در مکان:** طراحی فضاهای عمومی، مسیرهای پیاده و فضاهای مشترک که زمینه مناسبی برای تعامل اجتماعی افراد فراهم کند، می‌تواند به افزایش احساس تعلق به مکان منجر شود. تعامل اجتماعی در مکان موجب ایجاد پیوندهای اجتماعی و تقویت هویت جمعی می‌شود.
- **ایجاد حس امنیت و راحتی در مکان:** طراحی فضاهای مناسب از نظر دسترسی، نور، نظافت و نگهداری می‌تواند به ایجاد احساس امنیت و راحتی در افراد کمک کند. این احساسات مثبت نیز می‌توانند به افزایش تعلق خاطر آنها به مکان منجر شوند. در مجموع، ویژگی‌های طراحی که به تقویت نمادها، تجربه حسی، تعامل اجتماعی و احساس امنیت در مکان کمک کنند، می‌توانند در افزایش احساس تعلق افراد به آن مکان مؤثر باشند. (شمسی، ۱۹۹۱: ۳۵۸)



نمودار ۳- ویژگی‌های طراحی مهم با توجه به حس تعلق به مکان (منبع: نگارنده)

۵- مفهوم حس مکان در کودکان

حس مکان در کودکان به عنوان یک مفهوم روان‌شناختی، به بررسی احساسات و عواطف مثبت و منفی ناخودآگاه در مورد محیط اطرافشان می‌پردازد. این حس در دوران کودکی شکل می‌گیرد و به دلبستگی به مکان و محیط اطراف مرتبط است (اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۲). کودکان در سنین پایین، دچار احساسات و عواطف مثبت و منفی ناخودآگاه در مورد محیط اطرافشان می‌شوند که در نهایت منجر به شکل‌گیری تصاویر قوی مثبت یا منفی در ذهن آنها می‌شود (چولا، ۱۳۹۲).

در تعریف حس مکان در دوران کودکی، چولا (۱۳۹۲) بیان می‌کند که کودکان از بودن در آن محل احساس شادمانی و با ترک آن احساس پشیمانی یا ناراحتی کنند. آنها آن مکان را نه تنها برای ارضاء نیازهای فیزیکی، بلکه به جهت کیفیت‌های ذاتی آن ترجیح می‌دهند.

¹ Chaula

۵-۱- اهمیت حس مکان در کودکان

- حس مکان در کودکان به عنوان یک مفهوم روان‌شناختی، اهمیت زیادی دارد. این حس به چند دلیل برای کودکان مهم است:
- **تأمین امنیت:** دل بستگی مکان، کشش درونی برای تأمین امنیت و کمک به کودک برای مقابله با استرس و اضطراب است (مستقنی و همکاران^۱، ۱۳۹۲).
 - **تجربه محیطی:** تجربه کاوش در بخش‌های مختلف محله شان، به طور مستقل و یا در کنار افراد بزرگسال و گروه همسالان نشان، امکان ایجاد حس مکان را برای کودک فراهم می‌آورد (چولا، ۱۳۹۲).
 - **توسعه مهارت‌های محیطی:** دل بستگی مکان، کودک را در یک پایگاه امن نگه می‌دارد و برای او امکان کشف محیط‌های گسترده‌تر و مشاهده جاهای دیگر را فراهم می‌کند تا از این طریق به یافتن دوستان جدید جهت به اشتراک گذاری علایق و فعالیتها و به منظور توسعه مهارت‌های محیطی خویش پردازد (سیاوش پور، ۱۳۹۵).
 - **شکل‌گیری تصاویر قوی:** از سنین پایین، کودکان دچار احساسات و عواطف مثبت و منفی ناخودآگاه در مورد محیط اطرافشان می‌شوند که در نهایت منجر به شکل‌گیری تصاویر قوی مثبت یا منفی در ذهن آن‌ها می‌شود (چولا، ۱۳۹۲).

۵-۲- عوامل تأثیرگذار بر حس مکان در کودکان

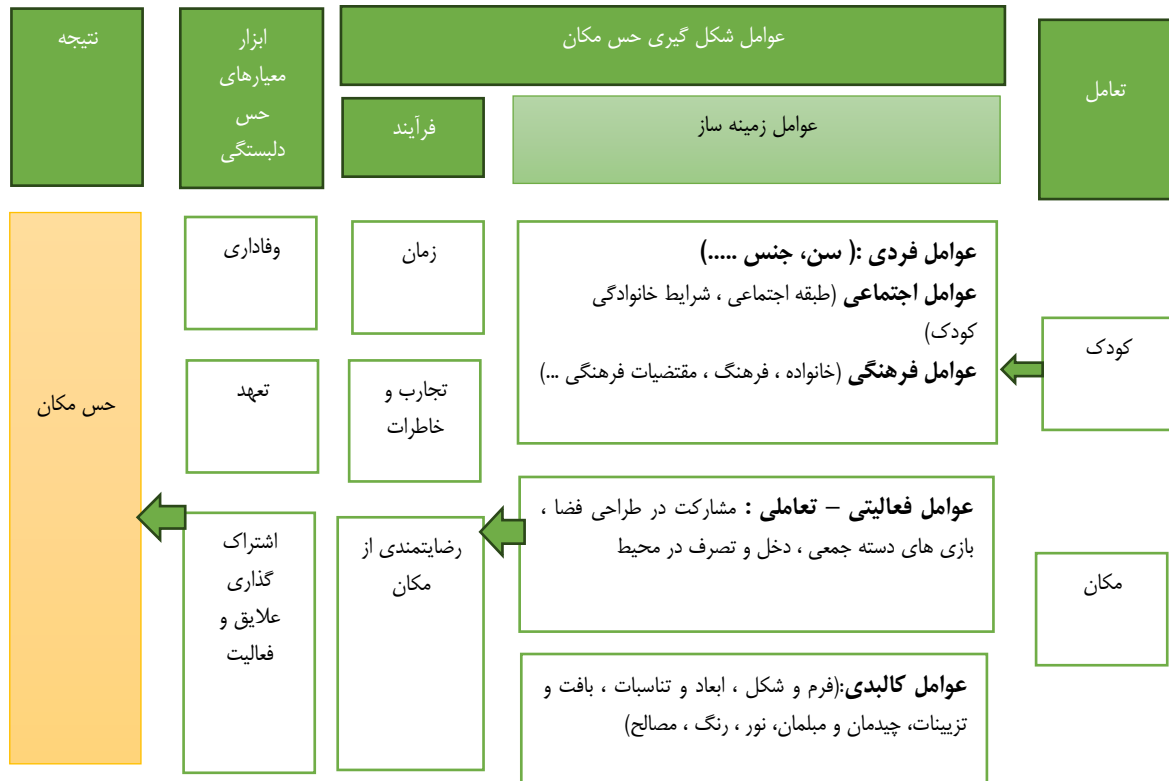
با توجه به مطالعات انجام شده متغیرهای اجتماعی که بر حس تعلق به مکان در کودکان تأثیر می‌گذارند، به شرح زیر هستند:

جدول ۲- چگونگی شکل‌گیری حس مکان در کودکان (منبع: مستقنی و اعتمادی، ۱۳۹۲)

متغیرهای اجتماعی	توضیحات
سن (Age)	تا سن چهار یا پنج سالگی، خانه منبع اصلی دل بستگی مکان در کودک است. با این حال، زمانی که آن‌ها مدرسه ابتدایی را ترک کنند، درک خویش از محل اطرافشان را توسعه داده و مکان خود را از جهانی در بعد وسیع‌تر تشخیص می‌دهند.
ماهیت محیط محلی (Environmental Characteristics)	فضاهای باز مطلوب از نظر کودکان، به عوامل متعدد دیگری علاوه بر سن، از جمله طبقه اجتماعی کودک و ماهیت محیط محلی وی نیز بستگی دارد. مکان‌های مطلوب برای اکثر کودکان شامل خانه‌ها، باغ‌ها، خیابان‌های در نزدیکی محله، پارک‌ها، زمین‌های بازی و میداين ورزشی است.
دل بستگی اجتماعی (Social Attachment)	در میانه‌های دوران کودکی دل بستگی اجتماعی عمیق به خانواده کمتر می‌شود، در این زمان، تجربه کودک از محیط فیزیکی و در نتیجه آن دل بستگی به مکان نمودار می‌شود.
پشتیبانی و امنیت (Support and Security)	دل بستگی مکان، کشش درونی برای تأمین امنیت و کمک به کودک برای مقابله با استرس و اضطراب است. هنگامی که کودک با مکانی در ارتباط می‌باشد که پایگاه امن او و فراهم کننده کیفیت‌های امنیتی است، جدایی از آن محیط برایش در واقع مکانی است که کودک به آن متصل شده و یک پایگاه امن برای او به شمار می‌رود.
تجربه محیطی (Environmental Experience)	تجربه کاوش در بخش‌های مختلف محله شان، به طور مستقل و یا در کنار افراد بزرگسال و گروه همسالان نشان، امکان ایجاد حس مکان را برای کودک فراهم می‌آورد.

¹ Mostaqni & Etamadi

این جدول عوامل تأثیرگذار بر حس مکان در کودکان را نشان می‌دهد. این عوامل شامل سن، ماهیت محیط محلی، دلبستگی اجتماعی، پشتیبانی و امنیت، و تجربه محیطی هستند. هر یک از این عوامل در شکل‌گیری حس مکان در کودکان نقش دارد. پس از بررسی‌های انجام شده، متغیرهای اجتماعی در نمودار ۴ نقش بسزایی در شکل‌گیری حس تعلق به مکان در کودکان بازی می‌کنند.



نمودار ۴- چهارجوب مبانی نظری پژوهش (منبع نگارنده)

۶- طراحی فضاهای مناسب برای کودکان

با توجه به بررسی‌های انجام شده به طور کلی، مکان‌هایی برای کودکان مناسب است که دارای ویژگی‌های زیر باشد:

- **پتانسیل‌های بالقوه:** محیط‌هایی که برای کودکان طراحی می‌شود، باید پتانسیل‌های بالقوه‌ای جهت تعامل کودکان در سنین مختلف را ارائه دهد.
- **مکان‌های مخفی:** متعددی نیز بر اهمیت خاص مکان‌های مخفی بدون نظارت تأکید می‌کنند. زیرا چنین فضاهایی امکان بازی‌های تخیلی را تسهیل می‌کنند.
- **مکان‌های باز:** فضاهای باز مطلوب از نظر کودکان، به عوامل متعدد دیگری علاوه بر سن، از جمله طبقه اجتماعی کودک و ماهیت محیط محلی وی نیز بستگی دارد.

حس مکان در کودکان به عنوان یک مفهوم روان‌شناختی، به بررسی احساسات و عواطف مثبت و منفی ناخودآگاه در مورد محیط اطرافشان می‌پردازد. این حس در دوران کودکی شکل می‌گیرد و به دلبستگی به مکان و محیط اطراف مرتبط است. طراحی فضاهای مناسب برای کودکان باید پتانسیل‌های بالقوه‌ای جهت تعامل کودکان در سنین مختلف را ارائه دهد و مکان‌های مخفی بدون نظارت را تسهیل کند.

بر اساس مطالب بیان شده، محیط‌هایی که برای کودکان طراحی می‌شود، باید پتانسیل‌های بالقوه‌ای جهت تعامل کودکان در سنین مختلف را ارائه دهد. بدین ترتیب کودک با چنین مکان‌هایی ارتباط عمیق عاطفی داشته و خود را جزئی از آن پنداشته و احساس تعلق می‌کند (شمسی، ۱۹۹۱:

مواد و روش تحقیق

این پژوهش، یک نظریه زمینه ای در قالب یک مورد پژوهی است. علت انتخاب تحقیق نظریه زمینه ای، بررسی عوامل موثر در حس تعلق به مکان در محیط های آموزشی کودکان (گروه سنی ۴ تا ۵ سال) می باشد متغیرهای مستقل محیط آموزشی و متغیر وابسته حس تعلق به مکان می باشد. برای رسیدن به این هدف ابتدا به تحلیل منابع کتابخانه ای و بررسی عوامل موثر در ایجاد حس تعلق به مکان در کودکان تحلیل خواهد شد سپس مصاحبه و پرسشنامه طراحی و تحلیل خواهد شد و در نهایت عوامل موثر در فضای مناسب کودکان با رویکرد حس تعلق به مکان به دست خواهد آمد. این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی، از لحاظ ماهیت توصیفی-تحلیلی، می باشد که در بخش کتابخانه ای کیفی و در تحلیل پرسشنامه کمی خواهد بود. جامعه آماری این پژوهش کارشناسان و اساتید معماری و روانشناسان محیط خواهد بود. جامعه آماری در این تحقیق حدود ۲۰۰ نفر از اساتید و کارشناسان معماری خواهند بود. روش نمونه گیری مورد استفاده، نمونه گیری به روش گلوله برفی و به صورت آنلاین و حجم نمونه از روش کوکران استفاده شده است و برای مصاحبه از ۳۸ نفر از خبرنگاران (اساتید معماری، کارشناسان و روانشناسان کودک) خواسته شد تا اظهارات مختلفی را در مورد ارکان اصلی حس تعلق به مکان در فضاهای آموزشی کودکان در نظر بگیرند. به منظور تجزیه و تحلیل کمی داده ها، از نرم افزار (SPSS) برای ارائه تجزیه و تحلیل آماری داده ها و ارائه جزئیات برای دسترسی عمیق و آماده سازی داده ها، گزارش های تحلیلی، گرافیک و مدل سازی استفاده خواهد شد. داده های کمی برای تحقق اهداف تحقیق و پاسخ به سؤالات تحقیق از تحلیل توصیفی، تحلیل واریانس یک طرفه و تحلیل رگرسیون استفاده شده است.

(۱)

$$n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left[\frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right]}$$

n ← حجم نمونه

N ← حجم جمعیت آماری

Z ← درصد خطای معیار ضریب اطمینان قابل قبول

p ← نسبتی از جمعیت فاقد صفت معین

q = (1-p) ← نسبتی از جمعیت فاقد صفت معین

d ← درجه اطمینان یا دقت احتمالی مطلوب (۰,۰۱ تا ۰,۰۵)

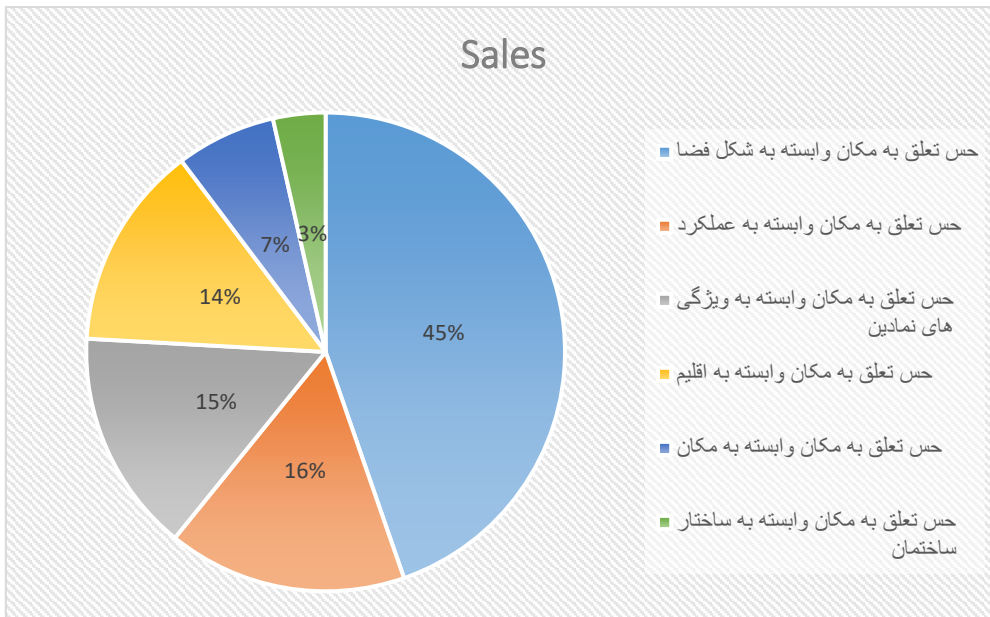
بحث و یافته های تحقیق

این بخش از پژوهش شامل دو بخش می باشد در بخش اول تحلیل مصاحبه و سوالات و در بخش دوم تحلیل پرسشنامه خواهد بود.

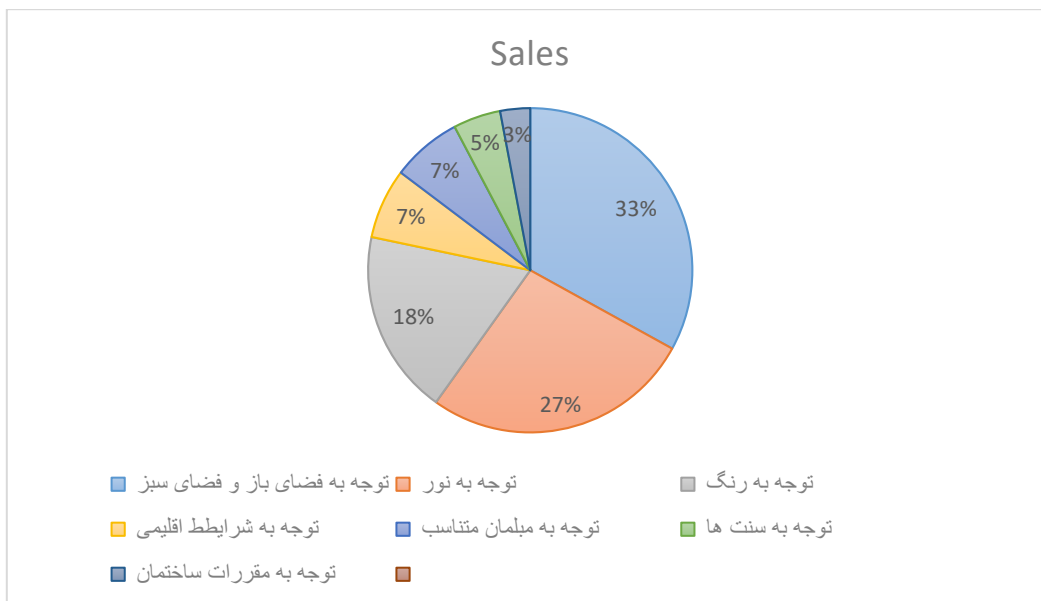
۱- تحلیل مصاحبه ها

از ۳۸ نفر از خبرنگاران (اساتید معماری، کارشناسان و روانشناسان کودک) خواسته شد تا اظهارات مختلفی را در مورد ارکان اصلی حس تعلق به مکان در فضاهای آموزشی کودکان در نظر بگیرند. از تحلیل توصیفی برای دسته بندی این پرسش ها در حوزه فهرست شده استفاده شد و تجزیه و تحلیل توصیفی نتایج زیر را به دست آورد.

- **ریشه های حس تعلق به مکان:** کمتر از نیمی (۴۰,۴٪) از پاسخ دهندگان موافق بودند که حس تعلق به مکان در یک فضا به شکل آن مربوط می شود، در حالی که ۱۴,۶٪ موافق بودند که مربوط به عملکرد، ۱۳,۶٪ به ویژگی های نمادین، ۱۲,۵٪ توجه به اقلیم، ۶,۱ درصد به مکان و تنها ۳,۲ درصد از پاسخ دهندگان معتقد بودند که حس تعلق به مکان با ساختار ساختمان مرتبط است. با توجه به نتایج فوق، تمرکز مطالعه بر روی بناها با دیدگاه خبرنگاران در مورد مسائل حس تعلق به مکان در معماری مطابقت دارد.

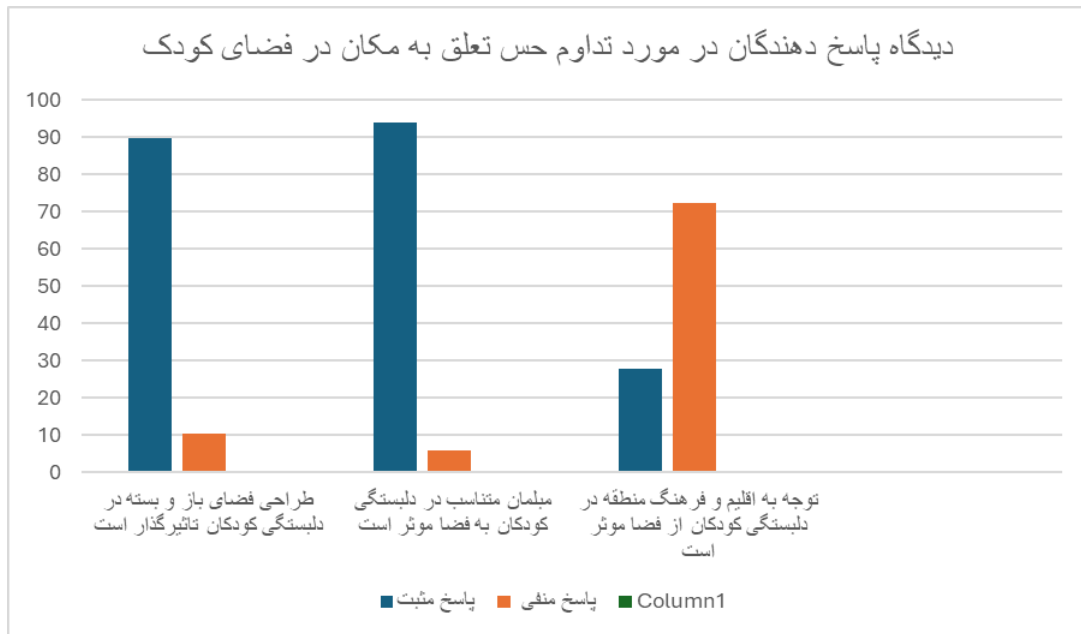


- **عوامل مؤثر بر عوامل کالبدی محیط:** بر اساس ۳۲/۱ درصد از پاسخگویان، فضای باز و فضای سبز مؤثرترین عامل در ساخت حس تعلق به مکان در معماری، نور به میزان ۲۶/۱ درصد، رنگ ۱۷/۹ درصد، شرایط اقلیمی به دنبال آن ۶/۸٪، میلمان متناسب ۶/۸٪، سنت ها ۴/۶٪، و مقررات ساختمان ۲/۹٪ در هویت‌مندی و حس تعلق به مکان موثر است. این نتایج روشن می‌کند که همه عوامل به طور مثبت در فرآیند حس تعلق به مکان نقش دارند



جدول ۳- دیدگاه پاسخ دهندگان در مورد تداوم حس تعلق به مکان در فضای کودکان

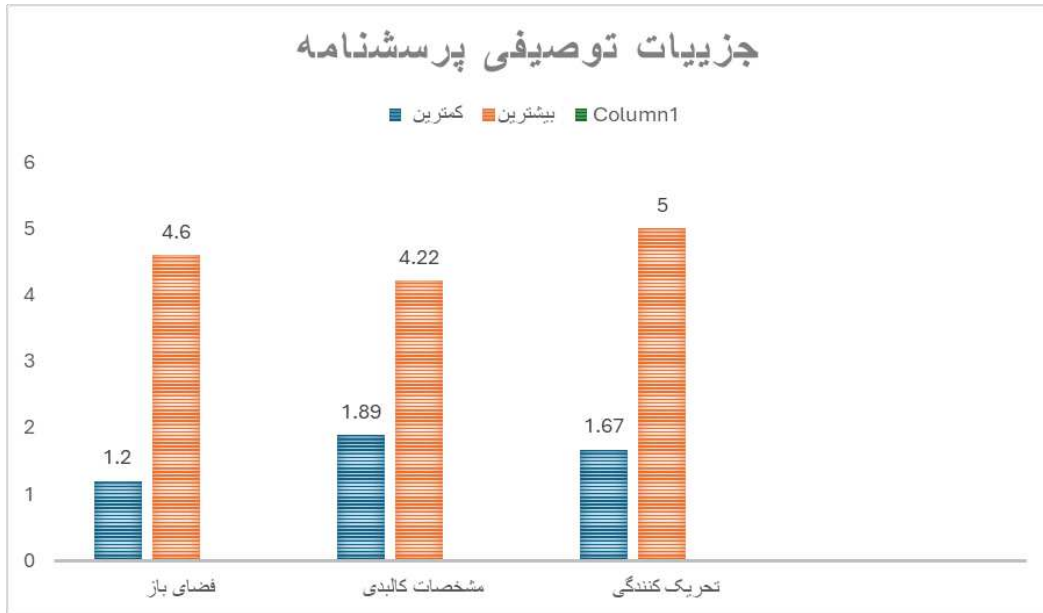
ردیف	سوال	پاسخ مثبت	پاسخ منفی
۱	طراحی فضای باز و بسته در دل‌بستگی کودکان در فضا تاثیرگذار است	۸۹,۷٪	۱۰,۳٪
۲	میلمان متناسب در دل‌بستگی کودکان به فضا موثر است	۹۴,۱٪	۵,۹٪
۳	توجه به اقلیم و فرهنگ منطقه در دل‌بستگی کودکان از فضا موثر است	۲۷,۸٪	۷۲,۲٪



۲- تحلیل پرسشنامه ها

جدول ۴- جزئیات توصیفی

عوامل پرسشنامه	جامعه آماری	N	ضریب انحراف معیار	کمترین	بیشترین
فضای باز	اساتید معماری	۱۱۵	۰,۴۴۳۵۰	۱,۸۰	۴,۲۰
	روانشناسان محیط	۵۰	۰,۳۸۵۴۷	۲,۴۰	۴,۶۰
	کارشناسان و محققین	۳۵	۰,۴۷۰۰۹	۱,۶۰	۴,۰۰
	مجموع	۲۰۰	۰,۵۶۹۴۰	۱,۲۰	۴,۶۰
مشخصات کالبدی	اساتید معماری	۱۱۵	۰,۳۲۶۶۵	۱,۸۹	۳,۷۸
	روانشناسان محیط	۵۰	۰,۲۳۶۰۷	۲,۵۶	۴,۱۱
	کارشناسان و محققین	۳۵	۰,۳۳۰۳۲	۸۹/۲	۴,۰۰
	مجموع	۲۰۰	۰,۳۶۰۰۹	۱,۸۹	۴,۲۲
تحریک کنندگی	اساتید معماری	۱۱۵	۰,۴۱۴۷۴	۱,۶۳	۳,۸۸
	روانشناسان	۵۰	۰,۴۳۶۰۶	۲,۱۳	۴,۰۰
	کارشناسان و محققین	۳۵	۰,۳۷۴۸۲	۲,۶۳	۴,۲۵
	مجموع	۲۰۰	۰,۵۸۱۵۳	۱,۶۷	۵,۰۰
مجموع		۲۰۰	۰,۴۴۴۸۰	۱,۶۳	۴,۲۵



نتایج آماری توصیفی پارامترهای پرسشنامه نشان داده شد همه ی عوامل در ایجاد فضای مناسب کودک با ایجاد حس تعلق به مکان تاثیرگذار است و از این بین فضای باز رتبه اول و مشخصات کالبدی کمترین تاثیر را دارد. لذا برای ارائه یک دیدگاه کلی از پاسخ دهندگان در مورد حس تعلق به مکان واریانس یک طرفه برای هر یک از موارد پرسشنامه گرفته شد.

جدول ۵- واریانس یک طرفه فضای باز

مجموع	df	متوسط	F	Sig.	
۲۵/۹۶۸	۴	۶/۴۹۲	۲۲/۸۶۷	۰,۰۰۰	بین گروه ها
۷۶/۰۸۸	۱۶۸	۰/۲۸۴			درون گروه ها
۱۰/۰۵۷	۲۰۰				مجموع

جدول ۶- واریانس یک طرفه مشخصات کالبدی

مجموع	df	متوسط	F	Sig.	
۸,۴۱۲	۴	۲,۱۰۳	۲۰,۹۸۵	۰,۰۰۰	بین گروه ها
۲۶,۸۵۶	۱۶۸	۰,۱۰۰			درون گروه ها
۳۵,۲۶۸	۲۰۰				مجموع

جدول ۷- واریانس یک طرفه برای تحریک کنندگی

مجموع	df	متوسط	F	Sig.	
۹,۶۳۱	۴	۲,۴۰۸	۱۴,۶۰۴	۰,۰۰۰	بین گروه ها
۴۴,۱۸۴	۱۶۸	۰,۱۶۵			درون گروه ها
۵۳,۸۱۵	۲۰۰				مجموع

تحلیل عاملی با استفاده از چرخش واریماکس برای ارزیابی روایی گویه ها و خلاصه کردن نوع همبستگی بین عوامل انجام شد. علاوه بر این، تحلیل عاملی برای کاهش داده ها، توسعه مدل نظری پیشنهادی و در نهایت شناسایی عوامل مهم فضای آموزشی کودکان که بر حس تعلق به مکان در مدل پیشنهادی تأثیر می گذارد، استفاده می شود.

جدول ۸- آزمون KMO و بارتلت- فضای باز

۰۶۰۲	نمونه گیری	
۷۲,۳۳۵	Approx. Chi	آزمون کرویت بارتلت
۱۵	Df	
۰,۰۰	Sig.	

جدول ۹- آزمون KMO و بارتلت مشخصا کالبدی

۰۶۰۲	نمونه گیری	
۷۹,۹۵۸	Approx. Chi	آزمون کرویت بارتلت
۲۱	Df	
۰,۰۰	Sig.	

جدول ۱۰- آزمون KMO و بارتلت جزئیات تحریک کنندگی

۰۶۲۵	نمونه گیری	
۳۵۷,۰۹۹	Approx. Chi	آزمون کرویت بارتلت
۱۰۵	Df	
۰,۰۰۰	Sig.	

۳- پاسخ به پرسشهای پژوهش

- چه عواملی در طراحی فیزیکی فضاهای آموزشی مانند نورپردازی، رنگها، چیدمان کلاسها و فضاهای باز برحس تعلق به مکان کودکان تأثیر گذار هستند؟
 - چه راهکارهایی میتوان برای بهبود حس تعلق به مکان در محیطهای آموزشی ارائه داد؟
- فضای باز: نتایج نشان می دهد که فضاهای بازی متنوع و رمز آمیز بودن و تنوع مصالح و طراحی فضای باز و بسته می تواند حس دلبستگی فضای کودک تأثیر دارد .
- تحریک کنندگی : نتایج نشان می دهد که تنوع و تغییر ناگهانی فضا ، طراحی فضای رمز آمیز و استفاده از نور و رنگ در حس دلبستگی کودک تأثیر دارد .
- نتایج نشان می دهد که طراحی فضاهایی که جنبه ی تخیلی دارند و فضاهای متضاد در طراحی فضای کودک در حس دلبستگی کودک و تأثیر گذار است .
- پس از بررسی پیشینه پژوهش ، مصاحبه با خبرگان و تحلیل پرسشنامه های ارائه شده فضاهای باز و بسته و رنگ و نور و استفاده از پوشش گیاهی و بازی های متنوع و استفاده از المان های متنوع سمعی و بصری میتواند سبب افزایش حس تعلق به مکان در کودکان شود .
- نتایج نشان می دهد که رنگ های شاد و طراحی فضاهای بازی متنوع در یک سالن می تواند در خلاقیت و علاقه مندی و حس دلبستگی فضای کودک و خلاقیت کودک تأثیر دارد .

نتیجه گیری و ارائه ی پیشنهادها

مکان پدیده ایست که بوسیله ی انسان معنا پیدا می کند. انسان با زندگی در مکان با آن انس می گیرد و دلبسته می شود. دلبستگی به مکان با کیفیت آن رابطه ی مستقیم دارد و متاثر از نحوه ی طراحی آن است. کودکی یکی از مهم ترین سنین در هر انسان است که ریشه بسیاری از پیشرفت ها در آینده می باشد . ویژگی های شخصیتی یک کودک تحت تأثیر سال های ابتدایی زندگی اش بنیان نهاده می شود ، و بدیهی است که کودکان امروز آینده سازان و اداره کنندگان فردای کشور خواهند بود. در کشورهای پیشرفته روش های آموزشی و محیط های کودکان را در جهت شکوفایی استعداد های بالفطره کودکان تعیین می نمایند. کودکان رشد نیاز به شناخت توانایی ها و نیازهای روحی و جسمی، و پتانسیل های

درونی‌شان دارند. هنر نوعی ابزار است که کودکان با دستیابی به آن با دریچه‌ای تازه از فهم و درک مواجه می‌شوند. همچنین نقش هنر در پرورش استعدادها و توانایی کودکان موثر است.

حس دلبستگی از رشته‌ی روانشناسی و بررسی بین افراد با هم آغاز شد، و دلبستگی انسان به مکان‌های خاص مورد توجه قرار گرفت و جایگاه خود را در رابطه‌ی انسان و مکان پیدا کرده است. دلبستگی انسان به مکان پیوندی عاطفی است و تابع خصوصیات فردی می‌باشد. دلبستگی به مکان دارای اجزای انسان و مکان و فرایند دلبستگی است. مردم به فضاهایی دلبسته می‌شوند که ویژگی‌های کالبدی همچون تراکم و میزان تسهیلات آن پاسخگوی نیازهای زندگی آنان باشد و همین امر باعث شکوفایی کودکان خواهد شد.

حس تعلق به مکان در یک فضا به شکل، عملکرد، ویژگی‌های نمادین و اقلیم آن مربوط می‌شود و عوامل مؤثر بر عوامل کالبدی محیط فضای باز و فضای سبز مؤثرترین عامل در ساخت حس تعلق به مکان در معماری و نور و رنگ بیشترین تاثیر را حس تعلق به مکان نقش دارند.

پیشنهادات

با توجه به یافته‌های تحقیق، پیشنهادات زیر برای طراحی و بهبود محیط‌های آموزشی کودکان با رویکرد تقویت حس تعلق به مکان ارائه می‌شود:

۱. استفاده از رنگ‌های شاد و متنوع: انتخاب رنگ‌های مناسب و شاد در فضاهای آموزشی می‌تواند به افزایش انگیزه، خلاقیت و حس آرامش کودکان کمک کند. ترکیب رنگ‌های روشن و متعادل می‌تواند تأثیر مثبتی بر روحیه و تعاملات اجتماعی کودکان داشته باشد.
 ۲. طراحی فضاهای باز و سبز: ایجاد فضاهای سبز، باغ‌های کوچک، پوشش گیاهی داخلی و فضای باز برای بازی و تعامل با طبیعت، می‌تواند احساس آرامش و امنیت را در کودکان تقویت کند و حس تعلق به محیط را افزایش دهد.
 ۳. ایجاد تنوع در فضاهای بازی: طراحی فضاهای بازی متنوع با سطوح مختلف، ابزارهای بازی گوناگون و ترکیب فضاهای سرپوشیده و باز، می‌تواند باعث ارتباط قوی‌تری بین کودکان و محیط آموزشی شود و احساس مالکیت آن‌ها نسبت به فضا را تقویت کند.
 ۴. استفاده از عناصر بصری و شنیداری جذاب: استفاده از تصاویر دیواری، نقاشی‌های کودکان، نورپردازی مناسب، پخش صداهای آرامش‌بخش مانند صدای طبیعت و استفاده از المان‌های تعاملی، می‌تواند در تقویت حس تعلق به محیط مؤثر باشد.
 ۵. انعطاف‌پذیری در طراحی فضاها: طراحی فضاهای آموزشی باید قابلیت تغییر و انطباق با نیازهای مختلف کودکان را داشته باشد. استفاده از مبلمان متحرک و ماژولار می‌تواند به کودکان امکان دهد تا فضا را متناسب با نیازهای خود تنظیم کنند.
 ۶. بهینه‌سازی نورپردازی طبیعی و مصنوعی: نور طبیعی نقش مهمی در ایجاد حس تعلق و افزایش تمرکز کودکان دارد. ترکیب نور طبیعی و مصنوعی با قابلیت تنظیم میزان روشنایی در طول روز می‌تواند بر راحتی و سلامت روانی کودکان تأثیر مثبتی داشته باشد.
 ۷. افزایش مشارکت کودکان در طراحی محیط: در نظر گرفتن نظرات کودکان در طراحی فضاهای آموزشی و ایجاد فرصت‌هایی برای تعامل مستقیم آن‌ها با محیط، می‌تواند منجر به افزایش حس مالکیت و تعلق آن‌ها به فضاهای آموزشی شود.
 ۸. تقویت تعاملات اجتماعی از طریق طراحی فضاهای مشترک: ایجاد فضاهای مشترک برای کار گروهی، بازی‌های جمعی و تعاملات اجتماعی، می‌تواند باعث افزایش همکاری و ارتباطات مثبت بین کودکان شده و حس تعلق آن‌ها را به محیط افزایش دهد.
 ۹. رعایت اصول ارگونومی در طراحی مبلمان و تجهیزات: استفاده از مبلمان متناسب با ابعاد و نیازهای فیزیکی کودکان می‌تواند راحتی و تعامل مثبت آن‌ها با محیط را افزایش دهد.
 ۱۰. توجه به زمینه فرهنگی و اقلیمی در طراحی فضاها: طراحی فضاهای آموزشی باید با شرایط اقلیمی منطقه سازگار باشد و ویژگی‌های فرهنگی کودکان را در نظر بگیرد تا حس آشنایی و ارتباط بیشتری با محیط ایجاد شود.
- اجرای این پیشنهادات می‌تواند به بهبود کیفیت فضاهای آموزشی کودکان کمک کند و زمینه‌ای مناسب برای رشد، یادگیری و تعاملات اجتماعی آن‌ها فراهم آورد.

قدردانی

با سپاس فراوان از تمامی اساتید، پژوهشگران و کارشناسان محترمی که با ارائه نظرات ارزشمند خود، ما را در انجام این تحقیق یاری کردند. همچنین از معلمان، مربیان و والدینی که با صبوری و دقت، تجربیات خود را در اختیار ما قرار دادند، قدردانی می‌کنیم. سپاس ویژه از تمامی کودکانی که با شور و اشتیاق در این پژوهش شرکت کردند و با نگاه بی‌پیرایه خود، دریچه‌ای نو به روی ما گشودند. همچنین از اعضای خانواده و دوستانی که در طول مسیر تحقیق با حمایت‌های بی‌دریغ خود ما را همراهی کردند، صمیمانه قدردانی می‌کنیم. امیدواریم نتایج این پژوهش بتواند گامی مؤثر در جهت بهبود کیفیت فضاهای آموزشی کودکان و ارتقای حس تعلق آن‌ها به محیط یادگیری باشد.

منابع

- ۱- رحیم لو، بهرام و اسکندری، امید حسین (۱۳۹۴). حس تعلق پذیری کودک به فضا در مهدهای کودک. اولین کنفرانس بین المللی انسان، معماری، عمران، تبریز.
- ۲- صالحیان، ابوالفضل (۱۳۹۵). مقایسه نشانه های ترس در کودکان سنین ۹ تا ۱۲ سال تک سرپرست و عادی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.
- ۳- فروزنده، علی و مطلبی، قاسم (۱۳۹۲). مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل دهنده آن. هویت شهر، ۵(۸)، ۲۷-۳۷.
- ۴- کرونر، والتر (۱۳۸۵). معماری برای کودکان (ترجمه احمدخوشنویس و المیرا میررحیمی). تهران: انتشارات گنج هنر.
- ۵- لوشر، ماکس (۱۳۹۳). روانشناسی رنگها (ترجمه ویدا ابی زاده). تهران: درس.
- ۶- مستغنی، علیرضا و اعتمادی، شهرزاد (۱۳۹۲). ایجاد فضای کاشانه در پرورشگاه باتاسی از حس مکان (بررسی موردی: مجتمع خدمات بهزیستی پرورشگاه آمنه تهران). نامه معماری و شهرسازی، ۷(۱۴)، ۹۷-۱۱۵.
- ۷- نوذری، عبدالرحمن (۱۳۹۳). ارائه الگوی بهینه مکانیابی فضای سبز شهری با استفاده از سامانه اطلاعات جغرافیایی (GIS) و مدل (AHP) نمونه موردی: شهرشوشتر. اولین همایش ملی جغرافیا، شهرسازی و توسعه پایدار، تهران.
- 8- Lüscher, M. (2014). The psychology of color (V. Abizadeh, Trans.). Tehran: Darsa.
- 9- Kröner, W. (2006). Architecture for children (A. Khushnuis & A. Mirrahimi, Trans.). Tehran: Ganj Honar Publications.
- 10- Rahimloo, B., & Eskandari, O. H. (2015). The child's sense of belonging to space in kindergartens. In Proceedings of the First International Conference on Human, Architecture, and Civil Engineering. Tabriz.
- 11- Salehian, A. (2016). Comparative study of fear indicators in children aged 9 to 12 years in single-parent and ordinary families (Master's thesis, University of Tabriz).
- 12- Forouzandeh, A., & Matlabi, Q. (2013). The concept of sense of place and its constitutive factors. City Identity, 5(8), 27-37.
- 13- Mostaghni, A., & Etemadi, S. (2013). Creating a homelike environment in an orphanage based on the sense of place (Case study: Ameneh Welfare Services Complex in Tehran). Journal of Architecture and Urban Planning, 7(14), 97-115.

Type of article: research article**Investigating the factors of space creation in prominent housing architecture projects:
(Case study: 2006 Architect Award winners)¹**

Laleh Ghasemi: PhD student, Department of Architecture, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. (Lalehghasemi93@yahoo.com)

Nasim Najafgholipour Kalantari*: Assistant Professor, Department of Architecture, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. (n.najafgholipour@iau.ac.ir)

Hassan Sattari Sarbangholi : Associate Professor, Department of Architecture and Urban Planning, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. (Sattari@iau.ac.ir)

Article Info

Received: 18/1/2025

Accepted: 4/3/2025

PP:80-94

Keywords:

Creating space, design issues, architect award, selected residential designers.

Abstarct

Among the competitions currently being held in the country, the Architect Award competition can be mentioned as the most long-standing competition with renowned judges and masterful judging criteria. Therefore, considering that the impact of this competition and other competitions on residential architecture in the country is not transparent, and also considering that the credibility and works of architectural excellence can be examined from the perspective of psychology, beauty, and art, in order to answer the question of whether the judging criteria in the Architect Award competition create space in these projects?

Research Objective: In this research, which examines the factors that create space in the architectural excellence projects of 2006, the aim is to examine the design structure in these projects and the factors that affect the creation of space in them.

Research Method: For this research, a quantitative-analytical method has been used, which, with the help of documents available in magazines, articles, and written documents, 8 selected residential projects that have been selected for the Architect Award in 2006 have been examined and analyzed.

Research result: The result of this research is the local materials used in these buildings and the transparency and extroversion of the projects, which have created an interior and exterior space, both in terms of landscape and lighting and ventilation. Also, the design of these projects emphasizes an individual look and more on the formal look, and distances itself from the category of housing and residence design.

This factor in itself determines the design structure of these projects.

¹.taken from the doctoral thesis of student Laleh Ghasemi titled Paradigms of space creation with this article on formalism in the sequence of 1380 to 1400 A.H. in the works of Iranian architects with the guidance of the first supervisor Dr. Nasim Najafaqli Porkalantari and professor Dr. Hassan Satari Sarbangali at Islamic Azad University.

Citation: Ghasemi, Laleh, Najafipour, Nasim, Sattari Sarbangoli, Hassan (2025). Investigating the factors of creating space in the key projects of residential architecture:(Case study: 2006 Memar Award winners). human-centered architecture and environments, Volume 1 (1), 80-94

DOI:

Extended Abstract

Introduction

This paper examines the special factors in space in housing architecture projects in Iran by building the winners of the 2006 Memar Award competition. While the Memar Award competition is an annual event that is both praised and criticized, there is a lack of transparency regarding its impact on housing architecture in Iran.

The novelty of this study lies in its investigation into the identified research gaps. Specifically, the study aims to identify and analyze the key factors that contribute to the creation of outstanding spaces in award-winning housing projects and attempts to influence housing design and construction.

Methodology

This section describes the research method, statistical population, data collection tools, and its validity and reliability. The research project in the theory of architectural cognition selected in the 2006 Architect Award in Iran and its evaluation, recognition of possibilities and problems, and determination of the overall design result. The research method in the following article is a quantitative-analytical research in which the semantic and semantic methods are used.

Results and discussion

With the help of coding and drawing diagrams of factors influencing the creation of space, including: facade materials, colors used in the facade, transparency or lack of transparency in the project shell, etc., conclusions are reached.

In a way that the coding and identification of each project and their placement in each image appear as factors of creating the facade.

Conclusion

One of the important factors in the formation of space and space-making in the architecture of a building is the type of materials used in the facade, as well as the color of the materials and the type of implementation and use.

According to the review and analysis of the Memar Award-winning projects in 2006 with codes A1, A2, A3, A4, A5, A6, A7, A8, the type of construction of the project according to the design (5-1-Example of Analysis of Facade Material Type) is as follows: Implementation in 5 projects wood with project code 4, 4 wire projects with code 4, projects code 3 and 6 composite and iron projects in 1 with codes 7 and 5 and the most common colors in these materials according to coloring (5-2 Facade Material Color Analysis Chart): White and brown in 5 projects with codes 1 and 3 yellow and black in 3 projects with codes 2 and 5 brick projects with codes 2 and brick project with code 4 in . It shows the greater characteristic of local materials in construction. Also, according to the analysis chart of spatial factors (Chart 4-3), out of the 8 projects examined in this chart, the identifiers A2, A3, A4, A5, A6, A8 have extroverted architecture and according to Chart (4-4) have a semi-transparent shell and 2 projects with identifiers A1, A7 have transparent architecture.

Also, according to the sign (4-3), 6 buildings of the buildings examined with identifiers A1, A4, A5, A6, A7, A8 have a veranda and 2 buildings with identifiers A2, A3 have a terrace. This statistic in itself indicates the attention of the judges of the Architect Award competitions to the discussion of light and air conditioning as well as the type of view and facade of the building to the surrounding environment, which creates space in this environment.

With more attention to the selected projects, it is a fact that the different form in the facade, uniqueness, formalism and creating a face in the external components, are more towards individual satisfaction and uniqueness of this appearance. And less towards the meaning of residence and expression of the design.

نوع مقاله (علمی-پژوهشی)

بررسی عوامل خلق فضا در پروژه های شاخص معماری مسکن: (نمونه موردی: برندگان جایزه معمار ۱۳۸۵)^۱

لاله قاسمی: دانشجوی دکتری تخصصی گروه معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. (Lalehghasemi93@yahoo.com)

نسیم نجفقلی پور کلانتری*: استادیار گروه معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. (n.najafgholipour@iau.ac.ir)

حسن ستاری ساربانقلی: دانشیار گروه معماری و شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. (Sattari@iau.ac.ir)

چکیده

اطلاعات مقاله

از میان مسابقات درحال برگزاری در داخل کشور می توان به مسابقه جایزه معمار به عنوان باسابقه ترین مسابقه و دارای داوران سرشناس و معیارهای داوری استنادانه اشاره کرد. لاجرم، با توجه به اینکه این که تاثیر این مسابقه و دیگر مسابقات بر معماری مسکن در کشور شفافیت وجود ندارد و همچنین با توجه به اینکه اعتبار و آثار شاخص معماری از دیدگاه روانشناسی، زیبایی، هنری قابل بررسی است، در راستای پاسخ به این سوال که آیا معیارهای داوری در مسابقه جایزه معمار باعث خلق فضا در این پروژه ها می باشد؟

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۴

شماره صفحات: ۸۰-۹۴

در این پژوهش که به بررسی عوامل خلق فضا در پروژه های شاخص معماری سال ۱۳۸۵ پرداخته شده است، هدف ساختار طراحی در این پروژه ها و عوامل موثر بر خلق فضا در آنهاست. روش پژوهش: برای این پژوهش از روش کمی-تحلیلی استفاده شده است که با کمک اسناد موجود در مجلات و مقالات و مستندات مکتوب ، ۸ پروژه منتخب مسکونی که برگزیده جایزه معمار سال ۱۳۸۵ هستند بررسی و تحلیل شده است.

واژگان کلیدی:

خلق فضا، مسائل طراحی، جایزه معمار، طراح های برگزیده مسکونی.

نتیجه ای که از این پژوهش حاصل می گردد، مصالح بومی مورد استفاده در این بناها و شفافیت و برون گرایی پروژه ها است که باعث ایجاد خلق فضای درون و بیرون هم از لحاظ منظر و هم نورگیری و تهویه شده است. همچنین طراحی این پروژه ها نگاه فردی و بیشتر به نگاه فرمی تاکید دارد و از مقوله طراحی مسکن و سکونت فاصله می گیرد. که این عامل به خودی خود ساختار طراحی این پروژه ها را مشخص می نماید.

^۱ این مقاله برگرفته از رساله دکتری تخصصی دانشجو لاله قاسمی با عنوان پارادایم های خلق فضا با رویکرد فرم گرایی در توالی سال های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ ه.ش در آثار شاخص معماران ایران با راهنمایی استاد راهنمای اول خانم دکتر نسیم نجفقلی پورکلانتری و استاد مشاور آقای دکتر حسن ستاری ساربانقلی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، درحال انجام است.

استناد: قاسمی، لاله، نجفقلی پور، نسیم، ستاری ساربانقلی، حسن (۱۴۰۳). بررسی عوامل خلق فضا در پروژه های شاخص معماری مسکن: (نمونه موردی: برندگان جایزه معمار ۱۳۸۵). فصلنامه معماری و محیط‌های انسان محور، ۱ (۱)، ۸۰-۹۵.

DOI:

۱. مقدمه

دل بستگی بشر به فضا ریشه های وجودی دارد. این دل بستگی از نیاز به فهم مناسبات حیاتی در محیط پیرامونش سرچشمه میگیرد، تا به دنیای اتفاقات و فعالیت ها معنا و نظم دهد (Partovi, 2013, 84). یکی از نکات متمایزکننده طراحی و پژوهش، ابزارهای مورد استفاده در آنهاست؛ یعنی، ابزارهای طراحی عمدتاً وابسته به مهارت های ترسیمی است، درحالیکه، ابزارهای پژوهش با کلام مرتبط است. باین وجود، طراحی کاملاً منفک از کلام هم نیست. توصیف طراحی به عنوان یک امر بلاغی، بر همین امر دلالت دارد. (Buchanan, 2021, 13)

همچنین به دلیل عدم وجود روشی برای خلق معانی مشترک، شکافی عمیق میان فضای اندیشیده شده و فضای درک شده ایجاد شده است. تغییرات بنیادین و دگرگونی های پیوسته در طراحی پژوهی و همپیوندی آن با معماری و آموزش امروز منجر به گسست تجربه مستقیم طراحان از الگوهای فضایی ثابت و در پی آن عدم شکل گیری روند طبیعی و دگرگونی کهن الگوهای معماری برای بازنمایی مفاهیم ازلی و سرمشق ها شده است. (Yamini, Setareh, Alimohammadi, Parisa, Bazr Afkan, Kaveh, 2022). برخی معماری را بر اساس تأثیری که فضای معماری بر روان انسان میگذارد، تعریف میکنند. هنگامی فضای پیرامون ما با ما ارتباط برقرار میکند که با پیشینه ی ذهنی و روانی ما درگیر شده و بر پایه ی محتویات ذهنی یا تجربیات گذشته آن را درک کرده باشیم. اگر هیچ شناختی وجود نداشته باشد، طبعاً تجربه ای هم رخ نمیدهد. این بدان معناست که در ساماندهی فضا یا در معماری، ما باید سابقه ی ذهنی شرکت کننده و بهره گیرنده از فضا را شناخته باشیم و بر آن مسلط باشیم، وگرنه فضا را بر او تحمیل و نظریه پردازانی همچون رودولف آرنهیم خواهیم کرد (Noghre kar, 2013, 163). این مقاله به بررسی عوامل موثر در فضاسازی در پروژه های معماری مسکن در ایران با تمرکز ویژه بر برندگان مسابقه جایزه معمار ۱۳۸۵ می پردازد. در حالی که مسابقه جایزه معمار یک رویداد سالانه است که هم مورد تحسین و هم انتقاد قرار می گیرد، در مورد تأثیر آن بر معماری مسکن در ایران شفافیت وجود ندارد.

نوآوری این مطالعه در تمرکز آن بر رسیدگی به شکاف های تحقیقاتی شناسایی شده نهفته است. به طور خاص، مطالعه با هدف شناسایی و تجزیه و تحلیل عوامل کلیدی که در ایجاد فضاهای برجسته در پروژه های مسکن برنده جایزه نقش دارند و تلاش برای ارزیابی تأثیر عملی بر طراحی و ساخت مسکن است. با تمرکز بر این حوزه ها، هدف این مطالعه ارائه بینش های ارزشمندی در مورد نقش رقابت های معماری در شکل دهی به معماری مسکن و کمک به درک گسترده تر عوامل ایجاد فضا در پروژه های مسکن برجسته است.

۲. پیشینه تحقیق

در این قسمت از پژوهش جدول منابع پژوهشی مرتبط با مقاله تدوین گشته است.

جدول ۱- پیشینه تحقیق (ماخذ: نگارندگان)

سال	نگارنده	عنوان اثر	مطالب مهم ذکر شده	نتیجه گیری	ارتباط با مقاله
۱۳۹۹	رحیمی، انصاری، بمانیان، مهدوی نژاد	ارزیابی تأثیر مؤلفه های کالبدی بر حس دل بستگی به مکان در فضاهای جمعی مجتمع های مسکونی منتخب تهران	نحوه و میزان تأثیرگذاری مؤلفه های کالبدی در ایجاد حس دل بستگی به مکان، طبقه بندی مؤلفه های کیفی سازنده فضاهای جمعی در مجتمع های مسکونی	مؤلفه های کالبدی اعم از «انسجام و وحدت»، «محرمیت»، «مدیریت تسهیلات و نظارت»، «عناصر طبیعی و سبز»، «غنای بصری» و «قابلیت جهت یابی و خوانایی» به ترتیب اولویت، بیشترین تأثیرگذاری را بر حس دل بستگی به مکان دارند	حس مکان در مجتمع های مسکونی منتخب
۱۴۰۰	موسویان، امین زاده گوهریزی، شاهچراغی	گونه شناسی و مقایسه تطبیقی رویکردهای پژوهشی در مطالعات حوزه زیبایی شناسی معماری	گونه شناسی و مقایسه تطبیقی رویکردهای مرتبط، پژوهش در زمینه ایده های زیبایی شناسانه امکان بازگردانی مواضع نظری به فرآیندهای علمی خلاقیت و ادراک محیط را محیا می سازد.	مفهوم سازی در خصوص رویکردهای مطالعاتی زیبایی شناسی معماری، باید فراتر از ترجیحات شناختی و یا ادراکی انسان و ارزیابی بلافصل یک اثر (که در یک بافت متحدالمرکز، منفعل، شیء محور است) بسط یابد.	شناخت و بررسی زیبایی شناسی در اثر معماری
۱۴۰۰	قشلاقی، بمانیان	معیارهای اصالت و اعتبار آثار معماری معاصر	روشن ساختن تفاوت ها و تشابه های واژگان اصالت و اعتبار و پیشنهاد معیارهایی جهت سنجش آن در آثار معماری معاصر	یک اثر معماری در صورت احراز سرمشق گرفتن عناصر یا ایده، ارائه خالقیت و نوآوری در ترکیب، پیوند و اثرگذاری بر زمینه و جامعه و داشتن	بررسی و ارائه معیار های اصالت و اعتبار آثار معماری معاصر

سال	نگارنده	عنوان اثر	مطالب مهم ذکر شده	نتیجه گیری	ارتباط با مقاله
				صراحت و صداقت میتواند «معتبر» Authentic تلقی شود.	
۱۴۰۱	آئینی، افضلیان، اعتصام، شریعت راد	استعاره به مثابه امتداد قیاس و شیوه استدلال طراحی معماری	شناخت نسبت میان قیاس و استعاره به مثابه شیوه استدلالی پایه در روش های طراحی و کاربست منطقی آنهاست.	قیاس و استعاره از فراگیرترین روش های منطقی هستند که در یک سازوکار چهاربخشی معین، نقشی بنیادین در آفرینش آثار معماری ایفا میکنند.	شیوه استدلال طراحی معماری در پروژه های شاخص
۱۴۰۱	یمینی، علیمحمدی، بذرافکن	نقش تجربه زیسته طراحان در بازنمایی کهن الگوهای معماری نمونه موردی: آثار معماران ایرانی تحصیلکرده خارج از کشور	با تبیین نحوه تأثیر تجربه مستقیم و زیسته طراحان در آفرینش فضا، بر بازنمایی کهن الگوها در فرآیند تولید معماری، از میان کهن الگوهای برگزیده می پردازد	تجربه زیسته طراحان در بازنمایی کهن الگوهای معماری نقش مستقیم دارد. گرایش به شبیه سازی فضاهای کهن الگوی حیاط میانی که ایرانیان در آن تجربه زیسته و پیوسته دارند بیشتر است.	بررسی آثار معماران ایرانی
۱۴۰۳	گودینی و کرمی مقدم	تحلیل گفتمان متون منضم به طرح های برگزیده جایزه معمار (پروژه های مسکونی- آپارتمانی ۱۳۸۰-۱۳۹۷) براساس مدل ساختار مسائل طراحی لاوسون	به دنبال تحلیل گفتمان متون منضم به طرح های برگزیده جایزه معمار براساس مدل پیشنهادی لاوسون درخصوص ساختار مسائل طراحی	گفتمان متون پروژه های مذکور بر نگاه تکاملی، فردی و فرمی به مقوله طراحی مسکن و سکونت تأکید دارد و از نگاه مشارکتی، مجموعه ای و بنیادی فاصله میگیرد.	نمونه های موردی: طرح های برگزیده جایزه معمار

۳. ادبیات و مبانی نظری

۳-۱- فضا:

دل بستگی بشر به فضا ریشه های وجودی دارد. این دل بستگی از نیاز به فهم مناسبات حیاتی در محیط پیرامونش سرچشمه میگیرد، تا به دنیای اتفاقات و فعالیت ها معنا و نظم دهد (Partovi, 2013, 84). فضا از طریق تجربه حسی نمی تواند حاصل شده باشد؛ بلکه خود تجربه بیرونی از راه تصور فضا ممکن میشود. (Seyed Hashemi, 2007)

بیشتر فعالیت های انسانی به فضا وابسته اند، این بدین معناست که کشش ما به سمت اشیا به مناسباتی چون، دور و نزدیک، درون و بیرون، پیوسته و گسسته، منفرد و متحد، تقسیم میشوند. از این رو میتوان به این نکته اشاره کرد، اگر چه فضا مقوله ی اصلی جهت گیری نیست، اما میتوان آن را یکی از نمودهای اصلی آن به شمار آورد. به همین دلیل برای آن که انسان بتواند اهداف خود را در این زمینه عملی کند، ابتدا باید مناسبات فضایی را بداند و سپس آنها را در قالب " مفهوم فضا " وحدت بخشد (Schultz, 2014:15).

درواقع در راستای بحث فضا، بحث زیبایی شناسی مطرح می شود که چارچوب نظری احتمال گرایانه (نسر ۱۹۹۱)، رابطه بین عامل زیبایی شناسی و پاسخ را براساس تعامل گرایی انسان-محیط توضیح می دهد و بیان می کند که پاسخ زیبایی شناسی انسان دارای ارتباط احتمال گرایانه ای است که موجب شناخت یک متغیر مداخله گر کلیدی در طی فرآیند ادراک میشود. این پاسخ ها از دیدگاه های شخصیتی، اجتماعی، تجربه فرهنگی، هدف، انتظار و دیدگاه های ذهنی-عینی با همه احتمالات متفاوت، متغیر هستند. (liu & chuang, 2014.2)

جدول ۲- فضای ادراکی ژان پیازه^۱

ردیف	نوع فضا	مفهوم
۱	فضای عملی (رفتار فیزیکی)	آدمی را با محیط طبیعی و زنده اش یکی میکند
۲	فضای ادراکی (جهت یابی)	اساس هویت انسان به عنوان یک شخص است
۳	فضای وجودی (تصور از جهان)	فرد را به کلیتی اجتماعی و فرهنگی متعلق میکند.
۴	فضای شناختی (دنیای فیزیکی)	به این معنا که آدمی قادر به تفکر در باب فضا است
۵	فضای انتزاعی (مناسبات منطقی)	ابزاری برای توصیف فضای دیگر در اختیار انسان قرار میدهد.

(ماخذ: شولتز، ۲۰۱۴)

¹ Jean Piaget

۳-۲- فضا و مکان:

همه افراد (تاحدودی) توانایی طراحی دارند (Cross, ۲۰۲۳, ۷) علیرغم عمومی و دم دستی بودن طراحی، ماهیت آن بالاخص ماهیت مسائلی که طراحان با آن مواجه اند در زمره موضوعاتی است که تنها در چند دهه اخیر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. بنابه ادعای طراحی پژوهان، مسائل طراحی در زمره مسائل بدذات قرار میگیرند. این واژه برای نخستین بار در سمینار سال ۱۹۶۷ توسط ریتل مطرح شد. شش سال بعد این عنوان در مقالهای توسط ریتل و وبر تشریح گردید. (Lönngren, van poeck, 2021, 481)

معماری هنر^۲ به نظم در آوردن فضا است. از طرفی خاصیت معماری این است که فضایی را تبدیل به مکان کند، این به معنی به فعل در آوردن محتوای بالقوه محیط است. مکان ساختاری (یعنی بیش از حد اشغال شده) مکان ضعیفی است و فضا هر چه انعطاف پذیرتر باشد امکان پیدایش مکانهای غنی تری را فراهم می آورد. به واقع تغییر در جهت کیفیت بخشی به فضا میتواند به ایجاد مکان منجر شود. (Noghre kar, 2013, 174)

جدول ۳- مراتب هفت گانه حضور فرد در مکان (ماخذ: راف، ۲۰۱۱)

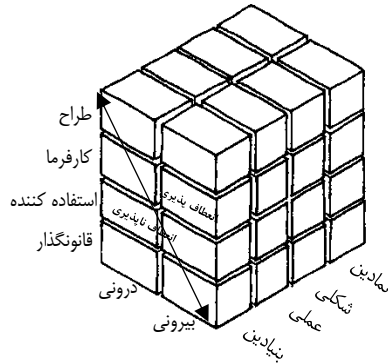
در این تجربه فرد احساس "بودن در درون مکان" را دارد و بدون واکنش خودآگاه و از پیش سنجیده شده مکان را تجربه میکند و این امر برای فرد به تعلق خاطر و همذات پنداری عمیق و کامل با مکان می انجامد.	عرصه ی درونی وجودی
در آن مکان حس بیگانگی، غیرواقعی و ناخوشایندی برای انسان داشته و فرد نمیتواند با آن ارتباط برقرار کرده یا مکان را درک نماید	عرصه ی بیرونی وجودی
شامل تفکیک عمیق شخص و مکان میباشد، به گونهای که فرد خود را جدا از مکان احساس میکند	عرصه ی بیرونی هدفمندانه
در آن مکان ها تنها به عنوان پیش زمینه یا جایگاهی برای امور تلقی میشوند و معمولاً تحت الشعاع عملکردها و فعالیت های موجود در آن قرار میگیرند.	عرصه ی بیرونی ضمنی (اتفاقی)
در آن فرد به طور آگاهانه به ظاهر مکان توجه دارد و از آنجا که مکان برای فرد آشناست، به جزئیات شکل دهنده آن توجه بیشتری میکند	عرصه ی درونی رفتاری
در آن تجربه کننده مکان با تلاشی آگاهانه میکوشد تا با پذیرش معانی یک مکان، احساس آنها و دانستن و احترام به نمادها و همذات پنداری با آن، به جریان رویدادهای آن مکان راه یابد و آن را عمیق تر درک کند	عرصه ی درونی توأم با همدردی و همدلی
در آن فرد توانایی دخالت در مکان را نداشته و نمیتواند بر محیط اطراف تأثیر بگذارد چرا که این تجربه به صورت غیرمستقیم و با واسطه صورت میگیرد	عرصه ی درونی غیر مستقیم (نیابتی)

۳-۳- ساختار مسائل طراحی:

جدا از وابستگی تعریف مسئله به راه حل، تعریف مسئله مستلزم تفسیر ذهنی است (Lawson. ۲۰۰۵, ۱۲۰). بنا به گفته لوسون، در واقع هدف طراحان پرداختن به پرسشهایی از آنچه هست و چگونه و چرایی آن نیست، بلکه آنها بیشتر با آنچه ممکن است باشد، میتواند باشد یا باید باشد کار دارند. (Lawson. 2016, 155) (Cross. 2018, 26-38) معتقد است، روش علمی الگویی از مسئله گشایی است که به کشف ماهیت چیزهای موجود میپردازد؛ حال آنکه روش طراحی الگویی است برای ابداع چیزهای با ارزش که از قبل وجود نداشته اند. تفاوت دیگر که کراس به توضیح آن پرداخته بازهی زمانی انجام کار بر روی مسائل است. طراحان مجبورند در یک بازه ی زمانی کوتاه به نتیجه ای قابل اجرا دست یابند؛ این درحالی است که متخصصین رشته های علمی و ادبی قادر هستند، قضاوت ها و تصمیمات خود را تا کشف دانش بیشتر به تعویق بیندازند. (Lawson. 2016, 149)

همچنین کراس می گوید، در یک مسئله طراحی، تنها برخی از محدودیت ها معلوم هستند؛ برخی دیگر از محدودیت ها، توسط طراح و از دانش آن زمینه اخذ میشوند. مابقی محدودیت ها هم در حین کاوش نمودن راه حل مسئله معین میگردند (Cross. 2019, 152). در واقع طراحان قادر هستند تا در مرحله فرآیند طراحی، اثرات ادراکی طرح های پیشنهادی خود را ارزیابی، مقایسه و تحلیل کنند و در نهایت طرحی که بهترین پاسخ را به اهداف و مسئله های طراحی پیش رو می دهد برگزینند. (Rezaei and Sharghi, 2019)

تصویر ۱- الگوی تکمیل شده مسئله طراحی (Lawson, 2016)

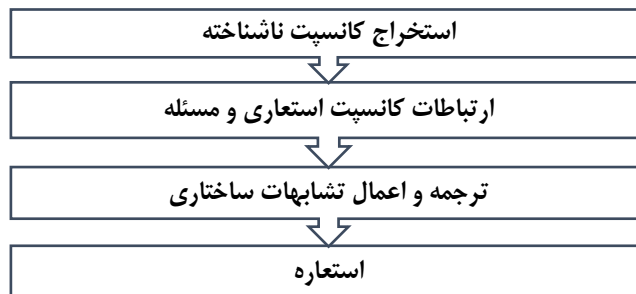


این مدل توضیحی درخصوص اینکه مؤلفه‌ها چگونه در طول زمان بر روی فرایند طراحی تأثیر می‌گذارند، ارائه نمی‌کند. (mose biskjeer & halskov, 2014, 32) این مدل هم برای خبرگان و هم برای نوآموزان مزایایی به همراه دارد. می‌توانند ضمن شناسایی محدودیت‌های طرح در چارچوب دهی به مسائل طراحی از آن بهره‌گیرند. از سوی دیگر این مدل همکاری و مشارکت میان بخش‌های مختلف درگیر در طرح را تسهیل می‌سازد (kiss, 2023, 15).

۳-۱- استعاره و قیاس در ساختار طراحی:

به کارگیری استعاره و قیاس شامل مراحل همچون استخراج منابع و کانسپت‌های متنوع بر پایه مشابهت‌های طرح و منبع، مرتبط کردن تصاویر و کانسپت‌های به دست آمده با موضوع طراحی، و ترجمه و انطباق آنها با مورد طراحی است. در طی همه مراحل، معمار پیوسته با منابع الهام در ارتباط است. (Ayini, Afzalian, Itsam, Shariat Rad, 2022)

تصویر ۲- بکارگیری استعاره در طراحی براساس آرای کاساکین (Ayini, Afzalian, Itsam, Shariat Rad, 2022)



ساختار منحصر به فرد استعاره که ناشی از حذف بخشی از ارکان قیاس است منجر به پیچیدگی اثر هنری، شکل‌گیری زبان مجازی و خلق معنی مضاعف در حین خوانش اثر میشود. همچنین، هرچه منابع استخراج شده انتزاعی‌تر باشند راه‌حلی اصیل‌تر انتظار می‌رود. (همان)

۴-۳- نور در معماری محیط:

عوامل کیفی محیطی همیشه طراحان، معماران و محققان نور روز ماهیتی پویا و متغیر دارد که می‌تواند با توجه به ویژگی‌های معماری طراحی جداره‌های نورگذر، به خصوص هندسه آن و براساس موقعیت جغرافیایی ساختمان، زمان (ساعت، روز، فصل)، شرایط آسمان (صاف یا ابری)، لکه‌های متضاد و پویای تیره و روشن، درخشندگی مختلفی در فضای داخلی خلق کند و با تأثیر بر حواس و ادراکات حسی متفاوت ساکنان که از طریق واکنش‌های احساسی آنها بروز می‌یابد، تجربه فضایی متمایز و معناداری برای افراد به وجود آورد. (abboushi, B. 2019, Andersen, 2015, chamilothori et al., 2019, Moscoso et al., 2020, rockcastle et al., 2017)

تعدادی از معماران و طراحان داخلی بر این قابلیت بالقوه نور روز گرایش یافته و تلاش می‌کنند در طراحی جداره‌های نورگذر علاوه بر توجه بر نیازهای جسمانی و متغیرهای کمی و عددی نور روز، به مؤلفه‌های کیفی و نیازهای روانشناختی ساکنان شامل تأثیرات نور روز بر حواس و ادراکات حسی ساکنان، چشم‌انداز و حریم شخصی در فضای داخلی و عوامل زیبایی‌شناختی از نمای خارجی ساختمان بپردازند که این امر آنها را به استفاده از الگوهای هندسی مختلفی در جداره‌های نورگذر ساختمان‌ها شامل نماهای دایره‌ای و چندلایه و پوسته‌های متخلخل سوق داده است. به نظر

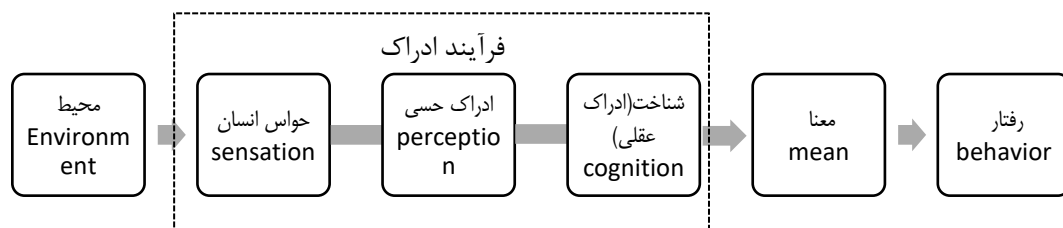
می رسد بهره مندی ایده آل از توانایی ذاتی نور روز در بهبود حس و حال فضای داخلی و سلامتی جسمی و روحی ساکنان، با تمرکز بر طراحی جداره های نورگذر از طریق راهکارهای برآمده از نتایج و دستاوردهای پژوهش های تجربی پیوند مییابد. (Rezaei and Sharqi, 2024)

برخی پژوهشگران رابطه تعداد محدودی از الگوهای هندسی متفاوت انتشار نور روز را با ادراکات حسی افراد تبیین کرده اند (abboushi, B., 2017, rockcastle et al., 2020, Moscoco et al., 2019, chamilothori et al., 2015, Andersen, 2019)، ولی خلاء مطالعاتی قابل توجهی در زمینه تبیین رابطه طیف متنوعی از الگوهای هندسی انتشار نور روز از لحاظ شکل و توزیع فضایی و لکه های نور برآمده از آنها بر ادراکات حسی افراد به خصوص در بستر ساختمان های مسکونی مشاهده میشود. همچنین تعداد نامحدودی الگوهای هندسی انتشار نور روز هستند که میتوانند بر جداره های نورگذر ساختمان ها قرار گرفته و با تغییرات اندک در هندسه خود تفاوت معناداری بر نوع حس فضای منتج از آن ایجاد کنند که این موضوع ارائه یک گونه بندی و دستورالعمل جامع برای معماران را دشوار میسازد. (abboushi, B. 2019, Andersen, 2015,) (chamilothori et al., 2019, Moscoco et al., 2020, rockcastle et al., 2017)

۴-۴- روانشناسی محیط:

در حوزه روانشناسی محیط، فرایند ادراک انسان از محیط شامل سه گام متوالی و به هم پیوسته (حواس انسان)، (ادراک حسی) و (ادراک عقلی) است (تصویر ۳-۲). نخست حواس انسان، آغازگر هر گونه واکنش حسی است که به واسطه حواس و سیستم عصبی انسان انجام میشود. در مرحله بعد یعنی ادراک حسی، اطاعات از میان داده های حسی انتخاب و پردازش میشوند. در این گام داده های نخستین طبق مشخصه هایشان در ذهن ثبت و تقسیم بندی میشوند. در واقع، این مرحله، تصویرسازی در ذهن است. کنکاش ذهنی که ارزیابی، نتیجه گیری و شکل گیری تصورات ذهنی را شامل میشود در مرحله نهایی یعنی ادراک عقلی انجام میشود. هر سه مرحله با هم سبب متمایز و معنادار شدن محیط برای انسان شده است که منجر به بروز رفتار میشود (Sarmadi et al., 2019)

تصویر ۳-۲- فرایند حواس انسان، ادراک و شناخت. (مأخذ: سرمدی و همکاران، ۱۳۹۷)



۳-۵- معیارهای سنجش در ششمین دوره مسابقه جایزه معمار :

- خلاقیت و نوآوری در طراحی و نوآوری در کاربرد مصالح و فناوری ساختمان
- مواجهه خلاقانه با مشکلات خاص پروژه از جمله: محدودیت های اقتصادی، شرایط خاص سایت از نظر ابعاد و اندازه ها، ضوابط و رویه های قانونی (به ویژه در شهرها)، دشواری های فنی و ...
- دقت و نوآوری در طراحی جزئیات
- توجه به محیط پیرامونی و شرایط اقلیمی، ارزش های زیست محیطی و تعهدات اجتماعی (متن پوستر فراخوان مسابقه جایزه معمار)

۴. روش تحقیق:

در این قسمت به بیان روش پژوهش، جامعه آماری، ابزار جمع آوری داده ها و روایی و پایایی آن پرداخته می شود. فرآیند تحقیق در بخش نظری شناخت آثار منتخب معماری در جایزه معمار سال ۱۳۸۵ در ایران و ارزیابی آن و شناخت امکانات و مشکلات و تعیین اهداف کلی طرح حاصل می گردد. در این پژوهش سعی شده تا ارزیابی نحوه ساختاردهی به مسائل طراحی توسط برگزیدگان جایزه معمار سال ۱۳۸۵ در بخش مسکونی - آپارتمانی، براساس نظرات خود طراحان و منتقدان و با استناد به نوشته های آنها که در مجله معمار ارائه شده است، انجام شود. برای این منظور تعداد ۸ اثر مسکونی-آپارتمانی-مجتمع انتخاب شده است.

مطالعات کتابخانه‌ای:

مطالعات معماری در ارتباط با نمونه‌های آثار شاخص در ایران و همچنین اصول و مفاهیم بنیادی، در مورد خلق فضا، جست و جو از طریق سایت‌های اینترنتی معتبر و مجلات برای دستیابی به نمونه‌ها، مطالعه کتب مربوط و بررسی شاخص‌های مربوط به طراحی فضاهای کالبدی بناهای مربوط به آثار شاخص.

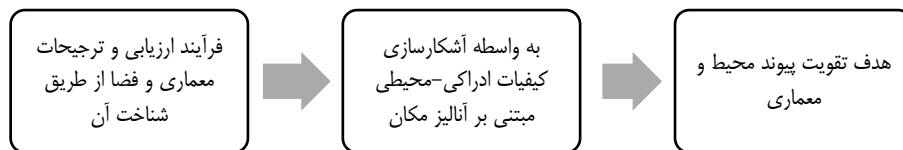
مطالعات میدانی:

بررسی و شناخت تحلیل نمونه‌های آثار.

آنالیز و مطالعه در رابطه با آثار شاخص.

روش تحقیق در مقاله پیش رو، گونه‌ای تحقیق کمی-تحلیلی است که در آن، از روش سمانتیک و معناگرایی نیز استفاده شده است.

تصویر ۴- هدف نظام فکری حاضر در رویکردهای پژوهشی تجربه محور. (ماخذ: نگارندگان)



۵. نمونه‌های موردی:

جدول ۴- نمونه‌های موردی. (ماخذ: نگارندگان)

نام پروژه	مکان	سال ساخت	نام معمار	عنوان جایزه	نوع کاربری
خانه پورسیدی	کرمان	۱۳۸۵	شروین حسینی	رتبه ۳ جایزه معمار ۱۳۸۵	تک واحدی
ویلاي مانلی	مازندران	۱۳۸۳	مرزباری	رتبه ۱ جایزه معمار ۸۵	ویلايی
ویلاي شماره ۲ (ویلاي شهرک دریاچه)	مازندران	۱۳۸۵	خزائی	رتبه ۲ جایزه معمار ۸۵	ویلايی
ساختمان دولت	تهران	۱۳۸۵	شرافتی، اسلامی، ایلخانی	جایزه معمار ۸۵ رتبه ۱	آپارتمان
مجتمع اردیبهشت	اصفهان	۱۳۸۵	رامین مدنی	برگزیده جایزه معمار ۸۵	مجتمع
مجتمع گنج دانش	تهران	۱۳۸۵	مهدی زاده	جایزه معمار ۸۵ رتبه ۲	مجتمع
مجتمع کوی پروانه	تهران	۱۳۸۴	زند حریرچی	جایزه معمار ۸۵ رتبه ۳	مجتمع
مجتمع آوا آهنگ	تهران	۱۳۸۵	قدسی و شیرزاده	تقدیر شده جایزه معمار ۸۵	مجتمع

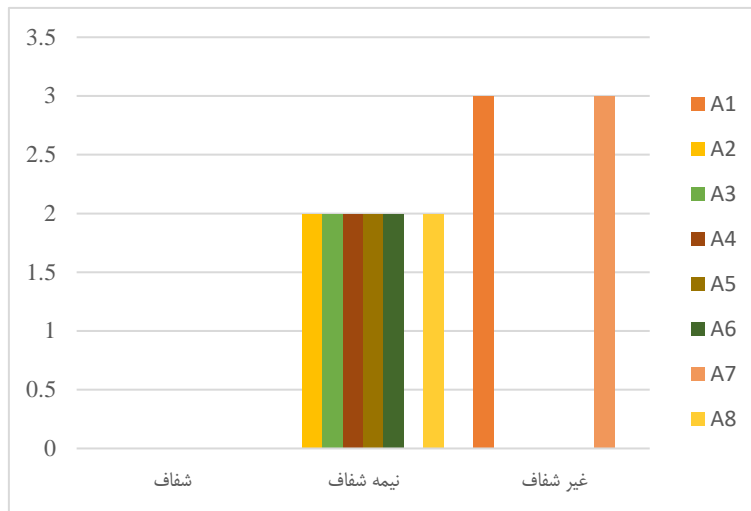
جدول ۵- نام و شناسه پروژه های شاخص سال ۱۳۸۵. (ماخذ: نگارندگان)

تصویر و نام طرح	شناسه	تصویر و نام طرح	شناسه	تصویر و نام طرح	شناسه	تصویر و نام طرح	شناسه
 خانه پورسیدی	A1	 ویلای مانلی	A2	 ویلای شماره ۳	A3	 ساختمان دولت ۱	A4
 مجتمع مسکونی اردیبهشت	A5	 کج دانش	A6	 کوی پروانه	A7	 آوا آهنگ	A8

جدول ۶- کدگذاری داده های در دسترس بر روی آثار منتخب ۱۳۸۵. (ماخذ: نگارندگان)

شناسه داده	کدهای باز	ویژگی های خلق فضا
A1	مصالح نما سنگ و آجر- رنگ مصالح زرد و قهوه ای و سیاه دارای ایوان پنل متحرک باز شو پنجره ها دارای پوسته غیر شفاف-درون گرا	کاربرد حرفه ای از احجام در جداسازی فضاها، تامین نور از شکاف های جانبی ساختمان
A2	مصالح محلی-سیمان و سنگ- رنگ زردسفید و قهوه ای تراس دارد. حیاط دارد. ستون در ورودی بنا نمایان است. دارای پوسته نیمه شفاف-برون گرا	استفاده از مصالح محلی و صنایع دستی، الگوی معماری محلی طراحی شده است.
A3	مصالح سیمان-شیشه-آجر- رنگ سفید و سیاه و قهوه ای تراس دارد. حیاط مرکزی دارد. پوسته نیمه شفاف-برون گرا ستون در ورودی بنا نمایان است. دسترسی از طریق پله در ورودی ساختمان	لبه های بیرون زده سطوح که بر اساس بازنمایی جای دقیق تیرها شکل گرفته اند.
A4	مصالح نما چوب و شیشه- رنگ قهوه ای ایوان دارد. دارای پوسته نیمه شفاف-برون گرا دارای عرض کم زمین جهت طراحی	عرض خیلی کم بنا و حل پلان طبقات با مترای خیلی کم ، باعث ایجاد خلق فضا در این ساختمان شده است.
A5	نوع مصالح نما آجر- رنگ زرد ایوان دارد. پوسته نیمه شفاف- برون گرا	این ساختمان با ظاهری آرام و در بخش هایی با نمای منحنی شکل باعث ایجاد خلق فضایی بدون تنش در بستر خود شده است.
A6	نوع مصالح سنگ و چوب- رنگ سفید و قهوه ای و سیاه دارای ایوان است. دارای پوسته نیمه شفاف-برون گرا	در این پروژه بیشتر به فضای داخلی توجه شده است. ترکیب آجر و چوب و سنگ در طراحی فضاهای داخلی خلق فضای ویژه ای را به تصویر می کشد.
A7	نوع مصالح آجری-سیمان- رنگ آجری و سفید	شکافت در نمای آجری .

نمودار ۵- تحلیلی نوع پوسته بنا در پروژه های ۱۳۸۵. (ماخذ: نگارندگان)



۶. نتیجه‌گیری و ارائه‌ی پیشنهادها:

یکی از مهمترین عوامل در شکل‌گیری فضا و ایجاد خلق فضا در معماری ساختمان، نوع مصالح و متریال اجرا شده در نما و همچنین رنگ مصالح و نوع اجرا و استفاده از آن می‌باشد.

با توجه به بررسی و تحلیل پروژه‌های شاخص برنده شده جایزه معمار در سال ۱۳۸۵ با شناسه‌های A1, A2, A3, A4, A5, A6, A7, A8، بیشترین نوع مصالح اجرا شده با توجه به نمودار ۱ (تحلیل نوع مصالح نما) به ترتیب: آجر در ۵ پروژه با کد ۱، سنگ در ۴ پروژه با کد ۴، سیمان در ۳ پروژه با کد ۲، شیشه و چوب هر کدام در ۲ پروژه با کدهای ۳ و ۶، کامپوزیت و آهن در ۱ پروژه با کدهای ۷ و ۵ است. و بیشترین رنگ‌های مورد استفاده در این مصالح با توجه به نمودار ۲ (تحلیل رنگ مصالح نما): سفید و قهوه‌ای در ۵ پروژه با کدهای ۱ و ۳، زرد و سیاه در ۳ پروژه با کدهای ۲ و ۵، رنگ آجری در ۲ پروژه با کد ۴، نقره‌ای در ۱ پروژه با کد ۶ می‌باشد. این خود نشان‌دهنده معیار استفاده بیشتر از مصالح بومی در ساختمان سازی می‌باشد. همچنین، با توجه به نمودار تحلیل عوامل خلق فضا (نمودار ۳)، از تعداد ۸ پروژه مورد بررسی در این نمودار، شناسه‌های A2, A3, A4, A5, A6, A8، دارای معماری برون‌گرا و با توجه به نمودار ۴ دارای پوسته نیمه شفاف می‌باشند و ۲ مورد با شناسه‌های A1, A7، دارای معماری درون‌گرا و پوسته غیر شفاف هستند.

همچنین با توجه به (نمودار ۲) ۶ مورد از بناهای مورد بررسی با شناسه‌های A1, A4, A5, A6, A7, A8 دارای ایوان و ۲ مورد با شناسه‌های A2, A3 دارای تراس هستند. به خودی خود این آمار نشان‌دهنده توجه معیار داوران مسابقات جایزه معمار به بحث نور و تهویه مطبوع و همچنین نوع دید و منظر ساختمان به محیط اطراف است که باعث ایجاد خلق فضا در این محیط می‌گردد.

با دقت بیشتر بر روی پروژه‌های منتخب، این واقعیت که شکل متفاوت در نما، منحصر به فرد بودن، فرم‌گرایی و خلق فضا به صورت تاکید بر مولفه‌های ظاهری، بیشتر در جهت جلب رضایت فردی و یکتا بودن است نمایان می‌شود. و کمتر به معنای سکونت و طراحی مسکن تاکید می‌کند.

- 1- Abboushi, B., Elzeadi, I., Taylor, R., & Sereo, M. (2019). Fractals in architecture: the visual interest, preference, and mood response to projected fractal light patterns in interior. *Journal of Environmental Psychology*, 61, 57-70. <https://doi.org/10.1016/j.jenvp.2018.12.005>.
- 2- Aini, Sajjad, Afzalian, Khosrow, Etesam, Iraj and Shariat Rad, Farhad, (2022), Metaphor as an extension of analogy and reasoning method in architectural design, *Bagh-e-Nazar Scientific Journal* - No. 19-66-49 [In Persian].
- 3- Andersen, M. (2015). Unweaving the human response in daylighting design. *Building and Environment*, 91, 101-117. <https://doi.org/10.1016/j.buildenv.2015.03.014>
- 4- Buchanan, Richard. (2021). Innovative science and mature research as two strategies pursued in design research. In Ralph Michel (ed.) *Design research: Six discourses on the relationship between design and research* (translated by Javad Godini and Reza Sameh). Tahan Gostar Publications [In Persian].
- 5- Chamilothoni, K., (2019). Perceptual effects of daylight patterns in architecture. EPFL. <https://doi.org/10-5075/epfl-thesis-9553>
- 6- Chamilothoni, K., Chinazzo, G., Rodrigues, J., Dan-Glauser, E.S., Wienold, J., & Andersen, M. (2019). Subjective and physiological responses to façade and sunlight pattern geometry in virtual reality. *Building and Environment*, 150, 144-155. <https://doi.org/10.1016/j.buildenv.2019.01.009>.
- 7- Cross, Nigel. (2003). *Design Methods of Knowing*. Translated by Javad Godini. 2019. Qazvin: Qazvin Academic Jihad Publications [In Persian].
- 8- CROSS, N. (2023). *Design thinking: understanding how designers think and work*. Bloomsbury Publishing.
- 9- Godini, Javad, Karami Moghadam, Negin. (1403), Discourse analysis of texts attached to selected designs of the Memar Award (Residential-Apartment Projects (1380-1397) based on Lawson's Design Problem Structure Model [In Persian].
- 10- Hafeznia, Mohammad Reza. (2014). Explaining the Philosophy of Geography. *Space Planning and Arrangement* - Issue 18 [In Persian].
- 11- Kiss, H. (2023). Identifying dance costume design constraints [bachelors thesis, Aalto University School of Art, Design and Architecture], *Altodoc*. <https://aaltodoc.aalto.fi/server/api/core/bitstreams/15c5103c-8948-435e-9ae4-35388c847e33/content>
- 12- Lawson, Brian. (2004). *What Designers Know*. Translated by Hamid Nadimi, Farhad Shariat-Rad and Farzaneh Baghizadeh. (2016). Tehran: Shahid Beheshti University Press [In Persian].
- 13- Lawson, B. (2005). *How designers think*. Routledge.
- 14- Liu, S.Y., & Chuang, H.T. (2014). A Study of aesthetic factors and aesthetic responses of the interior environment. *International Journal of Research in Humanities, Arts and Literature*, 2(9), 1-8.
- 15- Lönngren, J., & van Poeck, K. (2021). Wicked problem: A mapping review of the literature. *International Journal of Sustainable Development & World Ecology*, 28 (6), 481-502.
- 16- Moscoso, C., Chamilothoni, K., Wienold, J., Andersen, M., & Matusiak, B. (2020). Window size Effects on Subjective impressions of daylit spaces: indoor studies at High Latitudes using virtual Reality. *LEUKOS*, 17 (3), 242-264. <https://doi.org/10.1080/15502724.2020.1726183>.
- 17- Mose Biskjær, M., & Halskov, K. (2014). Decisive constraints as a creative resource in interaction design. *Digital Creativity*, 25(1), 27-61. <https://doi.org/10.1080/14626268.2013.855239>.
- 18- Noghrekar, Abdolhamid. (2013). *Fundamentals of Architecture*. Tehran Payam Noor University Press.
- Heravi, Hassanieh; Falmaki, Mohammad Mansour and Tahaei, Seyyed Atallah. (2019). Reflection of female archetypes in Iranian historical architecture based on Jung's ideas. *Bagh-e-Nazar*, 16(80) [In Persian].
- 19- Partovi, Parvin. (2013). *Phenomenology of Place* (3rd edition). Tehran: Matan Publications [In Persian].
- 20- Pourahmad, A. (2013). *Territory and Philosophy of Geography*. Sixth edition, New Ideas in Philosophy of Geography. Tehran Environmental, University of Tehran [In Persian].
- 21- Ralph, Edward. (2011). *Place and Spatial Sense* (translated by Dr. Jalal Tabrizi). Tehran: Translator Publisher [In Persian].
- 22- Rezaei, Sohrab and Sharqi, Ali, (2014), Geometric patterns of daylight diffusion and sensory perceptions of residents in (residential buildings), *Bagh-e-Nazar Scientific Journal*, (134), 5-20 [In Persian].
- 23- Rezaei, Sohrab and Sharqi, Ali. (2019). Perceptual efficiency of daylight: A structured review of the role of daylight distribution patterns on occupant perceptions in indoor spaces. *Hot and Dry Climate Architecture*, 8 (11), 211-251 [In Persian].

- 24- Rezvani, Mohammad Reza. (2008). An Introduction to Rural Development Planning in Iran. Second Edition, Tehran, Qom [In Persian].
- 25- Rockcastle , S.F., Chamilothori, K.,& Andersen, M. (2017a). An Experiment in Virtual reality to measure Daylight-driven interest in Rendread Architectural scense. Proceedings of building simulation. San Francisco, USA. <https://doi/10.26868/25222708.2017.828>.
- 26- Rockcatlw,S.f (2017). Perceptual Dylight in architecture, Lausanne , EPFL. <https://doi.org/10-5075/epfl-thesis-7677>
- 27- Saeedi, A. (2010). Environment, Space and Development; Discussion on the Necessity of Integrated Rural and Urban Development, Housing and Rural Environment, No. 131 [In Persian].
- 28- Sarmadi, Sadaf; Shah Cheraghi, Azadeh; Karimifard, Layal. (2019) The process of landscape perception based on sensory and intellectual perceptions. Bagh Nazar, 17(88), 27-38 [In Persian].
- 29- Schultz, Norberg. (2010). The Spirit of Place: Towards a Phenomenology of Architecture. Hokhdad Nou Publications [In Persian].
- 30- Seyed Hashemi, Mohammad Ismail. (2006). Time and Space in Kant's Epistemological System. Mirror of Knowledge, No. 9 [In Persian].
- 31- Shakoi, H. (2008). New Ideas in the Philosophy of Geography. Environmental Philosophies and Geographical Schools, Volume 2. Fifth Edition, Tehran, Institute of Geography and Cartography of Geology [In Persian].
- 32- Yamini, Setareh, Alimohammadi, Parisa, Bazr Afkan, Kaveh, (2022), The role of designers' lived experience in representing architectural archetypes: A case study: Works of Iranian architects educated abroad. Bagh-e-Nazar Scientific Journal, 19(111), 5-16/September 2022 [In Persian].